

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۴ صفحه

۸۷

پیکار

سال دوم - دوشنبه ۸ دی ۱۳۵۹ بهاء ۳۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- هسته های مقاومت، جماعتی برای سرکوب کارگران! صفحه ۳
- رژیم جمهوری، بادهان به آمریکا فحش میدهد و بادست از او اسلحه می گیرد! صفحه ۷
- گزارشی از اوضاع سیاسی عراق صفحه ۲۰
- دو سیاست در قبال جنبش مقاومت خلق کرد صفحه ۵
- انقلاب فلسطین در آستانه هفدهمین سال صفحه ۱۵

آقای رفسنجانی و رسوائی ۲۰۰ میلیون تومانی

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بقیه در صفحه ۳۰

آقای بهزاد نبوی: دود روغ و یک راست!

۱،۴۰۰،۰۰۰ تومان خرج سفر رجائی به نیویورک!

۲۹ صفحه

گیر خرواست انقلاب علیه ضد انقلاب

افشای ماهیت سران لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی در دستگاه خلق

۱۱ صفحه

شکاف در "بالا" فرصتی دیگر برای پیشبرد انقلاب

ویژگی شرايطی که در آن بسیریم حدت یابی مبارزه طبقه ای و اجگیری بازم بیشتر جنبش توده ای است و این نتیجه محتوم بحران اقتصادی حاکم بر جامعه، فقر و فلاکت روز افزون توده ها، ماهیت و عملکرد ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی، افزایش آگاهی سیاسی و طبقاتی پرولتاریا و توده های تحت ستم است.

هر روز که از عمر این رژیم می گذرد، بر شدت بحران افزوده میشود و زحمتکشان بتدریج توهمشان نسبت به کل رژیم عموماً و به حزب حاکم خصوصاً در حال فرو ریختن است این روند بویژه پس از شروع جنگ و تشدید فلاکت و افزایش چشمگیر بیکاری، کرانی و وضع بسیار رقت بار آوارگان و ساکنین مناطق جنگ زده و همزمان با آن تشدید خفگان و سرکوب حرکات اعتراضی و جنبش توده ای، همچنان قوس صعودی داشته و این خود رشد و گسترش جنبش توده ای را باعث گردیده است.

بقیه در صفحه ۲

حملات رژیم علیه انجمن کارکنان مسلمان و محکوم میکنیم

۸ صفحه

سیاست مجاهدین خلق در قبال لیبرالهای خیانت پیشه

۹ صفحه

پایگاههای نظامی و مستشاران امپریالیسم امریکایی و سوسیالیسم شوروی در منطقه

۱۴ صفحه

راهپیمائی و اجتماع پیش از ۲۰۰۰ کارگر مناطق جنگ زده در تهران!

۳ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

دموکراتیکم برولتاریائی را برجسته‌تر و ج -
گیرنده شده‌ها سزند .

در این رابطه ضروری است کلیه اعضا و هواداران دوروزدیگ سا زمان با استفا ده هر چه بیشتر از شرایط و امکانات علنی و بایک حرکت گسترده و در عین حال تهاجمی ، نه تنها در کارخانه و روستا و با مدرسه و اداره ، بلکه در مرحله و خیابان و بویژه در هر کجا که زحماتشان حضور دارند ، اقدام به توضیح مواضع سا زمان ، تبلیغ و ترویج سوسالیستی و دموکراتیک و افشای هیئت حاکمه و جرائم آن انحرافی ریزیونیستی و غیر آن در زمان توده‌ها و در همین رابطه سا زمان ندهی و رهبری مبارزان آنها نمایند .

در این رابطه ضروری است رفقای هوا داز که تا کنون بدلیل شرایط جنگی ، فا در به فروشن علنی نشریات و ایجاد بساط درسرا هجها راهپله و میا دین سوزند ، تحت هدایت مسئولین خود و رعایت تمامی جنبه‌های تاکتیکی این فعالیت خود را سر گرفته و بمانا به بیکهای انقلاب ، وظیفه فروش نشریات ، سخن اعلامیه و بوستر ، توضیح ایدئولوژی و سیاست کمونیستها ، دفاع از خط مشی مواضع سا زمان و افشای هیئت حاکمه و جریانات انحرافی را بردوش گیرند .

در این رابطه ضروری است که رفقا با شرکت در تجمعاتی که بخصوص در مناطق شلوغ و توده‌های تهران و شهرستانها حول بحث درباره مسائل جنبش موقعیت هیئت حاکمه و ... تشکیل میشود به افشای هیئت حاکمه و تبلیغ و ترویج مواضع سا زمان بپردازند و در صورت امکان و مناسبت بودن شرایط دست به تظاهرات موضعی و محدود زده و با طرح شعارهای مناسب و بموقع رهبری آنها بدست گیرند .

رفقا! بگوئیم در شرایطی که بحران اقتصادی و سیاسی هیئت حاکمه را احاطه کرده و اوراد برابری رشد جنبش توده‌ای و فشار عظیم ناشی از آن به نا توانی وضع گشاده است ، و در شرایطی که جناحهای هیئت حاکمه و دیگر آلترنا تیه‌های ارتجاعی میکوشند ، به سرکوب ویا فریب توده‌ها بپردازند و مانع از رشد و گسترش انقلاب شوند با استفاده از تمامی امکانات موجود ، آلترنا - تیو کمونیستی و برولتری را بمان توده‌ها و در رشد و تعمیق تما بلات دموکراتیک توده‌ها و مبارزه با آلترنا تیه‌های ارتجاعی ونا بیگر و در همین رابطه سا زمان ندهی و رهبری مبارزان توده‌ای لحظه‌ای دریگ نکنیم .

(*) - مراجعه کنید متن ما حه خیرآبت الله منتظری ویا دداشتهای سیاسی در همین شماره سکار

افزون یا شن (بعنوان سوه فرعی) ، طبیعی است که تما ل حکومت کنندگان جمهوری اسلامی همواره بر روی سیاست سرکوب دور میزند و اسانی از ما هیت فدخلفی و نا توانی آنها از ساختگی بساسی سرین خواسته‌های توده‌ها است ، لکن انخا ذان سباسب ، نیا زمندبر - جورداری از قدرت متمرکز و فشرده ، ثبات و وحدت دروسی هیت حاکمه ، یعنی همان چیزی است که هم اکنون رژیم از آن برخوردار نیست و از اساترو ناگزیرا رتن دادن به سیاست عقب نشینی هر چند محدود در برابر فشار رجنش توده‌ای و بغا طر آرایش چهره گرفته و سرکوبگرانه خود و حلو کسری از حدت بایی تفا دها و رانده شدن توده‌ها سمت انقلاب قطعی است .

رژیم جمهوری اسلامی در همان زمان که از طریق وزارت کشور اعلام مسدا رد که "هرگونه راهیما ئی و تحمس و اعتاب بدون کسب مجوز ممنوع است و متخلفین راه ددگاه انقلاب معرفی و با توجه به مقررات زمان جنگ با آنها رفتار خواهد شد" (مطبوعات ۴ دیمهه) و یا ما جمعه تهران در خطبه نما زجماه اش و بد نبال حمله نیروهای ارتجاعی و عوامی رژیم به دفتر ما هدین ، نیرو - های انقلابی را بسا دنا سزا میگردد در شرایطی که ارتش و با ساران در کردستان و دیگر مناطق کشور به سرکوب جنبش توده‌ای و کشتار توده‌ها و انقلابیون می پردازند ... تحت فشار رجنش توده‌ای ، ناگزیرا از تشکیل "هیئت بررسی شکنجه" و کنا رگذا شن خلخال جلا و چشمک زدن به مها هدین و کوشش برای کشادن آنها بییبر پرچم خود (*) و سا یرا اقداماتی از این قبیل بوده است و هما نظور که در عمل نیز شا هد بوده - ایم ، رژیم در مقامی با شرایط شروع جنگ ایران و عراق ، قدرت و توانائی خود را در سرکوب و تشدید و رعاب و خفقا ن و بقول خودش اجرای مقررات زمان جنگ از دست داده است .

روشن است که کمونیستهای راستین بسر خلاف ریزیونیستها و پورتونیستها به اختلافات درونی هیئت حاکمه و عقب نشینی های آن دل بسته اند و حتی یک لحظه تفا دآشتی نا بدیر خود را رژیم حاکم و مبارزه با آنها از یاد ندیده و نخوا هندیدند ، اما این بدان معنی نیست که کمونیستها اسن مسالرانا دیده گرفته و از آن همچون بسیار مسائل دیگر بحفاظ تاکتیکسی استفا ده نکنند . بالعکس ، این وظیفه کمونیستها است که از همین شکاف و اختلافات درونی هیئت حاکمه و از همین نا توانی و عقب نشینی هاشی که رژیم تحت فشار رجنش توده‌ای مجبور به انجام آنست ، حد اکثر استفا ده رانموده و با اتخاذ نیه‌ها و تاکتیکهای جدیدی متناسب با شرایط حاضر و بویژه در ارتسلیغ و ترویج و افشاگری سیاسی و رهبری مبارزان توده‌ای ، سجدحصدی به اسن فعالیت داده و مبرجنش کمونیستی و

نصدا رفصحه ۱ سرمقاله ***

ما در هفته‌های سسی و در همین سسون ، سه ابعا دشمنان سس در مان کارگران و زحمتکسان انا ره کردیم و کسب سمامی سوا هد و قرائن حاکی از اواجگیری سس از سس حرکات اعترافی و حشش توده‌ای در سراسر کشور است ، آنچه که در همین بکی دوهفته اخیر در جاسمه رخ داده است و از آن حمله اعتصابات کارگران دختانات و سرکوب و احشهران ، نظا هرات و راه - بسما سی کارگران مناطق جنگ زده در نههران ، حرکات اعترافی آوارگان در مناطق مختلف و متفا بلا افزایش حملات سرکوبگرانه دشمن در کردستان و حمله به ما هدسن و مفا و مت توده‌ها و نیروهای انقلابی در سراسر این حملات و یورش - های ارتجاعی تابندی است سرحصت تحلیل ما و بسا سکر دموکراسی سلسعی توده‌ها ، کا هش شدید نوهم آنها نسبت به هیئت حاکمه و رشد گسترش سباز هم سبشتر جنش توده‌ای .

اکنون با دیدن تما شیر بلا و اسطه ابن رشد و گسترش جنبش توده‌ای چه تغییراتی را در "بالا" و سباسبتهای هیئت حاکمه نسبت به اسن جنبش موجود می آورد و از آن میان کمونیستها با یدحه سرخوردی با اسن سباسبتهای اتخا ذکنند ، فا سسون مبارزه طبقاتی به دشمن آموخته است که در برابر مقاومت و رشد و گسترش جنبش توده‌ای جا رهای جز سکا بریدن چماق سرکوب توده‌ها ندارد و اسن قا عده است که در تمام طول تاریخ مبارزه طبقاتی و در مورد تمامی رژیمهای ارتجاعی مصداق داسه است و استثناء بر دا رهم نیست ، اما نکته اساسی ای که با یدبراین قا نونمندی و قا عده عمومی افزودا نیست که سرکوب همواره بیک شکل و شیوه و بیک درجه صورت نمی گسرد و اسن بستگی به سطح جنبش توده‌ای از یک سو و درجه وحدت و انسجام درونی دشمن و میزان قدرت او در سرکوب اسن جنبش از سوی دیگر دارد .

وجود بحران اقتصادی و فشار روزافزون جنبش توده‌ای ، تا سیر بلا و اسطه خود را در "بالا" مسکا رده و بحران در "بالا" را موجب میشود . سباسب ترتیب که جناحهای هیت حاکمه ، علیرغم تمامی حشسه‌های وحدتشان در سرکوب جنبش و حفظ و تسبیت حیات کل سبستم ، در سرخوردبا بحران عظیمی که آنها را فرا گرفته و اتخا ذ راه - حلیها و شیوه‌های مختلف فا ق آمدن بر اسن بحران و سرکوب جنبش توده‌ای ، دجا را خنثلا ف گسردن و بسا ن یکدیگر مفا فتنه و اسن سسود سکا ف مسان آنها را عمیق و عمیق تر می کنند .

سبب متفا ل بحران سائسن و سالا سرروی سکدسگر ، اتخا ذده و سوه و سباسب متفا درا از سوی هیئت حاکمه موجب میشود : سباسب سرکوب جنبش توده‌ای (بعنوان سوه اصلی) و در عین حال سباسب عقب نشینی محدود در برابر فشار روز -

به استقبال جنبش اوجگیرنده توده‌ها بشویم

جنبش کارگری



راهپیمائی و اجتماع
پیش از ۲۰۰۰ کارگر
مناطق جنگ زده در تهران

هسته‌های مقاومت، چماقی برای سرکوب کارگران!

* - روزشنبه ۹/۲۹ کارگران بندر خرمشهر (قسمت تخلیه و گمرک)، بعد از مدت‌ها که درخواست سه ماهه حقوق به تعویق افتاده‌شان را کرده و نتیجه‌ای نگرفته بودند، به تهران آمدند. آنها ابتدا به اداره بنا در وگشتیرانی مراجعه می‌کنند و بعد از آنکه نتیجه‌ای عایدشان نمی‌شود، به وزارت کار مراجعه می‌کنند. کارگران که حدود ۲۰۰۰ نفر بودند، با بی‌توجهی مقامات وزارت کار مواجه می‌شوند بنا بر این تصمیم می‌گیرند نزد نخست‌وزیر بزنند و لذا بصورت دستجمعی بسمت نخست‌وزیر راهپیمایی می‌کنند. بعد از رسیدن به آنجا مسئولان نخست‌وزیری سعی می‌کنند طبق معمول کارگران را سردوآنده و متفرق کنند. اما زمانیکه با اراده استوار کارگران که تحت فشار ناشی از نبرد اخراج و حق‌فشان، از رنجوب‌بهران آمده‌اند، مواجه می‌گردند، موافقت می‌کنند که چندتن از کارگران به نما یبندگی از بقیه جداخل ساختمان بروند. اما نخست‌وزیر از پذیرفتن کارگران خودداری کرده و شخص دیگری را برای صحبت نزد نمایندگان میفرستند هنگامیکه این امر را به اطلاع کارگران میرسانند خشم کارگران برانگیخته شده و یک ربع به نخست‌وزیر وقت می‌دهند که اگر آنها را نپذیرد بزور وارد ساختمان خواهند شد. بنا بر این مقامات مجبور می‌شوند کارگران را بپذیرند ولی به آنها می‌گویند پول ندادیم و بروید ۱۵ روز دیگر بیا شید!

بدنبال سردوآندنی‌های رژیم کارگران بندر
بعیبه در صفحه ۲۵

کارگران وادبیت و آزار کارگران مبارزمی - برداخت رژیم شاه همچون طرحی بی چون " طرح تا مین داخلی و بدافندی " را نیز بمنظور تسلط هرچه بیشتر بر کارخانجات و سرکوب کارگران به مورد اجرا می‌گذارد. حال رژیم جمهوری اسلامی که در نما می زمینه‌های سرکوب در صداست بنا روی رژیم چنان‌بیتکارش را سفید کند، در نظر دارد تا از طریق تشکیل هسته‌هایی از کارگران و کارکنان ناآگاه، همان کارسواک را در کارخانجات جات انجام دهد. رهبران حزب جمهوری اسلامی که در غم‌و زاری تولید کارخانجات نشسته‌اند، بمنظور سرکوبی مبارزات کارگران که - سود سرما به داران را کم می‌کند، چنین طرح ضدکارگری را به دولت پیشنهاد کرده‌اند و خود دست به سازمان - دهی آن زده‌اند. " هسته‌های مقاومت " که وظیفه دفاع از منافع سرما به داران را بعهده دارند، همچون دسته‌های شبه نظامی در کارخانجات عمل کرده و وظیفه دارند هرگونه اعتراض حق طلبانه‌ای را تحت عنوان

بقیه در صفحه ۲۴

حزب جمهوری اسلامی که یکی از جناح‌های رژیم را تشکیل می‌دهد، بدنبال کسب قدرت در اغلب کارخانجات دولتی بمنظور نفوذ در کارخانجات - ها و کنترل آنها، طرحی را مبنی بر تشکیل " هسته‌های مقاومت " در کارخانجات، به مورد اجرا گذاشته است. بهشتی رهبر حزب در جلساتی که او را خرمشهر و اروا بیل مهرا سال در " خانه کارگر " از مسئولین سپاه سواران و اعضای انجمن‌های اسلامی تشکیل شده بود، طی سخنرانی خود اهداف این هسته‌ها را بیان کرد. حال ببینیم این دارو - دسته سرکوبگر چه خوابی برای کارگران دیده‌اند. رژیم‌های سرما به داری برای حفظ حاکمیت خود و ادامه استعمار طبقه سرما به دار، همواره به نیروهای مسلح و سرکوبگر خویش متکی هستند. این نیروها اشکال مختلفی دارند. مثلاً رژیم شاه‌ها شش علاوه بر ارتش، پلیس و ژاندارمری، ساواک جهشی را بوجود آورده بود که به شتابی افراد مبادی رز و تعقیب و شکنجه آنها می برداخت. بیاد داری که چگونه شمسواک در کارخانجات تحت عنوان " اداره حفاظت " به سرکوب مبارزات

انجمن اسلامی کارخانه ماشین سازی چه میکند

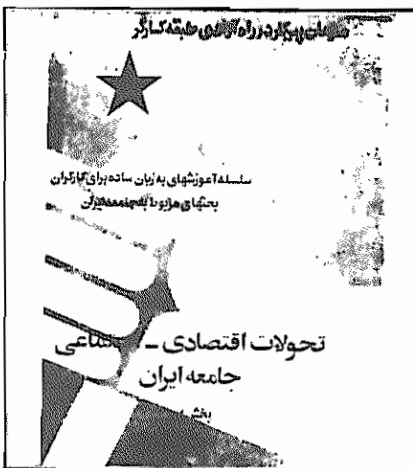
کارگران مبارز! دیروز:

جمهوری اسلامی بر علیه شورای کارکنان ماشین سازی توطئه می‌چید و آنرا آمریکائی و ضد انقلابی مینامد و خواهان اداره امور کارخانجات به دست مدیران و مسئولین انتصابی رژیم بود. * - انجمن اسلامی غلامرضا ثابت را برادر ثابت خطاب می‌کرد و وی را بی‌روخط اما میدانست. * - انجمن اسلامی هنگامیکه ثابت بخاطر خواستش ۱۸۰۰۰ تومان حقوق ماهانه کارخانه را ترک گفت، بخاطر اینکه به اصطلاح " نیروهای ضد انقلاب " از این موضوع برای افشای ماهیت ثابت و رژیم ستفاده نکنند، خواستار بازگشت وی به سمت مدیریت بود. * - انجمن اسلامی مدیرانی چون هاشمی، نادری، محبوب را انتصاب مینمود.

اما امروز:

* - انجمن اسلامی سنگ منافع کارگران را به سینه می‌زند و بخاطر به اصطلاح منافع کارگران وضعیتی که کارخانه به " حسن صدر " نامیده می‌شود. * - انجمن اسلامی شروع به افشای ماهیت غلامرضا ثابت می‌کند و ادعا می‌نماید که نقشی در انتصاب مدیران نداشته است. ما می‌گوئیم کدانش را با ما ورکنیم؟! ولی ما ماهیت ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی و انجمن اسلامی را خوب می‌شناسیم و خوب میدانیم که اعمال فعلی آنها برای فریب کارگران و پوشاندن رسوائی - ثانی می‌باشد. رسوائی که بخوبی چهره ضدکارگری انجمن اسلامی و ارتباط آن با نمایان می‌سازد. عده‌ای از کارگران مبارز ماشین سازی تبریز (۵۹۹/۲۲)

منتشر شد:



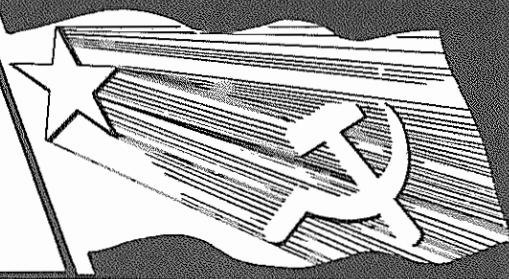
پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

ساختیم و در این راه از سبکی کوبنده، گزنده و عرصی سود جستیم، (البته میزان تعرض بستگی به سطح جنس توده نژاد دارد) آنکا نتیجه تها هر دسامی به دشمن برای توده ها گوارا خواهد بود

ج- انواع تبلیغ

هکامی که از انواع تبلیغ سخن گفته میشود، طبیعی است که فوراً تقسیم بندی تبلیغ بدو نوع کتبی و شفاهی بدین تدا می میشود. ماضن توضیح خلاصه این تقسیم بندی، به شرح انواع تبلیغ بر اساس چهار قانسون تبلیغ مبردا از سه تقسیم بندی تبلیغ بر اساس شکل آن، الف: تبلیغات شفاهی: سخنرانی، میتینگ، سخنهای جده نقره، سینما تلویزیون از انواع تمسک تبلیغ شفاهی به شمار میآید. ب: تبلیغات کتبی: تراکت که تبلیغی ترین نوع تبلیغ کتبی به شمار می آید، (بخاطر قابلیت نفوذ در توده های گسترده)، علامیه، نشریات و جزوات تبلیغی، طرحها و نمایشگاهها عکس، آثار رهبری، ادبیات، داستان، شعرو... نیز از انواع تمسک تبلیغ کتبی محسوب می شوند. تبلیغ شفاهی بخاطر رابطه زنده و رودرورگی که با توده ها ایجاد میکند، دارای تاثیر تبلیغی بیشتری است. اما گذشته از این انواع کاملاً

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۱۱)

توده ها، به شکوه و کلايه، خواهش و تمنا از او می بردازند. آثار رستتها، تعرض را با ارباب اشتباه میگردانند بجای توری تعرضی برای درهم کوبیدن دشمن طبقاتی تهنادا دوهوار راه می اندازند. شیوه ارباب نه کوشن برای بیان حقایق بلکه هما نظور که ما تومیکوید: "مرقا برای بستن دهان دیگران و" بیروزمند به قمر با زگشتن است" درست است که ما بستی به "مبارزه بی امان" و "حمله بی رحمانه" به دشمنان توده ها زد. اما این مطلقاً بمعنای زست ارباب بخود گرفتن نیست. تعرض بیرحمانه میگوید ما با استلال و شیوه ای منطقی میگوید. ما تودر باره نا درستی شیوه ارباب میگوید:

ب- مشخصات تبلیغ

۷- تبلیغ، تعرضی است

در قانون چهارم تبلیغ (پیگار ۸۳) گفته شد، بیان حقایق، اصل اساسی تبلیغ است و گفتیم این مسئله رسد در منابع تاریخی توده ها دارد. اما بیان حقیقت خود محتاج سنگ بیکار - جویا نه است. حقیقت نرسوولرزان نیست. حقیقت شجاع و ویران کننده دسیبای کهن است. کسی که حقیقت را بیان میدارد، در واقع، "به کهنه" و "نظم پیوسته" تعرضی میکند. این تعرض برای ارتقاء احساسات و روحیات توده ها ضروری است. بیان حقیقت چون سنگ آنجه را که نامانع تاریخی توده ها در تفرادمی افتد، ویران میکند جاقوی تیزی است که نفا دها را مپسکا فدوما هست و فوانن آنرا عرسان میکند. ما توبه سوانشی در لزوم سنگ بیکار جویا نه و تعرضی میگوید:

"از آنجا که ما میخواهیم نناخت حقیقت را به خلق بنا موزیم و او را به مبارزه با طسرها شای خوبس برانکیزیم، به چنین سنگ بیکار جویا نه ای سازمندیم. جاقوی کمد خون نمی ریزد." (۱۱) (تا کیدا زماست) تنها کسی سنگ بیکار جویا نه در تبلیغ را قبول ندارد که بیان صریح حقایق نامانع طبقاتی اس در تفرادمی افتد. روزیونیستها خواهان آنچنان تبلیغی هستند که به نظام کهنه طبقاتی یورش نرسد و سرحمانه بیروزواری را در هر لاسی (وا ز جمله روزیونیسم) رسوا سازد، آنها مخالف تعرض تبلیغ به منظور افشای صریح و بلا واسطه ارتجاع هستند و میگویند اسان خوشی از ارتجاع برخفته نشود، "برشت در مورد تبلیغ روزیونیستها ویا جویا ناتی که دارای کرایشات سرومند و روزیونیستی هستند میگوید:

"معمولاً لحن کلام کاملاً ملایم و سکو آ میزاست لحن کسانی که آزار تان به مورچه هم نمی رسد، کسی که چنین صدائی را مسنود، اگر در بدخشی ناسد، بار هم بدبخت نخواهد سد. اس ربان کسانی است که شاد دشمن نناسد، اما بی شک همراهان مبارزه هم هستند. حقیقت رزمجوست... (۲)

(۱) - ما تود، مسحب آمار، جلد چهارم، کفکوسا هفت بحر بره جنس سری رسا تود

اگر روزیونیستها، بجای تعرض به دشمنان توده ها، به شکوه و کلايه، خواهش و تمنا از او می بردازند، آثار رستتها، تعرض را با ارباب اشتباه میگردانند بجای توری تعرضی برای درهم کوبیدن دشمن طبقاتی تهنادا دوهوار راه می اندازند.

شناخته شده تبلیغ، با بستی به تقسیم بندی تبلیغ بر اساس قوانین تبلیغ برداخت

۱- انواع تبلیغ بر اساس روحیات و سطح جنبش توده ها

در قانون اول تبلیغ گفتیم که با بستی روحیات و غیرا بیز توده ها را که در دورانیهای مختلف (رکود، اعتلا و موقعیت انقلابی) تغییرات چشمگیر میکند، بحساب آورد، این مسئله نه تنها در محتوای شکل تبلیغ تا سیرا ساسی خود را می گذارد، بلکه انواع متفاوت تبلیغ را نسزمی طلسمد، در دوران رکود، تبلیغات عمدتاً از طرسنی شینا مه ها (تراکت) و علامیه و نشریات و جنبهای محدود انجام میگیرد، اما و جگیری جنبش توده ها و غلطان احساسات انقلابی، این انواع تبلیغ، تحت الشعاع انواع ساسا با اهمیت دیگر قرار میگیرد. سخنرانیها و بحثهای با تعداد بسیار زیاد و بخصوص نظا هرات توده ای با شعارهای سیاسی، چنان تاثیر تبلیغی بر جای میکنند که دیگر انواع تبلیغ سهجوجه نمسوا بدجنس با سیری داسها سد، برای مثال نظا هرات توده ای سعرا عیلا سال ۵۶، همرا با توده های نسری همرا سد و حسان تا سیر سبجی می -- بخشد که هیچ حرد دیگری نمسوا سبجی ساسی آن کردد. شعارهای انقلابی توسط اس نوع

چنین سبوه ای در باره هیچکس قابل تا شنبه نیست، زیرا که این تا کتیک ارباب در دشمن بکلی بی تا سیر است، و در باره رفقای خود نیز جز زمان هیچ حاللی ندارد. این تا کتیک است که طبقات استشما رگسرو و لمین رولتا را برسبیل عادت بیکار می بردند، ما پرولتا را احتیاجی به آن ندارد، برنده ترین و موثرترین سلاح برای پرولتا را هیچ چیز دیگری بجز روش علمی جدی و بیکار جویا نتواند باشد. حیيات حزب کمونیست نه سیرا به ارباب بلکه سیرا اساس حقیقت مارکسیسم - لنینیسم، سیرا اساس جستجوی حقیقت از میان واقعیت و بر اساس علم و دانش استوار است. (۳)

و اتفاقاً بزرگترین ارتباب بیروزواری، افشای تعرضی و بیان سکار جویا نه حقیقت است چرا که در غر ابع صورت بیروزواری بطور منطقی افشا نمیکردد و در نتیجه از زیر تیغ حمله کوبنده پرولتا را در امان مسامد، البته هکامسکه از نا درستی شیوه ارباب در تبلیغ سخن میگوئیم، به آن معنائست که سه دشمنان توده ها دسام سمد هم، بلکه این دشنام ساسی بهمه رخورد منطقی و اسدلالی مورب کردد، هکام میگوید ساسی اولی دشمن را اسوا رسوا

(۲) - سرت - سح شکل در کمن حصف
(۳) - ما تود - مبارزه علیه سگ الگوساری در حزب .

خلق ها و مسئله ملی



مقابله مسلحانه زحمتکشان سه روستا با ضد خلق

متن زیر گزارش مختصری است از مقاومت قهرمانان مردم روستای "سیدآباد"، "لاچین" و "ایندرقاش" (که همین چندی قبل ۳۶ نفر از مردم آن توسط مزدوران رژیم قتل عام شدند.) این گزارش بیا نکر تسلیمنا پذیری و اراده خللناپذیر زحمتکشان در مبارزه برای رهایی از زیر یوغ هرگونه استعمار است.

جریان واقعی به این ترتیب بود که در روز ۵۹/۹/۱۳ ساعت ۸ صبح ستونهای اذنیروهای ارتشی، با سداران و جاشها برای به اصطلاح "پاکسازی" و در واقع برای سرکوب و کشتار مردم ۳ روستا از مها با دبطرف دهات "سیدآباد"، "لاچین" و "ایندرقاش" حرکت کردند. ولی در هر ۳ روستا با مقاومت دلیرانه و یکپارچه مردم روستاها و پیشمرگان روبرو شدند در این درگیری ها که حدود ۱۲ ساعت بطول انجام میدهم مردم قهرمانان به دفاع از خویش پرداخته و به کمک پیشمرگان نیروهای سرکوبگر را به عقب راندند. مزدوران رژیم به تنهاتوان نشتند و اردوستانها شوند بلکه با دادن تلفات زیاد مجبور به بازگشت به مهاباد شدند. نیروهای ضد خلق ناتوان از درهم شکستن اراده مردم و پیشمرگان در هنگام عقب نشینی با پرتاب خمپاره از تپه "داشا مجید" (تپه مشرف بر شهر مهاباد) بسوی مناطق مسکونی اطراف شهر، ۳ خانه مسکونی را در محله "مجبورآباد" ویران کردند.

طبق اخبار موجود در مهاباد مردم و پیشمرگان در روستاهای فوق بانروهای سرکوبگر رژیم شش نفر ارتشی به هلاکت رسیدند و یک پیشمرگ دمکرات بنام "مصطفی" به شهادت رسید. در این جریان همچنین ۲ پیشمرگ و ۲ نفر از اهالی سیدآباد زخمی گردیدند. (به نقل از پیکار کردستان شماره ۳)

فائقه های جمهوری اسلامی دهات سردشت را با ناپالم بمباران کردند

۵۹/۹/۶ - ساعت ۹ صبح دوفروندفانتوم جمهوری اسلامی بفرزآسمان روستای میرناوی - سردشت ظاهر گشته و بعد از یک ما نورچهار بمب ناپالم بر روستای "بیلوک" و اطراف آن فرو ریختند، که در نتیجه آن دود غلیظی آسمان منطقه بقیه در صفحه ۸

مبارزه عادلانه خود را با تکیه بر نیروی خویش و نیروی لایزال همه خلقهای ایران امکانپذیر میدانند. (به نقل از پیکار کردستان شماره ۳)

دو سیاست در قبال جنبش مقاومت خلق کرد سیاست حزب دمکرات دفاع از مالکان است

کرد در ارتجاع حاکم را از دیدگاه تا مین منافع طبقه کارگران و پیوند جنبش مقاومت با جنبش خلقهای سراسر ایران ارزیابی میکند، سیاستی که بر اساس ماهیت انقلابی خود مخالف هرگونه سازش با نیروها و رژیمهای ارتجاعی میباشد و تنها به توده های خلق اتکا مینماید. ۲- سیاست سازشکارانه و ضد انقلابی که متکی بر ناسونالیسم بورژوازی بوده و برای تحقق خواسته های بورژوازی و ضد انقلابی خود حتی سازش با جلادان خلق کرد را نیز مجاز می داند. این سیاست در طی دو سال اخیر جنبش خلق کرد، مستقیم و غیر مستقیم بر خلق کردها ریزه زده است. کوشش های خائنان حزب دمکرات (که سردمدار این جریان است) در جهت سازش با رژیم بعث عراق نمونه بارز این سیاست ضد انقلابی میباشد.

بقیه در صفحه ۶

۱- اما جنبش مقاومت خلق کرد تا پیروزی آن نیازمند وجود یک مشی انقلابی و پیگیری است که بتواند مقاومت انقلابی توده های زحمتکش شهری و دهقانان ستمدیده روستا های کردستان را بر اساس سیاستی انقلابی سازمان داده و پیش ببرد. اگر جنبش مقاومت خلق کرد، با وجود فرازونشیبی در روند حرکت خود تا بحال دوام آورده و به دستاوردهای ارزنده ای نیز نایل شده است به علت حاکمیت مشی انقلابی و پیگیری است که توسط سازمانهای انقلابی خلق در حرکت بخش وسیعی از توده های زحمتکش خلق کرد متبلور است. اما با وجود این، طی دو سال گذشته همواره دو سیاست متفاوت در قبال جنبش مقاومت خلق کرد وجود داشته است:

۱- سیاست انقلابی که بیا نگرانی ترین خواسته های برحق خلق کرد بوده و پیروزی خلق

حملات گسترده پیشمرگان کومه له به مزدوران رزگاری

ما در اینها با پیشمرگان شهید رفقا علی گلچینی صالح بوریه ری و علی قمری را که در مبارزه برای پاک کردن کردستان از لوث وجود مزدوران وابسته به بعثت شهادت رسیدند گرامی میداریم.

ما ضمن پشتیبانی از اقدامات انقلابی رفقای کومه له در خلق سلاح و تا بودی مزدوران رزگاری معتقدیم عملیات سازمان یافته کومه له بر علیه سپاه رزگاری که با پشتیبانی مردم منطقه مواجه شدند نشاندهنده، ضدیت و دشمنی خلق کرد و نیروهای انقلابی آن با عوامل مزدور و نیروهای وابسته است. بعلاوه این اقدامات نشان میدهند که خلق کرد به هیچوجه وجود مزدوران و وابستگان به بعثت و اصولا هر نیرویی که بخواهد در این جهت قدم بردارد و جنبش مقاومت را به وجه الممالحه منافع ضد انقلابی خود تبدیل کند، تحمل نمی کند و قاطعانه آنها را طرد و نابود میسازد و جنبش مقاومت خلق کرد مبارزه ای عادلانه خواهد کرد و هرگونه وابستگی مبارزه خواهد کرد خلق کرد و نیروهای انقلابی آن پیروزی

در هفته های آخر آبانماه پیشمرگان قهرمان کومه له طی یک سری عملیات منظم، سپاه مزدور رزگاری را از بخشی از منطقه "ژاورو" (هورامان) یا اورامانات بیرون رانده منطقه را از وجود آنان پاک ساختند در جریان این عملیات تعدادی از مزدوران رزگاری خلق شده و دوتن از مسئولان آنان بنامهای "شیخ شهاب" و "شیخ رضوان" دستگیر شدند. این مزدوران در حضور مردم به رابطه خود با رژیم بعث اعتراف کردند آخرین عملیات پیشمرگان کومه له علیه مزدوران رزگاری در تاریخ ۵۹/۸/۲۸ و ۵۹/۹/۳ انجام گرفت که در جریان آن پایگاه اصلی آنها در روستای "دهل" تسخیر شد و عده زیادی از این مزدوران به هلاکت رسیدند. در این عملیات انقلابی فرمانده نظامی نیروهای پیشمرگه کومه له در سنج رفیق علی گلچینی بنام سازمانی "صلاح ... و همزمش کاک مالیح بوریه ری" شهادت رسیدند و خون خود را وثیقه پیروزی خلق کردها و خلقهای ایران ساختند.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

سقیه از صفحه ۵ **دو سیاست** ...

افشا و طرد ما هیت، سیاست، عملکرد و کلیه حرکات جریان سازشکاری که میکوشد جنبش مقاومت را به احراف و شکست بکشانند؛ از ضرورت‌های اولیه تعمیق جنبش مقاومت و پیشبرد آن است و بدون آن جنبش مقاومت خلق کردن نمی‌تواند تا پیروزی کامل بطور استوار به پیش رود. سیاست حزب دموکرات سیاست سازش است، چراکه مشی این حزب مبتنی بر دفاع و حمایت از مشودالها و مالکان میباید. حزب دموکرات بارها با اقدامات نیروهای انقلابی و دهقانان زحمتکش در مزارع زمینهای مالکان و فئودالها شددید اما مخالفت ورزیده است. سیاست فئودالی انقلابی حزب دموکرات در دفاع از مالکان از سویی و سیاست‌های سازشکارانه و ضدانقلابی او در برخورد به رژیم جمهوری اسلامی و در جهت سازش با آن و زیر پا گذاشتن منافع اساسی خلق کرد از سوی دیگر، همواره توسط نیروهای کمونیست و انقلابی افشا شده است. بهمنی خاطر بدنبال خور فعال نیروهای کمونیستی، سوبژه کومله و سازمان ما در کردستان، حزب دمکرات به دشمنی با آنان برخاسته و از هرگونه تبلیغ بر علیه آنها دریغ نورزیده است. دشمنی حزب با نیروهای انقلابی وقتی اوج میگيرد که این نیروها به اقتضای خواسته‌های توده‌های دهقانان در روستاها، به مزارع انقلابی زمینها و اموال مالکین و فئودالها و تقسیم و واگذاری آنها به دهقانان و بیا شورا‌های دهقانی موجود در منطقه دست میزنند. و طبیعی است که چنین اعمالی نمی‌تواند مورد خوشایند حزب دمکرات مالکین و فئودالهای منطقه بوده باشد! اخیرا نیز حزب دمکرات طی اقداماتی به محدود کردن فعالیت نیروهای انقلابی در انجام امور اجرایی نظیر مزارع و تقسیم زمین برآمده است. خلق سلاح پیشمرگان برخی از نیروها از جمله این اقدامات بود. بیکار کردستان در سوسیسم شماره خود طی مقاله‌ای به بررسی این عملکرد حزب دمکرات پرداخته است. بعلمت با رافشاگران این مقاله ما آنرا در اینجا می‌آوریم:

اخیرا "حزب دمکرات" در روستای "عزیزکند" دست به خلق سلاح پیشمرگان "راه کارگر" زد. بعد از این اقدام "حزب دمکرات" در اعلامیه ای بتاريخ ۵۹/۸/۲۲ به امضای تشکیلات مها باد خود، اخطار کرد که "... بعد از این اقدامات اجرایی کلبه‌ها و مزارع و گروها و افراد متفرقه ... جلوگیری خواهد کرد.

عمل حزب دمکرات و اطلاعیه‌ای که بدنبال آن صادر کرده است سنا نگرا سن واقعیت است که حزب از مزارع طبقاتی و آگاه‌های توده‌ها و حرکت آنها در جهت کسب منافع طبقاتی خود به وحشت و هراس افتاده است. حزب دمکرات در روستای

"عزیزکند" به این بهانه دست به خلق سلاح پیشمرگان "راه کارگر" زده است که آنها در مزارع زمینهای ارباب دهبه توده‌های روستای مذکور، کمک کرده‌اند، اطلاعیه بعدی و تهدید و "خط و نشان" کشیدنهای حزب نیز در توجیه و بیان این سیاست ضدیت با توده‌هاست حقیقت این است که حزب دمکرات که "سالت" دفاع از منافع بورژوازی و زمینداران کرد را برای خود قائل است، نمی‌تواند شاهد اوج گیری مبارزه طبقاتی در کردستان و رشد و نفوذ نیروهای انقلابی باشد، چه ننگ میدان اوج گیری مبارزه طبقاتی، موجودیت خود "حزب" را به خطری افکند و توهم توده‌ها را نسبت به این حزب، که امروز تحت پوشش مسئله ملی و مبارزه برای خود مختاری ما هیت حقیقی خویش را پنهان کس کرده است، خواهد ریخت. از طرف دیگر اوضاع سیاسی کنونی به حزب امکان میدهد که تمایل خود را نسبت به اعمال حاکمیت بلا منازع و قدر قدرتی در کردستان پنهان نکند و در اعلامیه مینویسد: "هیچ اقدامی جز با ارجحیت مشورت حزب دمکرات کردستان ایران مشروعیت اجرایی (!) نخواهد داشت. مسئولیت اقدامات جنجال انگیز و مخالفت با مفا دین اعلامیه بعهده فردی سازمان عمل کننده خواهد بود." این ترتیب حزب دمکرات سیاست خود را در قبال توده‌ها و نیروهای انقلابی بصراحت میگوید: توده‌ها حق ندارند مبارزه طبقاتی بپردازند (!) و در جهت کسب منافع طبقاتی خود دست به مزارع اموال مالکان و زمیندارانی بزنند که سالهای سال خون آنها را در شیشه ریخته‌اند. واقعیت این است که بررسی عملکردها و سیاست حزب در طول جنبش مقاومت نشان میدهد که این اولین و آخرین حرکت حزب نبوده بلکه نمونه‌ای از سلسله زور - کوشش و اجفاتی است که بر توده‌های خلق کرد و سوبژه بر زحمتکشان روا میدارد "سیستم مالیات گیری" حزب که با آزار و اذیت توده‌های فقیر روستاها اعمال میشود، و آنها را و میدارد تا به آزار هر خرید و فروش به حزب "مالیات" و باج بپردازند، امروز در بسیاری از نقاط کردستان که حزب حضور دارد، بصورت یک امر عادی درآمده است (در منطقه شنوبه و سردشت سوبژه با دین زور کوششها بسیار رشید است) لیکن حزب با این اعمال خود، "تیشه به ریشه خود میزند." چه توده‌های انقلابی به هیچ وجه حاضر نیستند قدمی به عقب گذاشته و از منافع طبقاتی خود دست بردارند. مبارزه خلق کورد فقط مبارزه ملی نیست بلکه همچنین مبارزه‌ای است در جهت نابودی ستم طبقاتی، نیروهای انقلابی و کمونیستها و وظیفه دارند که مبارزه توده‌های خلق کرد را ارتقا داده، سمت و سوی طبقاتی به مبارزه ملی بدهند. این وظیفه همیشه کمونیستها بوده و هیچ نیروئی قادر

نیست آنها را در اجرای این وظایف مانع شود، حزب دمکرات نیز بیپرده میکوشد که با تهدید خلق سلاح و سیاست تهدید و ارباب، نیروهای انقلابی کمونیست را از این مهم با زدارد. حزب در کوشه دیگری از اطلاعیه فوق می‌نویسد: "ما زمانها و گروههای سیاسی در انصام فعالیت‌های سیاسی خود کما ملا آزادند (!) و حزب دمکرات کردستان از تمام آزادیهای دمکراتیک دفاع خواهد نمود. اما مزارع اموال و دارائیهای مردم ۱۰۰۰ ز قدرت و صلاحیت سازمانها و گروهها خارج بوده و حزب دمکرات کردستان ایران این اعمال را در حد مخالفت و ایجا دتفرقه و آشوب در مقوف خلق به حساب می‌آورد."

مضحک است اینطور نیست؟ حزب دمکرات از یکطرف خود را مدافع "آزادیهای دمکراتیک" می‌خواند از طرف دیگر کمونیستها را تهدید می‌کند، که حق ندارند، به توده‌ها در احقاق حقوقشان یاری رسانند. این "دمکرات مآبی" حزب دمکرات قبل از اینکه نشانی از "دمکراسی" داشته باشد، به نگر عوا مفریسی آن است. رژیم جمهوری اسلامی نیز همین حرف را به انقلابیون و کمونیستها میزند: "آزادی بشری که تنها آن عملی را انجام میدهد که من میگویم." واقعیت این است که در کردستان بعد از نزدیک به دو سال که از جنبش مقاومت میگذرد، مبارزه طبقاتی نیز به مزارع مبارزه علیه رژیم به پیش میرود. هر چه مبارزه وسیع تر شده و عمق بیشتری پیدا کند، حزب به ناگزیر به مقابله بیشتر در برابر توده‌ها کشیده خواهد شد. نتیجه عملی آن نیز از هم اکنون روشن است: ارتقا سطح آگاهی و مبارزاتی توده‌ها، رشد نیروهای انقلابی و انفرادی حزب دمکرات، تصور این نتیجه بر سرای حزب، وی را به این فکر انداخته است که از سر نوشت محتوم خود جلوگیری، اما آیا ادعای "حزب فراگیر" بودن می‌تواند ناجی حزب باشد؟

سازمان ما بعنوان بخشی از نیروهای فعال در جنبش مقاومت خلق کرد، وظیفه انقلابی خود میدانند که عمل خلق سلاح پیشمرگان "راه کارگر" توسط حزب دمکرات را محکوم کرده (۸) و معتقد است که وظیفه کلیه نیروهای انقلابی است که با اقیاء ما هیت و عملکردهای حزب دمکرات، و مقاومت در برابر تهدیدات آن از منافع توده‌ها و انقلاب دفاع کرده، دستاوردهای جنبش مقاومت خلق کرد را ارتقا دهند.

(۸) - لازم به توضیح است که محکوم کردن خلق سلاح پیشمرگان "راه کارگر" توسط حزب دمکرات نمی‌تواند به معنی دفاع از نظریات "راه کارگر" و آن سیاستی باشد که "راه کارگر" نسبت به جنبش مقاومت ارائه میدهد و سرانجامش جز آشتی طبقاتی و اجتناب از مبارزه نیست.

پیروزی جنبش مقاومت خلق کرد

رژیم جمهوری اسلامی با دهان به آمریکا فحش میدهد و با دست از او اسلحه می‌گیرد!

متخصصین قسمتهای مختلف به یوشهرا عزام شدند تا هریک محموله مربوط به قسمت خود را فوراً تحویل بگیرند.
خبر سوم

هواپیما های جا موجت نظامی نیروی هوایی که مخصوص محموله های نظامی است را "هوا - بیما" می نامند. این هواپیما ها مسافر است زده اند و مدتی است این هواپیما های ظاهرا مسافربری از کره جنوبی لوازم و قطعات یدکی نظامی وارد میکنند. قیمت این محموله های نظامی که بطور غیر مستقیم (از طریق کره جنوبی) از آمریکا خریداری میشود که به ۸۰۰ درصد قیمت معمولی میرسد.

البته هواپیما های ملی ایران - همان نیز تعدادی هواپیما های جا موجت (بوئینگ ۷۴۷) در اختیار دارد، ولی رژیم جمهوری اسلامی بنا تغییر آرم هواپیما های نظامی خود را با آمریکا خرید سلاح از آن را برده پوشی مینماید. این اخبار موشق گوشه ای از واقعیات درون ارتش شاه ساخته و یک شبه "مسلمان و مکتبی" شده و افشای میسازد و نشان میدهد که ارتش ابزار سرکوب و چماقی است که بوسیله رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی علیه کارگران و زحمتکشان به کار میرود.

حالا به این دو سند توجه کنید که از سوی سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) قبلاً منتشر شده است. یک سند مربوط به خرید سلاح آمریکا و تحویل آن به بندر خمینی و سند دیگر مربوط به استخدام مستشاران آمریکا یا انگلیس.

محموله شان نوشته شده بود (Made in U.S.A) ساخت آمریکا) و در پیکار شماره ۸۶ تحت عنوان امپریا - لیسم آمریکا به رژیم جمهوری اسلامی اسلحه میدهد:

"هواپیما ۷۰۷ به شماره پرواز ۱۷۱۴ که در تاریخ ۵۹/۹/۹ به مقصد ما درید (پایتخت اسپانیا) پرواز زنده بود در تاریخ ۵۹/۹/۱۰ ساعت ۴ و ۵۰ و پنج دقیقه به تهران مراجعت می نماید. این هواپیما جیبه های را که حا مل موتور جت های جنگنده فانتوم و لوار میمیدکی هواپیما های آمریکا ۴ و ۵ بودنده تهران آورده بود. روی جیبه ها فقط کلمات "مقصد ایران" به چشم میخورد. خریدی که برای اوایل آذر ماه یک هواپیما ۷۰۷ هم از فرانکفورت مقدار زیادی لوازم یدکی برای هواپیما های فانتوم و مهمات از قبیل توپ و خرج آن، به ایران آورده است."

خبر دیگری که اخیراً بدست ما رسیده حاکی است که وزارت دفاع به افسران ارشد نیروی هوایی اعلام داشته است که بر طبق توافقهای حاصله بزودی وسایل یدکی و مستشاران از انگلستان بکمک ایران خواهد آمد. مدیا آمریکا هم توافق هائی برای استخدام مستشاران در جریان است. همچنین دو هفته پیش در یک تراکت گفتیم:

خبر اول:

در کسینوی که در اوایل آذر ماه جاری با شرکت "تیمسار فکور" وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده تصمیماتی گرفته اند و به فرماندهان و سرپرستان فنی کلیه قسمتهای مختلف نیروی هوایی دستور داده شده که هر چه زودتر کمیونها و نواقص دستگاها و مشکلات آموزشی خود را بررسی و مشخص کنند تا با برقراری روابط با آمریکا جداگانه استفاده بشود. وزیر دفاع معتقد است که این روابط بزودی "عادی" میشود.

خبر دوم:

اوایل آذر ماه جاری ۶ الی ۷ کشتی که محموله آنها قطعات یدکی و وسایل نظامی آمریکا می بوده مستقیماً از آمریکا رسیده و در بنا در جنوب لنگر انداخته اند. این کشتی ها بدنبال رسیدن بیک کشتی حامل تجهیزات نظامی که قبلاً در آبان ماه ۵۹ مستقیماً از آمریکا به بندر یوشهرا رده شد، به بنا در جنوب رسیده اند. کشتی قبلی که در آبان به ایران رسید بمنظور تسریع در تخلیه محموله آن، از یابیکا های مختلف نیروی هوایی

رژیم جمهوری اسلامی ارتش شاه ساخته و دست پرورده آمریکا را با زسازی میکند.
وزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی در آنزوی "طبیعی" شدن روابط بین ایران و آمریکا است.
کشتی های اسلحه از آمریکا و کشورهای دیگر دست نشانده آمریکا مثل کره جنوبی به بنا در ایران میرسد.

خلخال و محمد منتظری این چشم و چراغهای آیت الله خمینی صریحاً خواستار برقراری رابطه با کارشور و بدست آوردن قطعات یدکی نظامی هستند...

اما رژیم داعی مبارزه با امپریالیسم را دارد و مدتها مدربوق و کرنا های خود ایسن دروغ بزرگ را به خورد مردم میدهد.

رژیم و قیقا نه سر سخت ترین دشمنان آمریکا یعنی کمونیستها و انقلابیون را به آمریکا بودن متهم میکنند! رژیم نعل وارونه میزند تا مسیر واقعی اش را که جز آغوش امپریالیستها نیست، کسی تشخیص ندهد. اما...

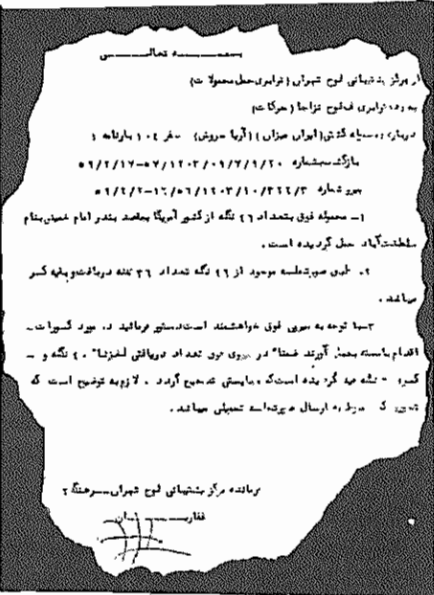
ما کمونیستها بیرحمانه دشمنان خلق را افشای کنیم، آنها را در هر چهره و لباسی به زحمتکشانی شناسانیم و پرده های توهم را از پیش چشم توده ها کنار میزنیم.

کیهان اول دیماه در مورد صا حبم سخنگوی دولت بهزاد نبوی مینویسد:

"سخنگوی دولت سپس شایعه خرید اسلحه از آمریکا و همچنین خرید اسلحه از اسرائیل توسط هلند را بشدت تکذیب کرد و گفت که این شایعه ناشی از تبلیغات بلندگوهای صهیونیستی و امپریالیستی برای لکه دار کردن انقلاب ایران است. چون همه میدانند که بزرگترین خصم اسرائیل و آمریکا دولت ایران است، بنا بر این نه ما از آنها اسلحه میخواستیم و نه آنها به ما اسلحه میدهند که بر علیه خودشان بکار ببریم."

وزیر "مکتبی" جمهوری اسلامی خرید اسلحاز آمریکا را تکذیب میکنند ولی ما چندین بار منجمله در خبرنامه های جنگ مورخه ۲۶ آبان و ۲۳ آذر خرید سلاح بطور مستقیم یا غیر مستقیم را افشا کرده ایم:

در "خبرنامه جنگ" شماره ۷ تحت عنوان "ورود اسلحه آمریکا" آمده است که "اوایل آبان ماه به فروندها پیما های باری در فرودگا مهرا باد به زمین مینشینند" بهشتی برای تحویل گرفتن اسلحه میاید و دستور تخلیه هواپیما ها صادر می شود. این هواپیما ها از یکی از فرودگا ههای آلمان با رگیری کرده بودند و روی جیبه های



آزادی گروگانهای آمریکایی، مقدمه ای برای وابستگی بیشتر به آمریکا است

حملات رژیم علیه انجمن کارکنان مسلمان را محکوم می کنیم

در هفته گذشته خیا بان مباران (تهران) محنتها جم جدید رژیم جمهوری اسلامی علیه انجمن کارکنان مسلمان هوا دارما همدن خلق بود . این حمله خصی ارحمات سا زمان یافته وهادایت سدهای است که ارسوی رژیم جمهوری اسلامی بویره ارکا شهای سرکوبگروا سته به حزب علیه محاهدسن و دیگرانظلاسیون انجام میگردد .

"گروههای مقاومت" ویا تدهای سا هوا بسته به ساداران و حرب ، خود حمله میکنند و برزمینه کینه سورپهای که علیه نیروهای انقلابی صبح وسامدرس مردم نا آگاهها بجادمی نمایند دست به حمله میزنند ، آنگاه نیروهای انقلابی و در اینجا محاهدسن را متهم به ابحا داغشا ش و . . . میکنند! هر چند حنا ی اسن حقه با ریها دیگر رنگی ندارد ولی آگاهیه و هشاری هر چه بیشتر بوده ها ، ارتجاع را رسوا تر و فلج خواهد ساخت . ما ، همصدا با نیروهای انقلابی و کمونیستی ایران ، حمله به محاهدسن خلق و هواداران آنها را محکوم میکنیم و آن را نشانه ای از وحشت رژیم ارتشروهای انقلابی و فدا میربا لست میدانیم .

بهشتی نامزد عضویت در شورای سلطنت!

نریبه محاهدسما ره ۱۵۲ در مقاله ای افشا - گرا به وسندنوشته است :

" در او خر رژیم گذشته ارحمه افرادی که برای شورای سلطنت در نظر گرفته شده بودند در کنار میما رفربه اغی از ارتش ، آفای بهیستی شرارسان روحانیون بود ."

"(بهیستی در ملاماتی سالیکن ماور سفارت آمریکا حان "دوستانه وسبت" صحبت میکند که لنگی در آخر کربان خود جنس اظهار نظر میماند) :

" اظهارات بهیستی سشترا بنطور بنظر سرسند که منافع آمریکا را به ما با داوری میکنندنا منافع ایران!!"

دفاع از حجت الاسلام آشوری

روحانی مبارز و دمکرات حبیب اله آشوری که سوانی طولانی در مبارزه علیه رژیم شاه داشته وس از صام سردردفاع از انقلاب همچنان به مبارزه ادامه داده و زندگی ساده ، افکار مبارزه جوانه انقلابی او و فعالیت های تبلیغی اسن سان دهنده وفاداری اوسه آرمانهای خلق میباشد ، هم اکنون در زندانهای رژیم کورسار است ، فریب ده روراست که اوسط عوامل رژیم رسوده شده وهش حصری حنی به حساب داده اسن برسدناست ما محمدنا کلمه نیروهای انقلابی و مبارزان اسن اندام رژیم جمهوری اسلامی را محکوم میکنیم و معتقد اسم که او و کلمه رسانان انقلابی ساند آراسود .

۴۱۰ - ۰۲۳ - ۰۰۰۰۰۰۰

۵۹/۳/۲۴

بازگشت شماره ۲۶-۱۰۷-۱۳۰۴-۱۳۰۳/۳-۵۹ و شماره ۲۸-۱/۳-۱۶۰۰-۱۶۰۰-۵۹/۳/۲۴

۱- فرماندهی لجستیکی هوایی شناسای نامین برسنل مشروحه زهرانموده خواهشمنداست دستسور
انید با توجه به وجود برسنل در صلاح فنی در آن رنگان در این زمینه بررسی ویا توجه بانیک تا مین سفنی از این
ن. صعباننلا" توسط سایر پیکانها تا ذخیره کرده است در راستا معمول و نظریه اسلام دارنند تا اس از نوع محدودیت
استخدام انستد ام گسرد .

۲- تا مین یکتور مشخصه متبخر از کارخانه سازنده (توضیح اینکه کارخانه سازنده آمریکا می باشد
با توجه به سیاست فعلی مملکت تا مین مشخصه از آن طریق غیر ممکن به ناوس رسد لذا پیشنهاد میگردد یکی دیگر
از منابع را که قادر به تا مین این مشخصه میباشد اذتیم نمایند .

۳- تا مین سه نمونه خاص رسده سه ساله از کمپانی راپروردتد صعبان شروحه (با توجه بانیک مملکت
وجود داشته حالات فراوان در سطح قرار داده ها و مزین به از طرف کمپانی باز خوردتد کنترل کتب بیونهای مکرر در آن رکسین
در دوره پیشگوه تصمیم تا مین مین برادامه سگرتن سبتسبای مربوطه اخذ نگرددیده است لذا تا روشن سبب در
تاریخ نگهداری سبتسبای تا مین این قبیل برسنل از کدیرو انگستان مقدونذرا هدریدنذ اچ تا مین معنی وجود دارد
که بر آن برسنل مرد نیاز از آن تا مین نبود معرفی نمایند) .

۲۲۰ - ۷۷/۳۷ - ۰۰۰۰۰۰۰
۵۹/۳/۱۱

الف - مشخصه A.T. E یکتور برای مدت یکسال

ب - مشخصه Manual Test یکتور برای مدت یکسال

پ - مشخصه RADAR Wave Gu یکتور برای مدت یکسال

۴- تا مین مشخصه D.T. در دستگاههای هادگ در دوره دموی برای مدت ۶ ماه جهت یگان C.M.F
(توضیح اینکه یگان فون الذ کتا کمین فانداین نوع مشخصه رسده است)

۵- تا مین یکتور مشخصه I.M در دوره دموی ۳۲۸x۴ در دوره الکترونیک جهت تکمیل پروژه سبتسبای اس
ادست خدمتسوروی دستگاه EMATS (یگان سبتسبای رسده است آسای توفیق جداد با توجه به سرباقتس
استخدام نرود.)

... کت شرویه هوایی جمیبری اسلامی - سر حجت غلبان جهانگیر

سا سارا کاسهای سرکوبگر کارگران ، نوده های
رحمنکی و کمونیسمیا و انقلابسون را کسار
ساهد آری اس حفا سسان مدهده که رژیم
جمهوری اسلامی مصادا میرالسم و دشمن خلق
های ایران اس .

مرک سرامیرالسم و ارحاج داخلی !
ارسن دست رسوده آمریکا را هر چه
سسر انساکنم ا
سرفر ایدجمهوری دموکراتیک خلقی !
سارمان سگاردبراه آزادی طلمه کارگر

این اسناد و حقایق نشان میدهد که رژیم
جمهوری اسلامی چگونه فریبکارانه خود را "صد
امیرالیست" وانمود میکند اسن اسناد و
حقایق ثابت منما ییده کمونیستهای سگسرا
چه حد دراز باسی رژیم سعووان یک رژیم ارتحایی
و رژیمیی که میگوید سارما به داری واسنه را در
ایران ترمیم کند موضعگیری درسی داشته اند .
آری این حقایق سنان مدهده که چگونه امیرا -
لستها به با سازی ارسن خدمردمی رژیم
جمهوری اسلامی میرد از زند تا اسن ارتسنس و

بقیه اصفحه ۵ فائومها . . .

سایه های حمدا لا وسر حدرو محمد اسن سفنی از هوا -
داران رحمنکی و فعال کومله سبنا دت رسده و ۹ نفر
دیگر رحمی سدد .

در همس سورس فاسو مینا روسای "خدرشاوی"
در ۵ کیلومتری میرنا وی ۲ سسمرک حرب دمکرات
سا مینای عمر چه وسه وانه و علی سسرکاک محمد اهل
روسای "کراساک" نه سبنا دت رسدد . در میرنا وی
جندس حان سراسر سبمازان آسب سدد . در اس
حرباناب مردم رحمنکی روساجای اطراف نکسک
دهاب سبمازان سده آ مده سدد و آسب سدد کال اس
حاناب را ساری داده و در سوسه روحه تا اس کوسد
(سفل ارحسرا مه ۹۷ کوسد)

را فزا کربت . در سورس دوم ساسو مینا سارا کک و مسلسل
سهمس روسنا حمله کردند . یک دسه رسسمرکان
کومله با یک گروه امداد خود را به سلوک رساده و
به مداوای زخمها رسد اسد . در اس حربان ۷ نفر از
اهالی زخم سطحی رسد اسد و لی دو خانه نکلی سراس
و یک اسب و ۲ گا و تلف سدد .

در حالیکه مردم سسول کمک به زخمها و ساکن
خانه های ویران سده سدد ، در ساعت ۱۱ صبح سار دگر
فا سبتو مینا ظاهر گسده و اسن سار روسنای "خدرشاوی" و
"میرنا وی" را یورد حمله فرار داده . در روسنای "سیر
شاوی" حدافل ۲۵ راکت سروز سبسد که در اسر اس ۲ نفر

سیاست سازشکارانه مجاهدین در قبال

لیبرالهای خائن

نظر ما پرواضح است. ما نیکه مجاهدین در برخورد با هیت طبقه‌ای قدرتی سیاسی دچار انحراف بوده و جایگاه واقعی لیبرالها را در نزد توده‌ها پنهان می‌نمایند، سیاستها و اعمال خباثینکارانه لیبرالها را بدست فراموشی سپارید و ایستادگی ترانکه بنو رستمی و غیر مستقیم از لیبرالها پشتیبانی میکنند، آری دیدگاه انحرافی سازمان مجاهدین نسبت به کل هیات حاکمه سیاست خطرناک حمایت از لیبرالها منجر گشته است، کمتر مواردی در شماره‌های مجاهدیتوان یافت که در افشای لیبرالها باشد در تمام مقاله "روحانیت و آزمایش سرنوشت" (مجاهد ۱۰۱) که درباره قدرت سیاسی است حتی یک مورد افشای گری درباره لیبرالها نمیتوان یافت و برعکس مجاهدین با لحنی دلسوزانه برای لیبرالها از اینگونه ریاست جمهوری "شیرینی یال و دم و اشکم" شده صحبت میکنند و بعد از مجاهد ۱۰۱ مینویسد: "در محنه سیاسی کشمکش بر سر قدرت همچنان ادامه دارد و جریان کناره‌زدن تمام نیروها و تحکیم قدرت انحصاری به قوت خود باقیست تقریباً کلیه جریانها و نیروها بی‌گناهی که هر کدام بنحوی در مبارزات مردم و براندازی ختن رژیم سهیم بودند کناره‌زده شده اند و جریان حصر قدرت امروزه آخرسن مرزهای خود رسیده است."

واقعاً چه جریانها و نیروها بی‌گناهی "در مبارزات مردم و براندازی ختن رژیم" سهیم بوده اند که با بنک قدرت کناره‌زده شده‌اند؟ یا اساساً عناصری جز افراد وابسته به جناح لیبرالها بوده اند که از قدرت کناره‌زده شده‌اند؟ بدین ترتیب مجاهدین عملاً لیبرالهای خائن را شریک در مبارزات مردم دانسته و به حمایت از آنان برمی‌خورند، لیبرالها هیچگاه از موضعی دمکراتیک و ضد امپریالیستی علیه رژیم شاه خائن مبارزه نکردند، آنان برای داشتن سهمی در قدرت با دیکتاتور شاه مخالفت می‌ورزیدند، لیبرالهای ضد انقلابی نه طرفدار دمکراتیسم و مبارزه دمکراتیک علیه رژیم شاه بلکه طرفدار لیبرالیسم و سلطنت بدون دیکتاتور می‌بودند، امروزه مجاهدین به علامت حمایت، در برخی ارظها را می‌بینیم که به نفع لیبرالها بوده شرکت کرده، در نشریه خود تلگرام لیبرالها می‌مانند، حاج سید جواد را منعکس نموده و نشریات لیبرالها می‌نماید "میزان" و "انقلاب اسلامی" درباره نقض مکرر قانون اساسی... تا حد مثال می‌آورند.

آری واقعیت اینست که مجاهدین در قبال لیبرالهای مرتجع از خود شدیداً تلزل نشان داده و سیاست سازشکارانه‌ای در پیش گرفته‌اند، این سیاست سازشکارانه و سیاست جویانسه در ضل بختی از هیات حاکمه ضد خلقی ایران ناشی است، آری مجاهدین با لیبرالها دارای هیچگونه مرزبندی نمی‌باشند، آیا بدست سازمان مجاهدین

سرای هواداران خود که را دیکارا لیسیم با رزی از خود نشان میدهند، چنین جلوه دهد که گویا این سیاست مدارا جویان نسبت به لیبرالها یک تاکتیک است، ولی کدام تاکتیک؟ یا تاکتیک انتقینی نباشد در خدمت استراتژی بوده و منجر به انکار مبارزه طبقاتی گردد؟ همانطور که میدانیم توده‌ها در مقابل جنایات و شیادیهایی عربان حرب جمهوری از آن دور میشوند، آنان سبب اریستن نسبت به هیات حاکمه بی اعتماد کشته و بذر کینه و عصیان نسبت به حکومت در میان توده‌های زحمتکش جوانه می‌زنند، در چنین شرایطی سیاست انقلابی آست که هرگونه توهم، نسبت به هر یک از جناحهای هیات حاکمه را در ذهن توده‌ها درهم شکسته و آنان را بی پروا و بدور از میدانهای واقعی نسبت به لایها در راه انقلاب به جلو هدایت کرد، سیاستی که توده‌ها را نسبت به یک جناح از حکومت امیدوار سازد و این توهم را موجود آورد که گویا لیبرالهای جناح "بهرتر" از حزبهای خائن می‌باشند، سیاستی رفرمیستی و سازشکارانه است، زیرا چنین سیاستی عملاً انقلاب علیه کل طبقه حاکمه را بدست فراموشی می‌سپارد، مجاهدین بجای آنکه با هیت تک تک جناحها را در نزد توده‌ها افشا کنند و سیاستهای خاص هر جناح و منافعی که در پشت هر یک از این سیاستها نهفته است را به توده‌ها توضیح دهند، به توده‌ها چنین وانمود میسازند که گویا لیبرالیسم، ارتجاع نیست و جناح لیبرالها "بهرتر" از جناح حرب میباشند، مجاهدین بجای آنکه به توده‌ها بگویند لیبرالها مذافع امپریالیسم میباشند و مخالفت آنان با حزب جمهوری نه از موضعی مترقیانه، بلکه از موضعی ارتجاعی میباشند، چنین وانمود میسازند که لیبرالها از همان موضعی به حزب برخورد میکنند که نیروهای آگاه و مترقی، آری سیاست و تاکتیک که همه دشمنان توده‌ها را به آنان نشانساند، نه سیاست و تاکتیک انقلابی بلکه سیاستی رفرمیستی و سازشکارانه است.

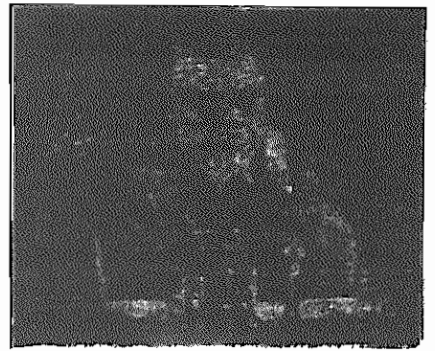
افشای حزب جمهوری خوب است، اما...

مجاهدین بدرستی بیش از گذشته به افشای حزب جمهوری اسلامی پرداخته و حزب را "جساده مافکن امپریالیسم" نامیده و "سیاستهای سازشکارانه و ارتجاعی" و "جناح‌داریها و جناحیات آنرا برملا میسازند، مجاهدین بدرستی برخلاف گذشته شعارهای دروغین ضد امپریالیستی حزب جمهوری در مورد اشغال سفارت را افشا نموده و مطرح ساخته‌اند "چگونه می‌توانیم هم‌زمان امپریالیست بودیم هر روز فشار و محققان بر مردم و نیروهای انقلابی را افزایش داد؟" (مجاهد ۱۰۱) مجاهدین بدرستی در برابر فشار ارتجاع و ممنوع‌الانتشار شدن نشریه مجاهد دست به تعرض زده و دوباره به انتشار نشریه می‌پردازند، مجاهدین (هرچند محدود و نا پیگیر) بدرستی به افشای جناحیات رژیم در کردستان دست زده و اقدام انقلابیون توسط رژیم را برملا کرده‌اند، آری مجاهدین

بدرستی فعالیت و مبارزه خود علیه حکومت را تندید کرده اند و بیرواضح است که این امر بسود انقلاب و مبارزه توده‌ها علیه ارتجاع حاکم است و بی سبب نیست که ریزبونیستهای مزدوری چون حزب توده که نوکریات حاکمه می‌باشند علیه مجاهدین خلق لحن پراکنی نموده و این سازمان را "همدست فدا انقلاب" میدانند، آری رژیم حاکم و ریزبونیستهای خباثینکار را زعمیق مبارزه سازمان مجاهدین خلق نفرت دارند، اما توده‌های آگاه و نیروهای انقلابی و کمونیست از این امر نمیتوانند مسرور نباشند، ما نیز به توبه خود را این امر استقبال می‌نماییم، اما در همین حال نمی‌توانیم در قبال سیاستهای انحرافی مجاهدین در مورد لیبرالهای خائن نگه‌سازیم، نیا شیم، در حقیقت مجاهدین با اتخاذ چنین سیاستهایی، ناپیگیری و تلزل خود در قبال لیبرالها را بنمایانند، مجاهدین باید بدانند که اگر لیبرالها به آنها "چشمک زده" و اینجور و آنجا بطور ضمنی از آنها "حمایت" میکنند این امر فقط و فقط به خاطر آنست که تا نیروهای مردمی را گرد خود جمع آورده و توده‌ها را نسبت به خود متوهم سازند، لیبرالهای عوام فریب می‌گویند از حیثیت نیروهای انقلابی سوء استفاده نموده و جنبش توده‌ها را به سکوی پرش بسرا می‌تحکیم موضع خود در قدرت سیاسی تبدیل سازند حال آیا مجاهدین نباید این حقایق را برای توده‌ها آشکارا بنمایانند و آنان را نسبت به این سخن از دشمنان نیز واقف سازند؟ لیبرالها مجاهدین نباید خطر لیبرالها برای جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی توده‌ها را افشا نمایند؟ منافع انقلاب و خلقهای کبیرا سران چنین می‌طلبند، اما آیا مجاهدین خلق به چنین نیا زستری با سخ خواهند داد؟

حقوق معلمین آواره را قطع کرده‌اند

در تاریخ ۹/۱۸ حدود ۵۵ نفر از معلمین خوزستان که فعلاً در بر و خرد ساکن هستند، برای اعتراض به بخشنامه‌ها در اهواز تهران جلوی وزارت آموزش و پرورش شهر اجتماع میکنند، مضمون بخشنامه‌ها این بوده است که معلمین نواحی حگ زده‌ها بیده مناطق خود برگردند و از این تاریخ به بعد "دزوم" حقوق کد به معلمین پرداخت می‌شود، شددستور آقایی با هنر! قطع میشود، معلمین معترض از میان خود شورایی انتخاب کردند که این شورایی خواست: پرداخت دوسوم حقوق قرار دادن دفتر حضور و غیاب را در اختیار معلمین آواره و گزارش آن به خوزستان و... پیش رئیس فرهنگ میروند، اما با جواب سر بلای وی روبرو میگردند، معلمین به همراه شورای تصمیم میگیرند که تا تحقق خواسته‌هایشان به مبارزه ادامه دهند



مهدی بازرگان (لیبرال)

نام: مهندس مهدی بازرگان
شغل: سرمایه دار (مدیر عامل کارخانه پرفور) و نخست وزیر سابق و نماینده فعلی مجلس شورای اسلامی
ایدئولوژی: لیبرالیسم
جرم: شرکت فعال در بازسازی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان و خیانت به خلقهای قهرمان ایران

ظرفدار قاصد اساسی ساهی و مصلح نظریه پرداز انقلابی، "ما سلطنت کننده حکومت" مثلا او در مصاحبه ۱۲ آبان ۵۷ (همی در دوران حکومت نظامی اوسی) میگوید: "مادرسار آن احزاب هستیم که قانون اساسی را قبول داریم" که البته در آن سلطنت ساه موهبی الهی ساخته شده بود.

سرمایه دار رویداد رای سهام در چندین کارخانه از جمله برفومکنده چون کارگران اسی کارخانجات و استعمار تررتون نکسان، بازرگان در این کارخانه با امیرالاستنهاای فرانسوی و بلژیکی سر یک است.

سوار و حکمرانی مبارزات بوده ها، گوسندنا سوار شدن سر حسی خلق اریا بودی مطبوسی امیرالاستم و حسی رزم سلطنت در ایران جلو گیری کند. ندس برست شروع نه با به سراسکی برای دسمن خلقی، یعنی ساه خاش نمود.

برای فریب بوده ها و جلوگیری از حسی در نامه خاشا نه ۲۹ اردیبهشت ۵۷ ساه خاش صحت میگذد که: "اغلیحصر خود را حسه و کوفسه کرده است و سهراسب خای خود را به ولستعهدا ره سس ندهد."

همدسی با مردوران ساخته شده امیرالاستم آمریکا، ساسد علی امسی: بازرگان در ۱۸ سپرور ۵۷ (بگوروس ارمعه ساه) در نامه عاخره ای ساه خاش میگوید: "علی امسی را فردمین برسی منداسم، اگر آ آمریکا هم ساسنهایی داسه ساسد، روی سادل نظر و مصلح اندسی است." و در ۱۲ آبان بگوروسل

کیفرخواست انقلاب علیه ضد انقلاب

افشای ماهیت سران لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی در پیشگاه خلق

اراین س خواهم کوشید، کار ساه خاشانت با سران لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی را در پیشگاه خلق افشا ساشم ساه بوده های خلق سهنرا رسن نداسد، که حه کسان، ههنا دهرا رسهد و صد هزار معلول انقلاب را سنها به سکوی سسی برای رسدن به قدرت و عارت و سرکوب زحمتکشان ایران تبدیل کرده اند. در این افشا کر سها تک فرد لیبرال و یک فرد حزبی را همرا ساه نکد سگراف ساشمکنیم، چرا که هر دوی این جناحهای رفت در درون هشت حاکمه دسمنان بوده های رنج دیده مسین ساه هسند. طبعی اسب از آنجا که ما سنها و سنها به سنده های ملبوسی خلق برای سشنردا مرا سفلاب اعفا ددا رسمد افشای دسمنان بوده ها، هدی جری آن نداسم که بوده ها تا یک انقلاب بزرگ، خود سخاصا با دسمنان سصفه حساب کرده و آن سها را سیرما سدن ساه خاش سربالهدا سسی با ریح سنادارید.

ار سسه سرح در تک ماحه مطبوعا سسی میگوید: "کمان ساشم علی امسی سوا بد موقوف شود و ساه خاشی هم که در احسار من است، کمکن میکنم" و بدین سرت سنا زرگان میگوید سده کمک و ساری سو کر حله بگوس آمریکا رنجزد، که ا و حکمیری جسس اجاز دها به نوظنه ها سس را طلسه انفسلاب سسی دهد.

ار سباط با امیرالاستم آمریکا ار طرسنی دوسنان خاش اس جون امیرالاستم، جس سربو معدم مرا غه ای.

ار سباط سسقم با سزال هوسر آمریکا سسی وارسندره سانی جلادتا ه مردور (ساشق آست اللهی سسی خاش) برای به سارس کسب سدن سنا ررات مردم ایران و طوکسری از قیام سسمن ساه خلقهای قهرمان ایران. در این مذاکرات سسی و بازرگان سول دادند که مانع ارفسام مردم و سس ساسدن ارس ساهی کردند و مانع امیرالاستم را حفظ سنا ساد.

آقای بازرگان کسه خود را علیه قیام سسمن سعه در صفحه ۱۲



آیت الله بهشتی (حزبی)

نام: آیت الله سید محمد حسین بهشتی
شغل: بسازیفروش سابق و سهام دار شرکت اهداف و رئیس کنونی دیوان عالی کشور و دبیرکل حزب جمهوری اسلامی
ایدئولوژی: "مکتبی" و مکتب سرمایه داری
جرم: شرکت فعال در بازسازی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان و خیانت به خلقهای قهرمان ایران

سسی در دوران ساه همسه در سارس و مساسات با رزم سنیوی فراردا سده است
خروج آزادانه از طرس فرودگاه سیرا تادنا با سسورت سادره ار طرم رزم سده خلقی ساه در سعادرفسام خوسس ۱۵ خرداد ۴۲، در حالی که در آسما سساری ار سار رس وانفلا سسون سب سدن سس سکرده های سلسی رزم سناه فراردا سسند، آقای سسی ساه حالی آسوده به آلمان سسی "حزب" فرمودند، کاری که بجز ار راه خاشانت به خلق و خدمت ساه سسی سوانسب اسام کسرد.

سنا سده آیت الله سس سمداری روحا سسی سوروو لیبرال در آلمان سسی.

احاره کردن خاشه ای محلل در آلمان سسی به قیامت ۲۵۵۵ مارک سادل ۸۵۵۵ تومان، اسس سول ار کخا ساسن سکرده؟ اسس سبالغ کلان از دس سرح و سسی جسس زحمتکشان سنا سس می - کردند.

ملاقات همسکی ساه مقامات سفارت ساه در آلمان (لاندسرای سنا رره سار سسما ه ۱۲)

مخالفت ساداسنحوان سنا ررضدر سس ساه درها سسورک (آلمان) و جلوگیری از سعال سسهای اساکرانه سها علیه حکومت سنیوی

سافرت به سوا حل خوس آب و هوای کسور سوان و سندرما سسی در فرانس سسرای گذرا سدن سعطیلات سنا سسی، معلوم است که آقای سس سنی در این مناطق دورا زحمتکشان کرسنه و ریح دسده ساه ها که سسی کرده است ۱۲



دعوی لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی، جنگ قدرت میان دشمنان توده ها است

جنایت دیگر پاسداران در زندان اهواز

رور جمعه هفتم آذر ماه یکی از رحمتگان
دا سکا حدی سا سورسا محسن کرد در کتبه برای
ملاقات برانقلابی ۱۵ ساله اس که بدسال حمله
اوباسان و پاسداران به ساداد مداد در سکی
مخا هدس دستگیر شده بود مسرود، وی ناما محبت
و بدفراری بکیمانان مسلح ریدان روسومی -
سودوموعی کدا عسرای میکنداسلک بکیمان
سری به فلس اما ت میکندولی ممالحان
موروا فغ سده ووی فوت میکند. اس رحمتگان
نیل امرک عم نکیرس برسا میکف: "اکرمی
میرم چه کسی ۸ ساعتند ام امان خواهد داد؟" مردوزان
وعوا بل مسلح بر رسم جمهوری اسلامی با فریب -
کاری محسن واسود کرد زندگه سردار اس "اسانه"
اربعک خارج سدادت. در رژیم جمهوری اسلامی
آحه برای اس رژیم اسرا عی اهمیت سداداد
جان رحمتگان اسب. در طلبعت محسن رسمی
اسکده اسرا سکا ران سببانی سعاد.

۱- قبل عام دهقانان زحمتگن ترکمن
مخرا و ترور انقلابیون خلق ترکمن ارجله رفعا
نوماج، محسوم، جراحی، واحدی و دهقانان انقلابی
دیگر

۲- اتحاد جنگ در کردستان بهمه راه لسرا ل
- ها و کسا رومخروج کردن هرا ران بفرار
رحمتگان کردستان و نسل عام مدحا بفرار
روساتان رحمتگان در روسا های فارسا ،
فدالانان، کاسی مام سید، اسدرفان، صوفسان
سوف کند، به روکاسی ...

۳- به همراه لسرا لنها سرور انقلابیون به
وسره کموسسها از حمله سکا رگران سپدر رفعا
معودمالحی را دولست نجم الدسی و دهقانان
انقلابی دیگر

۴- اسکا دمحظ سرور و دهقانان در سپهرهای
ایران وسره در شمال و ضرب و جرح انقلابیون
نوسط آدمگان و اسبته به جرب

۵- سرکوب مسازات حق طلبانه کارگران
دهقانان، بسکاران، دکه داران در سپهران دورود
اندیمک، ما شهرو و سپهرهای مختلف ایران

۶- این جنایات را حزب آقای بهشتی انجام
داده است و حزبی که با اتکا به ساداد پاسداران
جنایات فجعی را علیه خلقهای ایران به انجام
رسانده است

۷- شرکت در سزای سیستم سرمایه داری
وابسته در جهت سرکوب انقلاب و تشدید بیره کشی
از کارگران و زحمتگشان، بهشتی همیشه حامی
تجار و سرمایه داران بوده است.

۸- استخدام و بسیج و سازماندهی دسته های
اوباشی، فدا رهنده و آدیکس بر عنوان "حزب
الله" برای حمله و سرکوب نظهرات و برهم زدن
منبتک های نیروهای انقلابی و ضرب و شتم
کموسستها و انقلابیون

۹- نمان و ملاقات مخفانه آقای بهشتی سکا
"هیری سرک" جاسوس آمریکا و بردن او به حوزه
علمیه و ترنسب دادن ملاقات او با مدرسین
حوزه علمیه طبق اعتراضات ابراهیم بزدی در
مجلس (روزنامه جمهوری اسلامی دو سبسه ۲۱
سپرسور ۵۹)

۱۰- ملاقات بهشتی با کاردار سفارت امیرالایسم
آمریکا و ارائه رهنمودهای لازم به او تا قبل از
اسمال سفارت ("نامه یکی از دانشجویان بیرو
خط امام به ما حد" - مجاهد ۱۰۱-)

۱۱- شرکت فعال در برتانه ریزی و سازمان دادن
هجوم و حسانه به ساداسکا ههای کموزیر عنوان
"انقلاب فرهنگی" و کسار داسجوانان انقلابی و
مخروج کردن صد هاتن از آسان.

۱۲- سال اقامت در اروپا از طریق مخفوری
و محبت ردن بولهای حاصل از جوع دل کارگران
و رحمتگان و نارکت ساد ایران در سال ۱۳۵۴ و
سرف فرمائی در محبت انادی رژیم شاه سه
خانه محلل خود، در حالی که در آندوره اکبر
مسازرن از خارج کموزیرم بداخل میکذا است
بلافاصله ابریدان اوین و کنگنه کا ههای رژیم
ساده سرد مآورد. (اس سوابق نتگنن آقای بهشتی
در خارج از کموزیر سوسط اسحق داسجوانان
مسلمان خارج از کموزیر - ها مسورک اسفا شده است)
۱۳- بلافاصله پس از ورود به ایران از جانب رژیم
مفسور ساد در سازمان کتب درسی مسعود بکار
مسود! و در اس سازمان به ندوس کتا بهسای
ساحساهی برای سوجوانان سادردا خه و سدی -
سرب ساد ساد کردن فرهنگ محظ ساد ساد
داری و اسبه در مدارس و محضی داس آموزان
مسعود مسکرد. اسم اس عسرحان سکا روعوام
- سرف در موجه دوم کتا بهسای درسی اسرا عی و
مسدل زمان ساد بعضی سسه بود.

۱۴- سبسی همراه سراجی، ساهرو و جد سرفر
دیگراسها مداران سرکب اهدف سوده و نا کتون
اومحمان به اسسما ر سوده ها مسعود است؛
۱۵- نمان محفانه آت الله بهشتی بهمه راه
سارگان سرور و لسرا ل و فرمائی (حکمه -
سوس آراسا مهی، در محسوم ساد ما "موسسور"
جاسوس و مسارا امیرالایسم آمریکا سسرای
مسود کردن انقلاب و جلوسگری اسرام مسلحانه
سوده ها در سبسی ما ۱۳۵۲.

۱۶- اتحاد ساد هاساداران برای سرکوب انقلاب
و نسا رانقلابیون و خلقها

مفرف ۶۰۰۰ تومان معادل ۱۵ هزار مارک
آلمانی برای بانجده سادها مسورک محبت جوی -
آسجدود! در حالی که داسجوانان مسازرحارج
کشور در شکستگی به مساز زده سله روسماه ادا نه
سدادند و محس بکنا ر بعلت خودداری آقای
بهشتی از دادن وام به داسجوانان مسازر ملمان
آنها جمور سمداد رکشسان کاسولک سسرای
کذا ردن سدی خودوام نکیرد.

۱۷- کوس سرای اسفمال اساه حلالدر مسجد
ها مسورک بهسکا مسفر ساد به آلمان در سال ۱۳۴۶ .
کدالید ساد اسفا کر پینای داسجوانان مسازر
خامسورک، آتای بهشتی نتوانست حامی سری
آسکا ر خود را ساداد حلال خون آسام سنان دهد.
۱۸- جرب سده هها هرا مارک آلمانی و سابل سرای
حامی شخصی خود سببکا ما رکت ساد ایران آسبم
در حالی که رحمتگان سنان حالی برای خوردن
نداسند، اس و سابل آسقدر را دو کراسمصبت
سود کدی؛ بول سارسدی سوغائی اس آت الله
ساده ۲۵۰۰ مارک (سسان اسره اسرا سومان) سواد.
۱۹- وسام مبلان خود را سکا رسر دنا داسجوانان
مسلمان مسازر اسرای در ساد ساد دجالت نکیرد،
سارسانی اس داسجوانان موجب سرک او اسرا
آلمان عوسی و حامی سسی اس سوسله محسهد
سسری کردد.

۲۰- سال اقامت در اروپا از طریق مخفوری
و محبت ردن بولهای حاصل از جوع دل کارگران
و رحمتگان و نارکت ساد ایران در سال ۱۳۵۴ و
سرف فرمائی در محبت انادی رژیم شاه سه
خانه محلل خود، در حالی که در آندوره اکبر
مسازرن از خارج کموزیرم بداخل میکذا است
بلافاصله ابریدان اوین و کنگنه کا ههای رژیم
ساده سرد مآورد. (اس سوابق نتگنن آقای بهشتی
در خارج از کموزیر سوسط اسحق داسجوانان
مسلمان خارج از کموزیر - ها مسورک اسفا شده است)
۲۱- بلافاصله پس از ورود به ایران از جانب رژیم
مفسور ساد در سازمان کتب درسی مسعود بکار
مسود! و در اس سازمان به ندوس کتا بهسای
ساحساهی برای سوجوانان سادردا خه و سدی -
سرب ساد ساد کردن فرهنگ محظ ساد ساد
داری و اسبه در مدارس و محضی داس آموزان
مسعود مسکرد. اسم اس عسرحان سکا روعوام
- سرف در موجه دوم کتا بهسای درسی اسرا عی و
مسدل زمان ساد بعضی سسه بود.

۲۲- سبسی همراه سراجی، ساهرو و جد سرفر
دیگراسها مداران سرکب اهدف سوده و نا کتون
اومحمان به اسسما ر سوده ها مسعود است؛
۲۳- نمان محفانه آت الله بهشتی بهمه راه
سارگان سرور و لسرا ل و فرمائی (حکمه -
سوس آراسا مهی، در محسوم ساد ما "موسسور"
جاسوس و مسارا امیرالایسم آمریکا سسرای
مسود کردن انقلاب و جلوسگری اسرام مسلحانه
سوده ها در سبسی ما ۱۳۵۲.

۲۴- اتحاد ساد هاساداران برای سرکوب انقلاب
و نسا رانقلابیون و خلقها

کشاورزان مبارز رژیم را بعقب می رانند!

جریان از آن قرار است که فرد منقوری به نام محمد باثی که در زمان شاه خاثن نما بنده را مند (وکیل مجلس آریا مهری) در منطقه هستر بوده و هم اکنون نیز "مسلما" شده و نما پینده عرفانی (نما بنده هسردر مجلس شورای اسلامی) میباشد، در ده سال بین رمینی را در روستای شکردسب (هشتر) در احسبا رکتا ورز (جوبان) رخصتگی بنا مهدات فرا راد ده بوده تا کشت کند و البته هر ساله حاصل دسترنج او را به نیما میبرده است. بعد از قیام (بابا ثی) مرتجع با استفاده از نوعی که در رژیم چه چوری اسلامی بدست آورده است نوطه می حیند که جوبان رحمنکن را از زمینی که مدت ۱۰ سال روی آن کار نموده است و در حقیقت زمین به جوبان متعلق است، بیرون کند. برای اجرای این عمل ضد خلقی ۲ ماه پیش با تفاق عده ای از اوباشان به راغ جوبان میروند و میخواهند او را با زور از زمین بیرون کنند که جوبان، مبارز قافومت میکند. با ثی متفور با تفاق همدستانس جوبان رحمنکن را بیثدت کتک زده و تهدید میکنند اما جوبان مبارز قافومت نموده و از زمین بیرون نمرود. جوبان زحمتکن که ه مورما هیت رژیم جمهوری اسلامی را نشناخته بود، رور بعد برای نکات به دادستانی هسندر مراجعه و شکایت میکند اما آنجا شکه نما من رما مداران رژیم با وجود احتیاط نشان درسگر بر، بوده های رحمنکن با هم متحد هستند. دادستان به خواهستهای جوبان رحمنکن هیچ اعتباری ننموده و با جواب سر بالا او را رد میکند

جوبان رحمنکن که می بیند رژیم جمهوری اسلامی به استنها به خواهستهای بحق او کمتر پس سوچی میکند، بلکه سنبان پولداران و سرما به داران آس به میان روه خاثنان محل رفته و جوبان را میگوید روه خاثنان رحمنکن را آنچه اعمال صدمه می رژیم بخسم آمده و مصمم میگردند سنها را به در مقابل رور کوبی بقا و متب نموده. رخصت نمودن راه با ثی با هر مفا می کذب ساد و سخواهد جوبان رحمنکن را از زمین اخراج نماید، سپر برست که سده حسی با رور کوبس تا سسد. رژیم بر سر او حگبوری عا روه روستا ثان محور به عقب سستی سده و سوا سده جوبان مبارز رحمنکن را از زمین بیرون نماید.

کسا وران رحمنکن و مبارز را! این عمل مبارزانی سما بحر بی نشان می دهد که خاثنه محسده و مبارز را بر نود را یکبار چه و سجدانه سس سسرت، سوا سده خواهستهای بحق جوبان را به رژیم حاسی مسگر. ان محفل نما سده آری، چه خوب گفته اند که جاره ر خه را ن وحدت و یککلا است. (سک - سحر ۳)

سفارت آمریکا، آشکارا رسد با رکتان سدفاع از آنها سرداحت و کتف که این جا سوسپها با احازه او صورت گرفته است، او گفت: "اگر روری در کراوس- های چید سفارت خانه دیگر هم این اساد دست آید که ما بیدر به ۲۰۰ فقره بزنده از سوی آقای امیرا نظا مویا سا رورزا، نمی سوانند لیلی بر خیانت با شد! " و بدین ترتیب مسکوشا سوا ن را تطهیر نماید.

ملاقات با برزیسکی مشاور امنیتی کاسر، برای سازش با امیرا لیسیم در ۱۱ آبان ۵۸ این ملاقات هدفی جز قبول وفرا رگذاش سسرای حفظ منافع امیرا لیسیم نداشت.

بازرگان در زمان نخست وربری اس، مشو- لیت مستقیم در اجرا و تدوین در تماشای قوانین صد کارگری و مدخلقی داشت.

بازرگان با کوشش تمام میگوید سنها و ارکا نه ای سرمایه داری و بسته را با سازی کند، دفاع را رتن مدخلقی سا حاش که اسلام آورده بود، هدفی جز تحکیم سرمایه داری وابسته سداشت.

او در سخنان همواره از منافع سرمایه داران دفاع کرده و بر علیه کارگران و رحمت کسان و کمونیستها تبلیغات میکرد.

صاحبان منشا نشر به صد اعلا بی میزان و ار رهبران دار و دسه ارتجاعی "نهیست آرای ایران" بدین ترتیب خون صدها تن اردلر ترس-

فرزندان زحمتکنان ایران، در مبارزات کارگران و خلق کرد و ترکمن و... او را کسان کارگران سز میجکد و با طرا قداماس درسگر کوبیده ها و کوشش فرا و اسس رای ناری سستم سرمایه داری وابسته، حاش به خلقهای مهران ایران است.

اس کار ما محاسبات رکتی است که با سمال کردن خون سهدان اسفلات بحسب وزر شد، در کسار بوده ها سرگت کرده و همواره عمکار منافع امیرا لیسیم در ایران بوده است اکنون جس کسی از "آرادی" صحبت میکند طبیعی است "آرادی سخواهی" حش سخن خاثنی جآ را بدون در ادا مدح سنها معمای دیگر سخواهد است.

دعواهای لسرالها و جرسنا دعواهای در دها است، امیرا لها مسکوس سندا خود بر اس اسور فرا رگت رید و حاشتهای کدبه خود را ادا سده دهند، لسرالهای مرتجع آرای برای خلقی نمی خواهند، آنان آرای برای عا رب و حنا ول خود می سوا سده، ساسراس هر گز سده قریب شعارهای عوا مفر سنا ند لسرالهای خاثنی حون با رگان و سنی صدر ا جورد، آنان دبیس کارگران، رحمنکنان، کمونسسپا و سده اسفلات سوا سده، آنان با روم سده امیرا لیسینهای سوسخا روسا را سس سسمن آرای و اسفلال سوا سده.

بقیه از صفحه ۱۱ کبفر... هرگز بینها ن نکرد، او قیام بر شکوه بهمس را "مصیبت بزرگ" نامید و گفت: "ما دام که ۳- در دست مردم است آجروی آجربند نمی شود." (مصاحبه مطبوعاتی در ۳ آذر ۵۸) او گفته معروف دیگری نیز در این مورد دارد که: "میخواستیم با ران بیایید، سیل آمد" و بدین ترتیب نفرتس را از سیل خروشان توده ها آشکارا ساخت.

بازرگان در واقع فراری دهنده دشمنان جنایتکار خلقهای ایران از زندانهاست، او بختیار مزدور قزه با غی و با لیبزان جلاد و... دهها تنس از جنایتکارترین مزدوران امیرا لیسیم را از زندان فراری داد.

بازرگان میگوید، هویدا و بسیاری از مزدوران امیرا لیسیم را از مرگ نجات دهند و حتی کوش داشت با جلوگیری از اعدام سپهبد مقدم، رئیس ساواک، پست ریاست صد اطلاعات ارتش را به او بدهد. (در دعوا های میان دو جناح حکومت، خلخالی جلاد این موضوع را فاس ساخت)

آقای بازرگان مبتکر سیاست گام - بگام در مورد آشتی سوا سز با امیرا لیسیم امیرا لیسیم است.

او که نمی تواند بیکیا ره بطور کامل سرمایه داری و بسته را با سازی کند، میگوید بتدریج امیرا لیسیم را کلا در ایران مستقر کند، او در مصاحبه اش با او را با فالاجی (با مداد ۲۱ مهر ۵۸) از اینکه در خارج مبتکر سیاست گام بگام را شا هیور بختیار از او خط می گرفته است!

او نخست وزیر دولت موقت بود که جنایات فراوانی درسرکوب خلقهای کرد، ترکمن و عرب و کشتار کارگران سیکا روز حمتکشان بی مسکن و سرکوب انقلاب انجام داد. در نوروز خونین ۵۸، ترکمن صحرا و کردستان را بخون کسید و صدها نفر را کشت و در بیورش جمهوری اسلامی به خلقی کرد، در مرداد و شهریور ۵۸ سز مشارکت کامل داشت، او در تبریز را، سکنجه وزندان کلیمه انقلابیون و کمونیستها در دوران محسب وزیر سر. مسؤلیت مستقیم دارد.

همکاران بازرگان در دولت موقت، با عناصر مزدور امیرا لیسیم آمریکا بودند، ما ننده قره سی که در کودتای ۲۸ مرداد برای برگرداندن شاه خاثن به قدرت، شرکت داشت، او سسند فریب سده، فرا ما سیون و از نزدیکان شاه خاثن، اردلان، مولوی و نزه که هر سه اکنون در خارج از کموریا بختیار خاثن همکاری میکنند و با لیبزهای خاثنی بودند که به همکاری و همراهی امیرا لیسیم آمریکا میبردند، ما ستم مدنی جلاد خلق عرب، حمران جلاد، خلقی کرد، سردی و قطب راده خاثن و منساجی و امیرا نظام حاسوس. سها میکه بوده ها به مردورانی حون امیرا سظام، سز دی و سوا سمان اعراض میگردند با رگان بدفاع آرا آنها برخاسته، میگوید: "نمی سوا سیم با ک ترا سز دی، امیرا سظام و سوا سمان سدا کسم."

وقتی حاسوسی امیرا سظام و منساجی در اسناد

بایگ‌های نظامی و مستشاران امپریالیسم آمریکا در منطقه

هما نظیر که میدا سم منطقه حلب فارس و
اصاوس هندیکی امراکر رفامهای امربالستی
است. اهمیت استرا سربیک منطقه، سربهای
نهمه در آن وشدید روز افزون منارزات ملی و
طبقا شی در آن نقطه ارجهان، قدرهای امر -
بالستی را بر آن داشته‌ها هرچه وسع سردرجهت
تحکیم موقعیت خود بکوشند. در آن ارساط ،
امیریا لیسما آمریکا از درسا زدراسی جهسم
کوشده و بیمنابا به یکی از دو قدرت تحا وزکا راصلی
در منطقه عمل سوده است. پس از تکس مفتحصانه
امریکا درویتنام، امیریا لیستهای سایی در
پی آن سرآمدندا از طریق تقویت رژیمهای
ایسته منطقه ای موقعیت و منافع خود را حفظ
کرده آنرا تحکیم بخشندا ما رشد منارزات حلق-
های منطقه سقوط رژیم فاشیستی ساه، تندسند
رقابت و فعالیت سوسال امیریا لیسما در منطقه
امریکا را بر آن داشت تا علاوه بر تقویت سی
سابقه رژیمهای وابسته منطقه، خود را ساه ایجاد
بایگ‌های نظامی بیشتر و تقویت حضور مستقیم
خود بیا فزاید. اگر رژیم‌های ما سندا تنالگران
اسرائیلی، عربستان، ترکیه، پاکستان، مصره
اردن و... به لحاظ وابستگی انسان ساه امریکا
همچون چماق سرکوب خلقهای منطقه و با سدار
منافع جهانخواران امریکائی عمل میکنند و
ارتش و سابر قوای سرکوب این کشورها در حقیقت
بعنا به ا بزاری دردست امریکا بوده و آنها تحت
نظر مستشاران یانکی تربیت شده و به انواع و
انقسام سلاحها و مهمات جنگی امریکائی مجهز
میبا ند، امریکا خود نیز بطور مستم مستقیما
به ایجاد بایگ‌های نظامی و ارسال ناوگانهای
جنگی اقدام س کرده است. در زیر به نمونه‌های
از بایگ‌های تجا وزی امریکا در منطقه اشار ه
می نما شیم:

ترکیه به لحاظ موقعیت مهم خود در منطقه
و بخصوص همجاری آن با بخش اروپائی شوروی
برای امریکا دارای اهمیت بسیاری میبا شد
به همین خاطر در حال حاضر امیریا لیسما امریکا
برای محاصره نمودن امیریا لیسما روس دارای
۸ پایگاه موشکی در خاک ترکیه میبا شد، ایسن
بایگ‌ها که با تجهیزات بسیار مدرن نظامی
و جا سوسی مجهز اند بخصوص در شرق و در کناره‌های
دریای سیاه استقرار یافته اند. علاوه بر آن
امریکا دارای سه پایگاه هوائی و سه پایگاه
دریائی در ترکیه میبا شد. رژیم صهیونیستی
اسرائیل اگرچه معنایه ژاندا ر م منطقه ای امریکا
عمل میکند، اما در عین حال امریکا خود نیز
دارای دو پایگاه دریائی و هوائی در این کشور
میبا شد. پس از سهم خوردن مناسبات مصر و شوروی



وا حراج ۱۷۰۰۰ مسار روسی در سال ۱۹۷۲، رژیم
سادات سرعت مصر را به پایگاه وزرا دخانه سزئی
برای امریکا تبدیل سوده، سحوی که در حال
حاضر هزاران مستشار امریکائی در مصر استقرار
سافته اند و امریکا در خاک مصر دارای یک پایگاه
موشکی، یک پایگاه هوائی و یک پایگاه دریائی
میبا شد. پس از اخراج روسها از سومالی، امریکا
در بندر "بربرا" یک پایگاه هوایی و دریایی
عظیم بدست آورد، این پایگاه در کناره ریا سگاه
هوائی و دریائی امریکا در کشور کنیا اجاز ه
میده تا امیریا لیسما امریکا از جا نب سرب ،



افیا نوس هند را زیر کنترل خود قرار دهد. در مورد
آنچه که به قسمت شمالی افیا نوس هند مربوط
میگردد بایگ گفت که امریکا دارای یک پایگاه
دریائی در بحرین و چند پایگاه هوائی و دریائی
در عمان و بخصوص در جزیره "مبیره" میبا شد. این
پایگاهها برخلیج فارس و تنگه هرمز دریای
عرب مسلط بوده و ناوهای شوروی را زیر نظر
دارند. به علاوه هما نظیر که گفتیم رژیم عربستان
نیز بیمنابا به چماق امریکا عمل کرده و اخیرا
عربستان با دریافت سلاحهای مدرن از امریکا
و اروپا و با مستقر نمودن چهار هواپیمای غول
پیگرا سوسی آواکس، خود را تقویت نموده است.
هماکنون حدود ۲۰ هزار مستشار امریکائی ۲۵۰۰
مستشار فرانسوی و انگلیسی در عربستان وجود
دارند که به کنترل ارتش ۷۰ هزار نفری ایسن
کشور و تجهیزات نظامی امریکائی مشغول میبا شد.

علاوه بر بایگ‌های فوق امریکا در جزیره
"دیگوگارسیا" در مرکز افیا نوس هند دارای یک
پایگاه عظیم موشکی، هوائی و دریائی میبا شد.

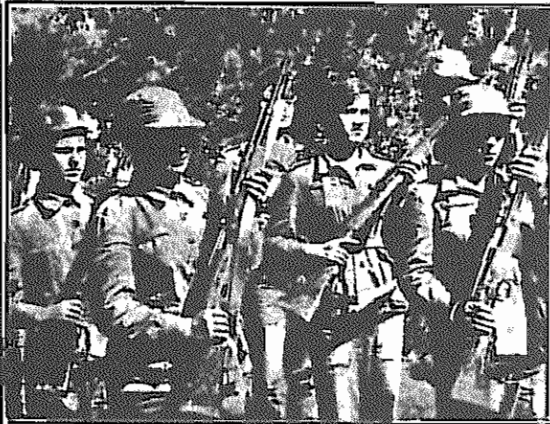
بایگ‌های نظامی و مستشاران سوسال امپریالیسم شوروی در منطقه

اجا دبایگ‌های نظامی و حاسوسی و ارسال
مستشاران نظامی و غیر نظامی از جمله اسرار
است که در خدمت نفوذ و سلطه امربا لیسنها برار
دارند. سوسال امیریا لیسما شوروی سزینا سه
ما هبا امربا لیستی و تحا وزگرا نه خود در اسن
رمنه سارفعال است. شوروی از سکو بجا طر
سرکوب جنسهای مردمی و انقلابی و حماست از
ارتجاع حاکم و از سوی دیگر با طر رقابت سنا
امیریا لیسما امریکا در نقاط مختلف جهان سه
اجا دبایگ‌ها و ارسال مستشار اقدام نموده است.
البت در ویز یونیسنها ی خا شن خرو سچقی جنین
تخلیغ میکنند که شوروی بخا طر گسترش انقلاب
وسوبالیسما "سه جنین اقدامانی دست میبزند،
اما ما میدا نیم که این فریبی بیسن نیست .
امیریا لیسما امریکا تحت بهانه "گسترش دمکراسی
و دفاع از آزادی" تجا وز میکند و سوسال امبر -
بالیسما تحت بهانه "گسترش سوسالیسما" تجا وز
میکند و نفوذ و سلطه امربا لیستی خود را توجیه
می نما سد. در اینجا نمونه‌های از بایگ‌های
تجا وزی و ارسال مستشاران روسی را ذکر
میکنیم: در اسیوی ۳ هزار نفر مستشار روسی،
۱۵ هزار سربا ز مستشار کوبا شی و ۲۰ هزار
مستشار آلمان شرقی وجود دارند. در ضمن
بعده در صفحه ۱۵

امریکا از طریق این پایگاه نظامی تمام آمد
ورفت‌ها در افیا نوس هند را کنترل کرده و در
رقابت با شوروی از ظرفیت وسیعی برخوردار
گشته است. امیریا لیسما امریکا علاوه بر بایگ‌ها
- های نظامی دارای نیروهای دریائی سی
گسترده ای در منطقه میبا شد، وجود نیروهای
تجا وزی ناوگان ششم در مدیترانه و قوای
ناوگان هفتم در افیا نوس هند به امریکا اجاز ه
میده تا با امیریا لیسما شوروی بر سر غارت و
تجا وز به رقابت گسترده ای دست بزند.
بدین ترتیب ما هده میکنیم که امیریا لیسما
جنا یکتا را امریکا چگونه بر منطقه جنگ انداخته
است تا با سرکوب خلقهای این نقطه از جهان
همچنان به استعمار چپا ول خود ادامه دهد.
امیریا لیسما امریکا و نمود میبا زد که برای
"حفظ صلح" و دفاع از "آزادی مردم" در مقابل
شوروی، در منطقه به ایجاد پایگاه پرداخته است،
حال آنکه بخواه واضح است جنا یکتا ران و اشنگکتن
برای غارت هر چه بیشتر با شوروی رقابت می -
نمایند. صلح واقعی در منطقه زمانی به چنگ
می آید که همه امیریا لیستها و همه رژیم‌های
مرتجع و مزدور منطقه نابود گردیده و خلقها با
کسب آزادی و استقلال سرنوشت خود را خود تعیین
نمایند.

انقلاب فلسطین در آستانه هفدهمین سال

با زدهمیدما میرا سرتا اول
زانویه ۱۹۸۱ء با فرارسدن اینرور
انقلاب خلق فلسطین ۱۶



سال ارمعرا سربا رزه و فیرمانی خودراست
- سرکدارده است، انقلاب مسلحانه - سوده ای
فلسطین بی از ریما نی بردرد، طولانی و خونین
در جنین روری متولد شد و سخی بود انقلابی به
شرایطی که سالیا ن دراز بر خلق فلسطین و منطقه
خا و رمیا نه سا به افکنده بود.

انقلاب مسلحانه توده ای خلق فلسطین یعنی
فرمیسیم بود، نفی تسلیم و انفعال بودنقی و ایستگی
و اتکاء به کشورهای غربی بود، با این انقلاب
بود که خلق فلسطین از زیر آوار شکستها، مصائب
هولناک و آوارگیها و سرگردانیها کامیاب گردیدیم سرخ
انقلاب رادرفضای منطقه با هزاران درآورد و در راه برافراشتن آن
از خون هزاران زن و مرد و کودک و جوان مدد گرفت.
بیسیج و ما زماندهی و مسلح کردن خلق فلسطین
فلسطین، شخصیت بخشیدن به خلقی که از سوی
دشمنان و هم از سوی باامطلاح دوستان برسمیت شناخته
نشده بود برداشتن گام نخستین از راه رزق و سنگ
از اولین دستاوردهای این انقلاب بود.

انقلاب فلسطین در مسیر مبارزه فدا میربا -
لیستی، ضد صهیونیستی و فدا رتجای خود با همه
فرا زونش و بیسیج و خجما ی آنها مصممانه راه
سپرده است، افت و خیزها و شکستها و پیروزیهای
برصلاطیت و افزوده و تجربه ای بسیار غنی در تاریخ
انقلابهای منطقه و بلکه جهان بمنصف ظهور رسانده است.
انقلاب خلق فلسطین با سلاحهای افراشته
انقلابیونش، مانعی جدی در راه پیشبرد اهداف
غارتگرانه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع
است، چوبی است لای چرخ توطئه های سازشکارانه
و نعطه اتکاء و آغوش بازی است برای جنبشهای
انقلابی دیگر خلقها، انقلاب فلسطین در یکسوی
اربعجیده ترین شرایط سیاسی حرکت میکند و هر
لحظه در معرض توطئه ها، کشنرها و محاصره ها است
انقلاب فلسطین را رژیمهای ارتجاعی همواره
با زیجه دست خود حواسته اند ولی غیر غمچسج و -
جمها و دشورا بها و سرکوبهای فراوان، انقلاب
که مسکی به توده های رحمتکس فلسطینی است راه
رایا منو با سنیز تمام در سرا بر توطئه گران داخلی
و خارجی خود ایستاده است، انقلابی که طی ۱۶
سال گذشته در معرض کسنا رها و توطئه های بی -
حساب نظیر سبنا سربا ه در آردن و ۶ سال جنگ
داخلی در لبنان و توطئه کمب دیوبد قرار گرفته و
در داخل سرزمینهای اشغالی در معرض انواع

فنا رها ارسوی فاششنهای اسرائیلی سوده ولی
همواره سرسخت سرسرا زورده و یکدم دست ارسوی
ما سهرند استه و ساسخ نزلات رهبری غمچسج
پرولتری خود را با شعار "بوره حتی المصیر" و
"البوره مستمره" داده است هرگز نخواهد مسرد،
انقلاب فلسطین غیر غمچسب است در دنیا ک و
اصنادن ها هرجان فامب سربا فرا زو بیسوی
محو "اسرائیل" ارتقعه جغرافیا ی منطقه، بسوی
فلسطین دموکراتیک به سس مبارد، راه آزادی
فلسطین بدون شک آزادی ساری از کشورهای
عربی منکدر و پیروزی خلق فلسطین بسوندی
نزدیک با پیروزی دیگر خلقهای منطقه دارد.

پیوندنا گسستن بیس توده های رحمتکس
و تهرمان ایران و فلسطین و روابط انقلابی
موجود بین انقلابیون فلسطینی و ایرانی ار
سالهای ساهفقا ن گذشته، نشانهای ارسر -
نونت مشترک خلقهای ایران و فلسطین است.

در اینجا با پیدا فافکنیم که ما خود را موظف
دانسته و میدانییم که سواستفاده رژیم صهیونی
اسلامی از آرمان فلسطین را که برای موجه جلوه
دادن خود و کسب حمایت توده های انجا میشود و
همچنین تلاتی رژیم برای تخریب در جنبش فلسطین
را افشا و محکوم کنیم، وفاداری ما به آرمان
فلسطین افشای دشمنان آنرا (که در لباس دوست
ظا هر شده و به خلق فلسطین از پشت خنجر میزنند)
ایجاب میکند، زحمتکسان فلسطین و انقلابیون
آن میداند که تنها این کارگران و زحمتکسان
ایران و نیروهای نماینده آنان هستند که تا سر
- حد پیروزی همیما ن تزلزل تا پذیر خلق
فلسطین باقی حواهدمانند نه نیروهای ما شند آن
- ها که قدرت سیاسی را در ایران غصب کرده اند

ما میلاد انقلاب فلسطین را بعنوان عید
فلسطین و عید خلقهای ستمدیده و سببا خاسته
ایران تلقی کرده با گرامید امید داشت خاطر آن روزبا
خلق قهرمان فلسطین برای ادامه راه تاپیروزی بیما ن
را نجدید میکنیم، برومض کمونیستی "حق خلق"
ها در تعیین سرنوشت خویش "و اینکه جنبشهای
آرا دبسج ملی جزئی از مبارزه جهانی پرولتاریا
است پای می فسریم و همیما ن استراتژییک
انقلاب و خلقی فلسطین باقی حوا هممانند

درود بر انقلاب فلسطین
تا بود با امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع

نصفه اول صفحه ۱۴ بایگهای ...

ناوکایهای سوسال امیربالسم در بنادر "آساب" و
"تا ساوا" در اسوسی ارحی نونف سرخورد امیبا شند، و
بعلاوه شوروی در آدس آسا دارای یک پایگاه
هوایی مساسد، در سن حوسی ۸ هزار مستشار روسی،
۱۸۵۵ مستشار کوبایی و ۳ هزار مستشار آلمان
سرمی وجود دارند، بعلاوه شوروی در عدن دارای
یک پایگاه نظامی مهم بوده و در مدخل خلیج عدن
در جزیره ای سنام "سخره" متعلق به یمن جنوبی
سزدارای پایگاه دریائی و هوائی مساسد، در
عراق سوسال امیربالسم دارای یک پایگاه در "ام -
العصر" واقع در سندر سمره میباشد و از انجا که شوروی
اصلی ترین تامین کننده اسلحه عراق میباشد، تعداد
رنادی از مستشاران روسی در این کشور وجود دارند.
در سوبیه شوروی دارای یک پایگاه در "لاذقه" میباشد.
کدسنا رموارد میون، ناوکا نهای نظامی شوروی
از حی سوقف در اطراف اقبانوس هندما سسند
"سمبئی"، "مدرس"، "کنشین" و "شکابانتا" در
هند، "سکر سوارر" در ماداگاسکار، "سببا در
"تا کالان"، "نئرا" و "ما پوتو" در مجمع الحزائر
"سبیل" و جزیره موریس، بر خوردار است.

السببا گفته نماند که شوروی در سوما لی
سبز ع هرا رمنشنا رنظامی و غیر نظامی و سبک
با بکا نظامی - جاسوسی در سندر سمره داشت
که پس ارتیره شدن مناسبات این دو کشور، مستشاران
روسی مجبوره ترک کشور شده و شوروی با بکا ه
خود را از دست داد، که بلافا صله امیربالسم
آمریکا جای او را اشغال نمود.

منطقه خلیج و اقیا نوس هندیکی از مناطقی
حساس جهان است که امپریالیسمها یخصوس
شوروی و آمریکا به رقابت شدیدی در آن دست
زده اند، تا سبسات نظامی، ناوکا نهای جنگی و
مستشاران نظامی و فنی در خدمت ساستهای
توسعه طلبانه امپریالیستها قرار دارند و آنچه
که امپریالیسم روس در این منطقه از جهان انجام
میدهد دقیقاً در خدمت اهداف تجا و زگرانسه و
امپریالیستی آن قرار دارد، این اهداف اکبر
روزی در اشغال نظامی افغانستان نظامی
در روز دیگر (در همدستی با رژیم ارتجاعی انویسی)
در سرکوب جنبش خلق ارتیره خود را نشان میدهد
آری شوروی همزه سکر امپریالیستها نه "ملح
و آزادی" و نه "انقلاب و سوسیالیسم" بلکه تحا وز

و سرکوب ما در میکند، تنها در سال گذشته سوسال
امپریالیسم شوروی مبلغ ۹ میلیار د دلار اسلحه
به کشورهای جهان مخصوص منطقه خا و رمیا نه
فروخته است، این امر نشان میدهد که شوروی
همیای دیگر امپریالیستها چگونه رژیمهای
ارتجاعی را علیه انقلاب و خلقها مسلح میکند.
آری همه این واقعبت ها بیبا نگران حقیقت
است که شوروی نه "دوست و شستیبان" خلقها،
بلکه یکی از دشمنان ستمگر طبعیه کارگر و خلقهای
جهان بشمار می آید.

"فدائیان اسلام" و غارت اموال جنگ‌زده

اگر ارتش ارتجاعی عراق جان و مال مردم زحمتکش مناطق جنگ‌زده را ارتجاعاً و خودمصلوبانه نداشت و بدنبال سحیرهرشهری خانه‌های مردم را جپاول کرده‌اند، شهرهای که شب‌روور برای "عدل اسلامی" حنجره‌باره می‌کنند سراسر اموال مردم می‌کنداروند و خود را رها کرده‌اند و راه شهرها گشته‌اند، نمی‌گذرند. "فدائیان اسلام" که از شهر ماه در هتل "کاروانسرای آبادان" مستقر بودند از این غارت‌هایی نصیب نشده‌اند. مسئول آنها "سید مجتبی‌هاشمی" تا حاشیکه معلوم نشده یک دستگاه تومبیل سولت "نوا" و یک عدد قالی بسیارگران (که گونا ۱۶۰ هزار تومان قیمت دارد) از خانه‌های مردم در دیده‌است، سایر افراد گروه وی نیز سابل زبانی ارحله موتور - سیکلت و... را از منازل مردم آواره دزدیده و بیدگران فروخته‌اند.

در حالیکه مردم مناطق جنگ‌زده خانه و زندگی خود را رها میکنند و سعی میکنند جان از مهلکه بیرون ببرند، "ارتش اسلام" برای آینده خود اموال مردم "سرمایه" آینده خود را تأمین میکنند زهی بشیرمی!

☆ ☆ ☆

اخبار جنگ

جان بیش از ۵۰ نفر "منقضی خدمت" یادگان سرپل ذهاب در خطر است

در نیمه دوم آذرماه، گردان "امیر" مستور در یادگان (سرپل ذهاب) بخاطر اعتراض به اعرام مجدد آنها ب"خط مقدم جبهه" اقدام به سخن میمانند روز ۲۲ آذرماه ۵۹ آخوندی بنام احمد مانان (نماینده آس‌الله خمینی) در یادگان آنها را شهید مکنند و میگوید "که اگر به حبه نروند سما را منکشم" و در نتیجه اعتراض افراد درگیری تبدیل لفظی پیش می‌آید، و میگوید "هرکس که ما بیل نیست در جنگ شرکت نماید بیایده سرون نایه سنا دیروم" بین ۵۰ - ۶۰ نفر از افراد منقضی خدمت از صف بیرون می‌آیند، همه آنها را دستگیر کرده و با تیراندازی هوایی و حمله به سینه افراد زینبوستن آنها بکدیگر خودداری مینمایند، دستگیرشدگان را با بسک تریلی اطرافه نقطه‌نا معلومی می‌برند، از سرنوشت این افراد کوچکترین اطلاعی در دست نیست و کوشش خانواده‌های آنها برای یافتن بجای نرسیده است

☆ ☆ ☆



جنگ و بیگانه‌داری کشته‌شود، برای کی، برای چی "جنگیسم برای شما که اینطور می‌زنید و ادبیتان میکنند؟" در درگیری که بین مردم و عمل رژیم ایجاد میشود یک نفر از زحمتکشان را دستگیر کرده بدرون اداره می‌برند، اما بلافاصله در مقابل خشم‌توده ها مجبور به آزادی او میشوند.

یکبار رنیز آوارگان اطراف آخوندی را که داشت از در دیگر اداره کار را خارج میشد گرفته و گفتند: "آهای ملا و ایسا ببینیم کجا دمیری" و آخوندی که از ترس دست و پا بپاش را کم کرده بود و آوارگردنتا برای آوردن کارت بدرون اداره برود، مسئولین اداره کار هم وقتی دیدند که آوارگان به مقام خود ادامه میدهند عقب نشسته و کارتها را آورده و ما بین آنها تقسیم میکنند، این پیروزی موقتی آوارگان بسرای آنها درس بزرگی بود، آنها دریا فتند که با مبارزه و مقاومت جمعی است که میتوانند خواسته‌های سرخشان را از کلبوی رژیم ضد خلقی بیرون بکشند

سرباز کشی بجای "مسافربری"

اهواز: رژیم جمهوری اسلامی با تهدید و نوقیف دفنرچه‌راندگی، راندگان اتوبوسهای مسافربری را مجبور میکند بجای انتقال مردم به نهرهای دیگر، سربازان و افراد نظامی را به آبادان نبرند، نا بحال "دفنرچه" های چندین راننده را بخاطر سربازی از "فرامین" مقامات رژیم گرفته‌اند، روز ۲۱ آذرماه درگارا زکیتی - نورد، مسافرن با اسرا زتنفرا را عمل رژیم که در مقابل خروج مردم از مناطق جنگ‌زده سنگ می‌انداختند، پس از آنها انتظار ریانشستن در اتوبوسها، مقامات رژیم را مجبور میکند که به اتوبوسها اجازه حرکت بدهند، بدین ترتیب رژیم بنا به ما هیئت نه تنها هیچ کمکی به انتقال مردم غیرنظامی از مناطق جنگ‌زده و از تیررس تا تک و توب نمیکنند، بلکه حتی مانع حرکتهای خود مردم در اسر زبینه میشود، برای رژیم بهتر است که مردم در مناطق جنگ‌زده کشته شوند جان مردم که برای رژیم ارزش ندارد.

سرنوشت پتوهای "سیل زدگان"؟

در یکی از حملات ارتش بعث عراق به فرودگاه آبادان، انبار فرودگاه آتش میگیرد، آتش نشانان پس از خاموشی حریق با تعداد زیادی پتوهای سوخته و نیم سوخته مواجه میشوند پس از پرس و جوی فراوان معلوم میشود که این پتوها کمک‌های "عربستان" و "پاکستان" به سیل زدگان خوزستان (اسفند ۵۸) بوده که بجای رسیدن بدست سیل زدگان زحمتکش برای مصارف دیگر (شاید برای فروش آنها پس از افتادن آنها از آسیا) در فرودگاه انبار کرده بودند بجای تعجبی نیست که امروز نیز کمک‌های مردم به آوارگان جنگ با بدست آنها نسیر سدویا آنها فروخته میشود، از چنین رژیمی جز این انتظار نیست!

دریافت اسلحه از انگستان

بر طبق خبر موق دولت انگلستان قبول کرده که لوازم بیدکی تا تک چیفتن را در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهد، امپریالیسم انگلیس همچنین قول داده که برای تحویل وسایل بیدکی هلیکوپتر و هواپیما نیز تلاش بکند. آیا رژیم جمهوری اسلامی میتواند بدون اتکاء به کمک‌های امپریالیستی این جنگ ارتجاعی و خانمان برانداز را ادامه دهد؟

بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

پیکار

نگاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

جنگ غمرا دلانه کنونی همچنان ادامه دارد و در ادامه خودفشار بر توده های رحمتکشی که هیچ نقی در این جنگ ندارد و آواره و بهره‌ها شده اند، دویبار برگزیده است. وضع غذایی و پوشاک و بهداشت، اسفناک است در تمام نقاط مسکونی، آوارگان از شیوع بیماریها: اسهال چشم درد، اورویون، زیکطرف و از طرف دیگر فقر و گرسنگی و بیکاری رنج میبرند و پاسخ رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به اعتراضات بر حق آنان سرکوب مبارزات و دستگیری عناصر آگاه و آواره - گان میباشند. زیر گوشه های دیگری از فلاکت و مبارزه جنگ زدگان آواره را می آوریم:

ماهشهر

در تاریخ ۹/۱۱، عده زیادی از آوارگان زحمتکش از کمپ "B" برای گرفتن "بخاری" در دفتر کمپ جمع میشوند چنانچه نگیری یکی از مسئولین کمپ ب مردم میگوید: "ما فقط به ۵ نفر که قبلا اسمی آنها را نوشته ایم بخاری میدهم" که این پاسخ وی با اعتراض آوارگان روبرو شده و میگویند باید همه ما بخاری بدهیم. آوارگان با مقاومت بالا و موفق میشوند که بخاری بگیرند اما به علت خراب بودن بخاریها در تاریخ ۹/۲۵ برای پس دادن آنها به رژیم جلوی دفتر کمپ صف می کشند. رژیم ضد خلقی اگر هم بخواهد شرفش را رتوده های آواره مکانی در اختیار آنان قرار دهد، بدترین، خراب ترین و اسل و فاسدترین غذاها را بین آنان توزیع میکند ولی آوارگان ستم دیده از مبارزات برحقشان دست خواهند برداشت؟

از نجایی که آوارگان زحمتکش منبع در - آمد خود را از دست داده اند رژیم ضد خلقی هم از نظر مالی، پوشاک و وسایل گرم کننده و... کمکی به آنها و خانواده شان نمیکند، عده ای از آنان با درآمدی که از راه فروش سیگار، تخم مرغ، شلغم و... پیدا می کنند نیازهای حداقل خانواده شان را بر طرف میسازند، اما رژیم اینجا هم ما هیست خود را به نمایش گذاشته و به بیانه "مبارزه با گرانفروشی" ما مورین خود را بسراغ آنان میفرستد. در تاریخ ۹/۱۷ دوما مور که کارت کمیته گرانفروشی "را با خود داشتند بسراغ زحمتکشی که تخم مرغ می فروخت آمده و از او میخواهند که بساطش را جمع نماید و چون با مقاومت وی روبرو میشوند با نسبت دادن کلماتی چون "ستون پنجم" و "آدم مغرب" و با کشیدن کلت و تهدید وی، زحمتکش آواره را بزور به کمیته میبرند. و این در حالیست که تاجربا زار و سرما یه داران عمده فروش با پشتوانه همین "کمیته مبارزه با گرانفروشی" به غارت و چپاول مردم مشغولند.

مبارزه و مقاومت آوارگان شهرهای مختلف در مقابل سیاست رژیم که میخواهد آنان را با فرستادن به شهرهای گیرفت و بمب... پراکنده سازد، رژیم را وادار به عقب نشینی نموده است.

خواروبار بین آوارگان اسکان داده شده در این مدرسه تقسیم میشود. این مقدار عبارت بود از ۳ کیلو برنج بهره خا نوار، مقدار کمی سیب زمینی و پیاز، لوبیا (برای هر نفر ۱۰۰ گرم) و مقداری بود درختشویی و کمی مربا، کمپونا مرغوب و گندیده بودن مواد با لاموجی از اعتراض و خشم بین آوارگان بوجود آورد. آنها از میان خود ۱۵ نفر را به نمایندگی انتخاب کرده و نمایندگان برای آوردن فرماتدا ربه مدرسه به فرمانداری میروند. اما فرماندار در بین آنها حاضر نشده و پینا میفرستد که "همین است و ما بیشتر از این ندریم و هر کس ناراضی است برو". با این پینا فرما ندرم زور خشم نمایندگان آوارگان با زهم لا میگردد پس از چندین ساعت تحصن در فرما ندراری با لاف فرما ندرار بین آنها آمده ولی جواب مشخصی به آوارگان نمیدهد. آوارگان زحمتکش اینجا هم به پوچ و تو خالی بودن حرفهای مسئولین رژیم پی بردند و دریا فتند که تنها شرط تحقق خواسته های برحقشان اتحاد و شکل است

مشهد

در حدود ۱۵۰۰ تن از آوارگان جنگ در خوابگاه ها نشکاه مشهدا اسکان داده شده اند. آوارگان با دید قبلا به دفتر مسئول اسکان در راه - آهن مراجعه کنند که او هم به جوانهای آواره هدا ر میدهد که کمیته ای برای تحقیق تشکیل شده که جوانهای آواره را با "زور" به جبهه جنگ با زخوا هندگردانید.

مسئولین رژیم بین آوارگان تبعیض قائل شده و به آنها شی که در "کمیته نظارت" هستند کفش و لباس نومی دهند. در تاریخ ۹/۱۴ وقتی آوارگان بعد از یک هفته وعده و وعید برای گرفتن کفش مراجعه میکنند مسئولین با تحقیر با آنان روبرو شده و یکی از آنان میگوید: "ما باید در جبهه می مانیدید براننان آنجا کشته می شوزند و شما اینجا از کفش و لباس صحبت میکنید؟"

رژیم های ارتجاعی ایران و عراق بخاطر منافع سرمایه داران آتش جنگ را برافروخته اند که جز کشتار، فلاکت، بی خانمانی و در بدری نصیب دیگری برای زحمتکشان مانداشته است. بنا بر این زحمتکشان این جنگ را از خود دانسته و از آن بیزارند.

کرج

عده ای از آوارگان جنگ زده در خوابگاه دانشجویان دانشکده کشاورزی کرج، اسکان داده شده اند. سداران ارتجاع خوابگاه را تحت کنترل داشته و زور وادرا دغیر آواره جلوگیری میکنند آنان از آگاهی آوارگان وحشت دارند و آوارگان زحمتکش در اینجا هم مانند سایر نقاط با کمبود مواد خوراکی و پوشاک و وسایل گرم کننده روبرو هستند، و مسئولین رژیم ارتجاعی از دادن کمکهای مردم به آوارگان خودداری میکنند.

بقیه در صفحه ۱۶

رژیم در کمپ بعد از مدتها قطع جیره غذایی آوارگان مبادرت به دادن کارت خواروباسار مینما یید که آنرا به بیانه های مختلف از جمله اعتراض آوارگان به بید بودن غذاها و... توقیف میکند، این حرکت مسئولین رژیم اعتراض و مبارزه آوارگان را در پی دارد.

در تاریخ ۹/۱۷ عده ای از زنان زحمتکش آواره برای پس گرفتن کارت های توقیف شده به مسجد میروند، اما منظوری نماینده ما مباحث گفتن جواب "نه" به بیانه "نما خواندن" از میان آنان میروند. یکی از زنان زحمتکش در مقابل حرکت وی میگوید "الان وقت سیر کردن شکم مردم و وقت عمل است نه نماز" و با دیگران قسرا ر میگذارد که برای گرفتن کارت ها روز بعد هم به آنجا بیایند.

در تاریخ ۹/۱۴ یک ماشین با یک پاسدار مسلح از طرف دولت برای خالی کردن انباری که از وسایلی چون پتو، بخاری، یخچال، ماشین لباسشویی، بودر لباس، شلوار، پیراهن و... پر بود به کمپ میاید. زحمتکشان آواره که از یک طرف تیا ز خود به این وسایل را میدیدند و از طرف دیگر شاخه های نمودن آنها بودند جلوی ماشین را گرفته و مانع خروج آن گشته و چند تن از وسایل را نیز مصادره میکنند. پاسدار مزبور به همراه چند نفر دیگر که به کمپ آمده بودند شروع به تیر اندازی هوایی کرده و آوارگان را متفرق می سازند. آری مانند همیشه سرکوب تنها منطبق ارتجاعی رژیم، در مقابل خواسته های برحق آوارگان است.

سربندر (ماهشهر) روز جمعه دم آذر ماه جمعیت زیادی برای گرفتن کوبین قند و شکر در مقابل بانک مادت صفت بسته بودند. ولی پس از مدتی بانک اعلام میکند که کوبین تمام شده این امر با اعتراض نزدیک به ۵۰ نفری که ساعتها انتظار کشیده بودند مواجه میشود. مردم عصبانی میگویند که ما آنقدر می ایستیم که شما کوبین بیا ورید. در همین حین از پنجره بانک می بینند که پاسداربانک در حال گرفتن کوبین است. مشاهدا این وضع خشم مردم را بیشتر میکند و با آمدن عده ای پاسدار برای متفرق کردن مردم، اعتراض مردم به درگیری منجر میشود. در این درگیری پاسداران به دستگیری یک نفر از معترضین مبادرت میکنند، که با مقاومت مردم مجبور به زانگرددن وی میشوند.

پروچرد

مدرسه شریعتی - روز شنبه ۹/۱۵ بعد از دو هفته بی آذوقگی، از طرف فرمانداری مقداری

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

به افشای پیگیرانه لیبرالها برخیزیم!

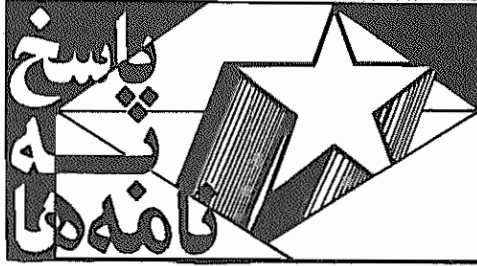
انتقاداتی از جانب تعدادی از رفقا به دستمان رسیده است که از کم کاری "پیکار" در افشای لیبرالها انتقاد شده است! ما ضمن وارد دانستن این انتقادات، ذکر توضیحاتی را در این باره لازم میدانیم.

رفقا! هر روز که میگذرد مبارزه توده‌ها ایماجدیدتری میگیرد، توهمات آنها نسبت به رژیم هرچه بیشتر فرو میریزد و نارضایتی و اعتراض اوج میگیرد، در همین حال بحوارات او جگسری می‌رزات توده‌ها، جنگ قدرت در بالا نیز شدید - ترمیگردد، حزب جمهوری اسلامی مرتباً در صدد است که یک بیک موضع باقیمانده لیبرالها را از دستشان خارج سازد و خودیکه تا زمیضان قدرت شود، در چنین شرایطی از طرفی مردم بدنبال آیت‌ترنا تپوی درجا معه میگردند تا بدور آن گردد آمده و مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی (و در درجه اول حزب جمهوری اسلامی) را گسترده‌تر نماید. از طرف دیگر لیبرالها، خود را بسبب موضع اپوزیسیون (مخالفت) در آورده و مزورانه میگویند بر جنبش توده‌ها سوار شده و بر آن مهار بزنند، گسترش پایگاه لیبرالها در میان توده‌ها را حتی در قم و امفهان که پایگاه عمده حزب جمهوری اسلامی است (گواهی بر این نظر است.

از اینرو در چنین شرایطی که بار دیگر نیروی که لیبرالها بر جنبش سوار شده و آنرا تحت تابعیت منافع ضد انقلابی خود در آورند، وظیفه ما کمونیستها بسیار حساس و تعیین کننده تر میگردد. بیاد آوریم در دوران قبل از قیام که چگونه مبارزات قهرمانان ما به خلقهای ستم دیده میهنمان تحریفی نیز واهی سازشکار قرار گرفت و سرانجام عقیم ماند. امروز بار دیگر به شکلی جدید و با ترکیبی متنوع ترمی - رود که حادثه تکرار شود!

رفقا! اگر نگوئیم که لیبرالهای ضد انقلابی، این محتمل ترین آلت‌ترنا تیور رهبری توده‌ها را با تمام قدرت افشا کنیم، بی شک با زهم نخواهیم توانست مهر طبقه کارگر را بر جنبش دموکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای میهنمان بکوبیم شرایط بسیار حساسی است، هر نوع انفعال و کم کاری در افشای لیبرالها عواقب وخیمی را بهمراه خواهد داشت.

ما ضمن انتقاد به کم کاری و عدم حساسیت لازم خود در مقابل لیبرالها، به افشای فعالانه و پیگیرانه این ضد انقلابیون، خواهیم پرداخت در اینباره کلیه رفقا با ارسال مدارک و اسناد افشاکری به "پیکار" و افشای مستقل سوابق و سیاستهای لیبرالها در مناطق خود با بدنه مسامکک شما بند، دست بکار شویم. رفقا، لحظه‌ای درنگ، خطا نخواهد بود، آینه دشوار ولی درخشان است، بگوئیم با افشای پیگیرانه لیبرالها (در کنار افشای حزب جمهوری اسلامی)، برنامسه و



مواضع کمونیستی را هر چه وسیعتر در میان توده‌ها تبلیغ کنیم.

رفیق هاشم

این رفیق انتقاد کرده است که ما در سرفاله ۸۳ بنادرست بر قوت گرفتن احتمال سازش رژیمهای ایران و عراق در اثر رشد جنبش توده‌ها، سخن گفته ایم، رفیق معتقد است که جنگ نه تنها باعث تضعیف پایه‌های حکومت نخواهد شد بلکه تنها راهی است که باعث میگردد حکومت بشواند توده‌ها را فریفته بر عمر حکومت خویش بیفزاید و از اینرو رفیق جنگ را طولانی ارزیابی میکند. رفیق، بنظر ما آنچه تو گفته‌ای درست نیست اولاً رشد جنبش توده‌ها، حتماً رژیم را وادار به سازش با عراق خواهد نمود، چه رژیم برای سرکوب انقلاب باید قوای خود را متمرکز کند و این ممکن نیست مگر آنکه از جنگ در چندجبهه برخوردار باشد، و از آنجا که برای رژیم جنگ با توده‌ها بمراتب با اهمیت تر از جنگ با عراق است، بیاد برای این برای تشدید جنگ با توده‌ها ممکن است به سازش با عراق دست بزنند، در حالی که هرگز حاضر نیست برای جنگ با بورژوازی عراق دست از جنگ با توده‌ها بردارد! نا شیا درست است که جنگ در کوتاه مدت باعث تقویت ارتش، گسترش توهم توده‌ها و انحراف ذهن توده‌ها از مبارزه طبقاتی میگردد، اما این مسئله در گسترش جنگ به ضد خود تبدیل خواهد شد و امروز ما اهداف این امر را بروشنی میبینیم.

چه در اثر گسترش طولانی شدن جنگ، سربازان ارتشی، توده‌های زحمتکش و ۱۰۰۰۰ جنگ بیزار شده و خواهان ادامه یافتن جنگ نخواهند شد. طولانی شدن جنگ نه تنها قدرت نظامی رژیم را تحلیل میبرد، بلکه با خسارتهای فراوان مالی که بسیار می‌آورد، دورنمای فلاکت را به ارمغان خواهد آورد، گرانای، قحطی، کمبود کالاهای خفقا و... در دنیا له خود اعترافات مردم را به دنبال خواهد داشت و این همه باعث فروریختن با زهم بیشتر توهم توده‌ها و منزلزل شدن پایه‌های حکومت خواهد شد، و افست روندا و معاد در جامعه ما به روشنی صحت این نظرات را نشان میدهد. دیگر از شوینس روزهای اول جنگ خبری نیست. توده‌های وسیعی از مردم خواهان شرکت در این جنگ نیستند و تدریجاً از آن سزار کسه - اند، فلاکت‌های سیاسی از این جنگ، آوارگان گرانای، تشدید خفقا، کمبود کالا و... بارسانی - ها را تشدید کرده است و مساره غلنه حکومت

در نزد توده‌ها عمده گشته است و بموارات آن جنگ بعنوان مسئله اصلی آزادگان توده‌ها خارج شده و بیک مسئله فرعی بدل گردیده است. مطمئناً توهم توده‌ها با زهم بیشتر فروریخته و جنبش توده‌ها اوج بیشتری میگیرد. بورژوازی نیز این واقعیت‌ها را میبیند و بدلیل وحشت از آن و تلاش برای سرکوب جنبش توده‌ها است که خواهان طولانی کردن جنگ نبوده و تمایل به قطع جنگ (البته بدون زیان اساسی) دارد.

الف - پ ۱۲

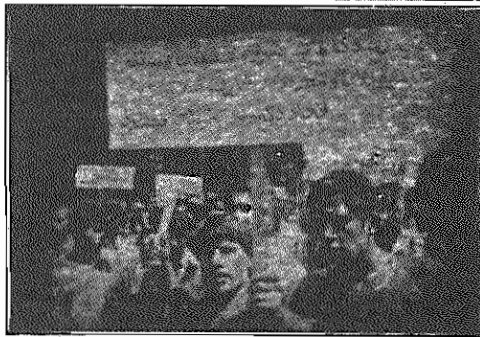
این رفیق در رابطه با مسئله "تخصی" و "مکتب" و برخورد کمونیستها نسبت بدان که در یادداشت‌های سیاسی پیکار ۸۳ نوشته شده بود انتقاد کرده و تکیه میکند که کمونیستها "تخصی" سرچنگ نداشتند و آنرا از "مکتب" جدا نمی‌دانند. و بنا بر این آنچه در این مقاله از اولویت داشتن "مکتب" نسبت به "تخصی" سخن گفته شده، بنا درست است.

رفیق! ضمن آنکه تکیه تو بر این امر که کمونیستها با "تخصی" سرچنگ ندارند و بالعکس از علم و تخصص برای پیشرفت بشریت (البته در سوسیالیسم) استفاده خواهند کرد، مورد تأیید ما است. اما در مورد مقدم دانستن تخصص یا آیدئولوژی؟ تو تو مقدم بخشیدن به آیدئولوژی را بنا درست دانستی که بنظر ما این نظرات صحیح است. در توضیح باید بگوئیم دو نظراتی در رابطه با مسئله آیدئولوژی و علم و تخصص و به عبارت جامع‌تر نیروهای مولده وجود دارد.

اولین انحراف آن است که به مقام نیرو - های تولیدی، علم و تخصص بهای زیادی داده شود، بی آنکه به آیدئولوژی و روابط تولیدی حاکم بر جامعه توجه شود. انحراف دوم نیسز آن است که صرفاً تکیه یکجانبه‌ای بر آیدئولوژی شود و به نقش رشد نیروهای تولیدی، صنعت، علم و تخصص... بهائی داده نشود.

از نظر ما رشد نیروهای تولیدی، علم و تخصص و غیره به خودی خود گرهی از مشکلات زحمتکشان نمی‌گشاید. چرا که اگر این رشد تکنیک و تخصص در چهارچوب روابط سرمایه‌داری باشد، تنها در خدمت پرکردن جیب سرمایه‌داران قرار دارد. فی‌المثل جامعه‌ای مانند آمریکا اگرچه از تکنیک و تخصص پیشرفته‌ای برخوردار است، اما این تکنیک و "تعمد" تنها به درد سرمایه‌داران آمریکا می‌خورد و تنها فقر و فلاکت زحمتکشان آنجا را بیشتر میکند. از اینروست که بنظر ما نوع روابط تولیدی و آیدئولوژی و طبقه حاکم است که مستوا نندش ندهنده مترقی با ضد انقلابی بودن آن رژیم باشد. بدین ترتیب تنها جامعه سوسیالیستی است که فاقد روابط استثمارگرانه بوده و جامعه‌ای منگی برحاکمیت طبقه کارگر و آیدئولوژی انقلابی است. در همین حال ما کمونیستها خواهان جامعه‌ای عقب مانده نیستیم

مقاومت دهکده داران علیه رژیم ادامه دارد



هفته گذشته شهردار تهران در اطلاعیه‌ای به دست فروشان و دهکده داران اخطار کرد که باید در عرض ۴۸ ساعت بساط خود را جمع آوری کنند. زیرا در غیر این صورت شهرداری تهران بساط و ظروف فانونی خود عمل خواهد کرد. اولین اخطار رسیده و مسلماً آخرین نیز نخواهد بود. پس از قیام عده زیادی از جوانان زحمتکش که بدلائل مختلف از کار خود بیگانه شده بودند و با از قبیل نیز (درمان رژیم مزدوری پهلوی) هج - کاه دارای شغل ثابتی نبودند، به این کار روی آوردند. ما در این راه دهکده داران همواره با مشکلات زیادی روبرو بودند. رژیم جمهوری اسلامی که هرگز نتوانست پاسخ مناسبی به مسئله بیکاری بدهد، از این کار نیز مناعت میکرد. چنانکه به دعوت مختلف دستفروشان را تهدید کرده و حتی چندین بار نیز به بساط آنها حمله کرده و با کمال بیرحمی دستمالها را پاره کرده و به دربی حمل مشقت های فراوان بدست آورده - اند. بنا بر این خودشان را نیز زخمی کرده - آخرین نمونه اعمال وحشیانه رژیم در قبال دهکده داران، حمله به تظاهرات بحق آنها در مقابل شهرداری او اواخر تابستان بود که منجر به کشته شدن دو نفر و زخمی شدن عده دیگری گردید. این قبیل اقدامات وحشیانه رژیم برآستی که هر کسی را به یاد اقدامات مشابهی که در رژیم مزدور شاه نسبت به زحمتکشان صورت میگرفت می اندازد. ما از این رژیم جز این هم انتظار نداریم. ما خوب میدانیم که رژیم در مقابل پسر کردن جیب سرمایه داران تعهد دارد. آقای شهردار میگوید: "با توجه به مسئولیتی که شهرداری تهران در اجرای قانون حفظ مصالح عمومی مردم دارد، به اینگونه افراد اخطار میشود، ظرف مدت ۴۸ ساعت هرگونه دهکده و... را شخصا جمع آوری کنند در غیر این صورت شهرداری تهران به وظایف خود عمل خواهد کرد." (تا کیذ - ها از ماست) آقای شهردار حفظ مصالح عمومی کدام مردم؟! مرکز زحمتکشانی که از روی نا - چاری تمام مصائب این قبیل کارها را به جان میخرند و در چله زمستان ساعتها در خیابانهای ایستاد تا بلکه لقمه ناننی برای سفره خود خوانده شان تهیه کنند، چه مردم نیستند؟ آبیایی خائسان شدن اینها یعنی حفظ مصالح آنها؟ نه ما به خوبی میدانیم آن مردمی که شما از آن حرف میزنید همان صاحبان فروشگاههای بزرگ و لوکس همان تجار بازرگانان سرمایه داران می - باشند. شما دقیقاً از مصالح آنها صحبت میکنید و مصالح آنها ایجاب میکند که بساط دهکده داران بهم بریزد، زیرا در غیر این صورت ممکن است به

کسب و کار آنها لطمه بخورد. شما با رها در اجرای اقدامات وحشیانه و سرکوبگرانه خود مسئله ربهانی شهر را سها نه کرده اید، در حالیکه این حرفهای شما دیگر کوچکترین رنگ و بویی نزد زحمتکشان ندارد. امروز چه فریبکاری را نه رژیم برای بسیاری از نژادهای نمایان شده است، وقتی آقای شهردار میگوید "ما به وظایف فانونی خود عمل خواهیم کرد" برای ما روشن است این وظایف فانونی کدام است؟ زیرا ایشان قبلاً بارها و بارها به این "وظایف فانونی" عمل کرده اند. وظایف فانونی شما چیزی نیست جز حفظ منافع سرمایه داران، تجار بازاری و بهر شکل ممکنه. وظایف فانونی شما یعنی سرکوب و وحشیانه دهکده داران زحمتکش، یعنی همان وظایفی که او اواخر تابستان جلوشهرداری به آن عمل کردید و... امروز با توجه به اینکه هیچ تغییری در جهت بهبود وضعیت این زحمتکشانی بوجود نیامده است و تازه به مدد جنگ وضع زندگی آنها خرابتر از گذشته شده است به همین جهت

خواست اصلی آنان که همانا ایجاد کار است همچنان به قوت خویش باقی است. جواب دهکده داران در مقابل نهادهای سهررداری همچنان این حرف خواهد بود: نا ایجاد کار همچنان دهکده - ها و بساط خود را حفظ خواهد کرد و در مقابل حملات وحشیانه سرمایه داران به همچنان به مقاومت خود ادامه خواهد داد. اما آنچه ضروری است که دهکده داران و دست فروشان به آن عمل کنند:

- ۱- تشکیل خود را در سازمان دهند و در آنجا - هایی که اتحادیه ندارند، میادرت به ایجاد اتحادیه کرده و نمایندگان مبارزی از بین خود برای رسیدگی به مسائل مربوط به خود انتخاب کنند
 - ۲- اقدامات و تصمیمات خود را در نقاط مختلف شهرها هنگ کرده و یکپارچگی بین خود را تقویت نمایند.
 - ۳- وضعیت زندگی و کار خود (و اینگونه - چارند تا ایجاد کار به این کار ادامه دهند) را برای مردم در گذرگاهها توضیح داده و به هیئت سرکوب - کرانه رژیم و رفتار ما موران او علیه این افسراد زحمتکش را افشا کنند و از این طریق حمایت توده ای را جلب نمایند.
 - ۴- شعارها و خواسته های خود را از هر طریق که میتواند (علامیه - شعار نویسی و...) بین مردم تبلیغ کنند که دهکده داران و دست فروشان تنها با حفظ اتحاد و تشکل خود میتواند در مقابل هر نوع تهدید و حتی اقدامات وحشیانه رژیم حاکم مقاومت کنند.
- آری کار برای دهکده داران حق مسلم است و بر واضح است که دهکده داران به حقوق خود دست نخواهند یافت مگر با مبارزه ای قاطع علیه ارتجاع حاکم.

پاسخ ...

ما به رشد تکنیک، صنعت و... نیز اهمیت بسیار زیادی میدهم و آنرا عاملی در جهت ایجاد رفاه برای کارگران و زحمتکشان (البته در یک رژیم انقلابی) میدانیم. اگر چه ما هم به رشد تکنیک و صنعت و تخصص و... و همه ما به هیئت روابط حاکم بر جامعه، طبقه حاکم و ایدئولوژی آنها بهیچ وجه اهمیت اما این امر به آن معنی نیست که به هر دو عامل بیک اندازه اهمیت میدهم. خیر! اینطور نیست ما ضمن اهمیت دادن به تکنیک و... نقش مقدم روابط تولیدی حاکم بر آنها، طبقه حاکم و ایدئولوژی را فراموش نمی کنیم. هرگاه به نقش ایدئولوژی انقلابی و روابط تولیدی حاکم بر رشد نیروهای تولیدی کم بیاوریم، دچار انحراف شده و بجای آنکه رشد نیروهای تولیدی را برای تحکیم مناسبات انقلابی در جامعه بخواهیم، از رشد نیروهای مولده برای رشد نیروهای مولده حمایت کرده ایم! این

شعاری است که بورژوازی سرمیدهد و تکیه بسیار بر پوش های ظاهری فریب "تبدن" و "تکنیک" و... بر ما هیئت روابط است. شما رکارانه و ارتجاعی، سرمایه داری پرده افکنده و تمدن بورژوازی را رفاه برای توده ها جا بزنند.

سایر نامه های رسیده

- رفقا ه - رحیم از تبریز - ح از مصلحه نازی آباد - آواره جنگی از آبادان - امیر دانش آموز پنجم دبستان - سهیلا و مادرش زهراب - ن از کرکج - ح - ر، س از شیراز - کامران - ت - غ از خوزستان - م، ن از کرمانشاه - H، D - بدالله - ع از تبریز - ن، تبریز - ج از تبریز - ف از تبریز - س، د، آ، - م، ر، ج - ز، ز - امیر - هسته محلی V - ۲۴ و ۴ - اصغر از محلات جنوب غرب تهران - ح، س از همدان - ع - ر، س - دانش آموز اول نظری.

جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم

گزارشی از اوضاع سیاسی عراق (۳)

ترجمه قسمتهای قبلی این مقاله
را که در سال ۱۹۷۷ بوسیله حزب کمونیست
عراق (رهبری مرکزی) منتشر شده در شماره
پیش خواندید، استگ ادا مه آن:

جناحهای طبقه حاکمه

در بین عوامل داخلی که با عوامل خارجی
پیوند خورده و شرایط دوران جدید را ایجاد
کرده اند، می توانیم زدرگیری بین جناحهای
حاکمنا مبریم، این درگیری درونی بعثت قلب
- بندی جناحهای اساسی رژیم که بطور کلی از
دو جناح بوروکرات و جناح انگلی تشکیل شده،
هم اکنون مشکل بسیار حادتری را بوجود آورده
است، اگر روشن کردن ماهیت هرکدام از جناحهای
رژیم دشوار میباید شد علت این است که هر دو این
جناحها به دستگا دولتی متکی هستند، بدین -
معنی که هر دو جناح هم بوروکرات هستند، هم
انگلی، اما آنچه که این دوران را از هم تفکیک میکند
این است که اولی مستقیماً در دستگا دولتی
حزب بعثت و ارگانهای سرکوب همزبونی دارد، در
حالیکه دومی از طریق قرارداد های خدمات
عمومی (شهرسازی و...) و فساد، در دولت، بسوز
خود را اعمال مینماید.

با پیدای آورش که هر دو جناح از طریق پیوند
- های سیاسی، قبیلهای و خانوادگی با یکدیگر
در ارتباط هستند (۱)، اما حادتر شدن نماذ منافع
آنها، الزاماً طبق بندی سیاسی را بهمراه می -
آورد.

رقابت بین دستگا های قدرت فاشستی
حاکم، امری تازه نیست، اما رشد سریع و مهم
بورژوازی انگلی مرکب از احسان شرکتیهای
ساختمانی دولتی و خصوصی، ملاکین بزرگ و
نمایندگان شرکتیهای خارجی، عناصر فاشدوختی
از افسران ارشد ارتش (باز منتهی به در خدمت)
و... موقعیت جدیدی را برای رژیم فراهم آورده
است. شروتهای بیکرانی در دست این قشر
احتمالی متمرکز شده، شروتهائی که از طریق

(۱) - باید از نسبت فامیلی بین البکر
(رئیس جمهور) و ماموشی مدام البکرینی یاد
کرد، وزیر دفاع سرعموی آندو، برادرزن مدام
و داماد البکر است، علاوه بر آن در "سورای فریان
- دهی انقلاب" (که قدرت حاکمه را سازماندهی
میکند) ۸ نفر از ۲۲ نفر، عضوهای فسله و همان
دهی هستند که البکر، وسزغ بشرشان اهل دهی
درست کیلومتری ده البکر میباشند.

فارت و استثمای خلق عراق بوسیله سازدولتی
و خدمتهای آن به منافع خارجیها دست آمده
است، منافع این فشار منافع فشردیگر (مرکب
از بوروکراتهای دولتی و حزب بعث، مسئولین
دستگاههای سرکوبگرو رسوه خوارها که با تمام حیات
اقتصادی کشور بدست آنهاست) منما بزا است.
قشراخیر، مدام حسین را علیرغم جاه طلبی های
او برای رهبری تمام جناحهای حزب پذیرفته
است.

بعدها زنا بودی جنبش مسلحانه گرداها، افسران
ارتش خواستار نقض مهمتری در دستگا دولتی
شدند. مبنای استدلال آنها شبه پیروزی ای بود
که در کردستان بدست آورده بودند. در عین حال،
آنها حزب بعثت را مسئول ناسامانیست
انتقاد و نکست برنا مه های اقتصاد و کسر
بودجه بسیار مهم و ا خراسال ۱۹۷۵ میدانستند
با بیان این دوران راهمه، میداند: طلا اجزای
از وزارت برسامه ریزی برگنا رشد و عزت مطلق
(که یکی از مسوولان و نمایندگان بسیار بارز
بورژوازی انگلی که سک خا شوا ده ما حیا کارخانه
- های مواد ساختمانی وابسته است و عاملاً
سرکنتیهای خارجی بوده) قدرش محدود گشت.

با آوری اس نکته مهم است که به بخش
سرما به داری خصوصی که همچنان با برجات از
اهمیت بسیار زیادی در رسمی ارتش های
اقتصادی برخوردار است، علاوه بر اس سرما به -
داران انگلی نازهای سو خود آمده اند که
میلوسها دیار (۲) دارائی دارند و سرما به -
داران جدید مصرمانند سمرعی (۳) قابل مقاسه
میباشند. البته اس بخت خصوصی در عراق در حال
حاضر پیوسته و محدود تر است. بعنوان مثال
بخش خصوصی ۹۲ درصد تولیدات مواد ساختمانی
و ۴۵ درصد نساجی را در دست دارد. (بقول ارتشخان
یکی از مسئولین "در سمنا بر سامون تولید"
روزنامه النوره ارگان حزب بعثت مورخه ۱۶
ستامبر ۱۹۷۶) (۴).

برای مقاومت در مقابل فشارهای سرحدید
و افسران ارشد، مدام حسین که خود عموان کزاف
"ما رسال اول" را داده است، یک کار را برانگیزانی
جهت تحف فشار منافع را آغاز کرد. اس
سلسلهات بر محور سمنا از رهبری سیاسی بمسوان

(۲) - دسار عوامی تقریباً معادل ۲۳ سومان
است.
(۳) - سد مرعی معاون نخست وزیر است
مصر و همکاران نزدیک سادات که به یکی از
میلوسرهای سرک مصر تبدیل شده است.

بیرونی که توانست جنبش مسلحانه خلق کرد
را نا سود کند، دور میزد، از اینجا سود که در یکی
از جلسات کمیته با مصلاح "جبهه ملی" منعقد در
۲۱ اوب ۷۶ مدام حسین اعلام داشت:

"آخرین توطئه خیانت (جنگ کردستان)
بوسیله راه حل نظامی از بین رفت هر چند اس
امرنس بسیار در خسان ارتش عراق را نفی
نمیکند. اس ارتش اگر از خطوط اساسی و سیاسی
ده بوسیله رهبری سیاسی و اهداف آن ترسیم شده
بود دفاع نمیکرد (ونگند) نمیتوانست نقض
موشری در جنگ داشته باشد."

مدام بهرقیمان خود در ارتش گفت:
"ما بعد از توافق ۶ مارن ۱۹۷۵ (توافق با
ایران در الجزایر) و بعد از نقض بر آب شدن
توطئه خیانت کفتم که زبا دفخرت فروشید و گرنه
سرتان کجی خواهد رفت!"

نشریه حزب (۵) ما (صدای خلق) در شماره مورخه
روشه ۱۹۷۶ در باره درگیری بین جناحهای
رژیم نوشت: "نیاید تعجب کردا اگر در شرا بسط
فعلی رقابت بین جناحهای رژیم شدید تر شود،
این طبیعی است که آنها علیه یکدیگر توطئه
کنند تا سهم بیشتری از قدرت را بچنگ آورند."

آخرین تغییرات در دوران رخا نهها بطور
مشخص بیا نگر فاشت در میان جناحهای رژیم
و بویژه بین جناح فاشستی جدیدی که دور مدام
جمع شده است از یکطرف و جناح فاشستی - سنتی
البکر که عزت الدوری (وزیر کشور) و افسران ارشد
ارتش از آنها هستند از طرف دیگر میباشند.

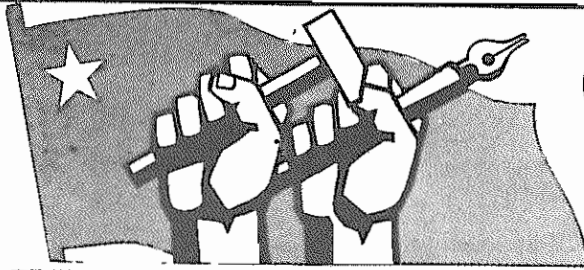
اس از آخرین تحولات در سطح وزارتخانهها
بطور مابده که موافق جناح سنتی در مقابل
جناح دیکنسیت بگذشته تقویت شده است. اس
رابویژهها توجه به کنار گذاشتن الجزر اوی از
سنتهای مهم وزارتی و اساختن مسئولی -
ورسکتگی سوجه بهمهدها و میتوان ملاحظه کرد.
شوا هدیگری نیز حکایت از تشدید تقاضا دهان و
رفاس ممان جناحهای مختلف می نماید، بخصوص
کوشنی که در پیا ده کردن طرح "ارتش خلق" در آغاز
سال جاری سکار رف و مهدها که به درجه نظامی
ما رسالی ارتقاء یافت و یک واحد نظامی زیر
نظر مستقیم او ایجاد گردید. کلیه اس عوامل
شان دهنده حادتر شدن جنگ قدرت بین جناحهای
رژیم است. با بیان دگرا ست که سسنها دنده بود
قرماندهی "ارتش خلق" بهمهدها الجزر اوی قرار

بقعه در صفحه ۲۲

(۴) - رژیم برای سواندن سکتی و جهی
حمه سه کارکن سمنا ری برامون "تولیدات
بخش های مختلف اسما د" ترسب داد. کارکنان
در اس سحها نفسی ساسند (مدام حسین در
یکی از سحراری های اس سمنا رطبه کارکر
عزای را به تسلی و اسعمال منمهم بود (م)).
(۵) - منظور حزب کمونیست است.

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

هنرمقاومت هنرپرولتاری



معرفی "داستان پداگوژیکی"

سرود زیبای آفرینش انسان طراز نوین

نبرد آغاز میشود

— رسا ندورود جویمان زندگی، مهرتا شیدبه داوری
— های صحیح وزلال سوسیا لیستی میزنسند.
"ما کارنگو" درمی یابدکه اعمال دیکتا تسوری
آکا ها نه برای پیشبردا مرکونیستی او، برای
ساختن انسانهایی نوین ضروری است. این به
معنی بکار گرفتن نیروی زوردرجهت برده نمودن
افرادرنجبر نیست، این به معنی تکیه آکا ها نه
ومنضبط براراده توده ها، جهت بسط نیروهای
درونی شان درفعالیت پردامنه، مبتکرانه و
کارخلاق است. ما کارنگو درمی یابندنهنها زمانی
تغییرزحمتکشان ستمدیده مقدوراست که موجبات
ابرا زابتکار توده ها فراهم آید و عرصه برای کار
خلاق ورها شده زقیداسخما را، بازشودوآنان به
عرمه آنچنان عمل انقلابی کشیده شوندکه بتوانند
طی آن استعدادها وتوان سیکران و خلاقیت های
نهفته خود را آزادکنند، ویی تردیدزمانی که
قدرت اعمال قدرتمند بیگنا توری بورژوازی درهم
کوبیده شده و امکان رهایی کارازندان شکنجه
— با روکشنده زندگی درنظم جا برانه سرما پهداری
فراهم آمده، چنین هدفی با کشاندن توده به
میدان عمل انقلابی قابل دستیابی است.

ما کارنگو به تجربه درمی یابند تربیت انسان
طراز نوین، بدون کارآکا ها نه، سازمان یافته
و بدون یزبیرانضباط و کنترل توده های نتیجه
بخش نیست، اودرهمی یابندوقتی توده های
سازمان یافته مکان یابندکه با حسابرسی و
کنترل همگانی به شرکت دربنانها دن دنیایی
نوفرا خواننده شوند، قاندرتجماعه های سازندگی
کمونیستی "به نما پیش درآوردن و آندان درعرصه
عمل انقلابی بسرعت با نیروی دانائی واشتیاق
خارق العاده جهت تمییزوا قعیت، خودتغییر
می یابند و با طیف فرهنگ بورژوازی و آموزش
— های دروغی و آگاه و نمودمی سازد انسا نهانها
ذاتا خوب و ذاتا بد هفتخته به زباله دان میسپارند

بیروزی های کارکمونیستی

اکنون کلیدحل موانع یافت شده است و از
این پس "داستان پداگوژیکی" تبدیل به سرود
زیبای کارکمونیستی میشود. سرودزیبایی که
رها بی ازکار برده وار، وزدودن عادات غلامانه
وشوروشوق کاربرای خود را تجسم می بخشد، سرود
زیبایی که زایمان به نیروی کمونیسم و بیروزی
اعتقاد به نیروی نهفته میلیونها رنجبرخبر
میدهد. دیگر "داستان پداگوژیکی" "تجسم بخش
عاشق آمدن بر محرومیت ها، تفاها، وموانعی
است که بر سر راه یزافتش روسیا لیستی و تربیت
انسان طراز نوین وجود دارد و همه چیز را نجام
مقهورا راده و متهورروده ها میشود، کپودکانی که
سرده بشریت زجر دیده و استخما شده هستند،
تبدیل به انسانهایی میشوند که درحالتان عشق
به کارخلاق، جاننخن نفع طلسمی مسود، اسنادر
راه آرمان های والایا، بگرن سنا می میکرد و
انضاط آهنگن کموسمی برولنکاری کورغانه
می یابند، اکنون بکار سرورواری با حوس و

اولین تما وبری که در "داستان پداگوژیکی"
از محیط تازه کار "ما کارنگو" نشان داده میشود
بیا نگر ویرانی عظیمی است که از سرما پهداری
به پرولتاریا به میراث رسیده است، اینجا است
که کارحما سه آفرین کمونیستی آغاز میشود، گویی
این مخروبه — با زداشتگا سه باقی مجرمین خرد —
سال — خود نمونه کوچکی از سراسر توری بعد از
انقلاب اکتبر است، کشوری که اردل جنگ داخلی
پرولتاریا با بورژوازی سرسراورده و دشمنان تا
آنجا که توانسته بودند به ویرانی اش کشیدند، و
اکنون بر سراسران یابدنظمی نو، انسانی نو،
وتاریخی نو بدست پرشوان بشریت رنجبرینسا
نهاده شود.

دسته اول که جهت آغاز آزمونش سترگ و برای
زدودن همه مقایای نکبت با رجا معکهن به این
محل فرستاده میشوند، افرادی هستند که سراپا —
یشان بالجن سرما پهداری آغشته شده است،
کودکان سیره روزی که هزار زخم زهر آلود در اعماق
جان شان بجای مانده است، آندان با پوزخندی زهر
— آگین و تحقیر آمیز به اعمال ما کارنگو برخورد
میکنند، در درونشان نیروی مقاومتی دردناک
و هراس آور جهت جدا شدن از همه عادات و روحیات
برده و ارگدشته نهفته است و برآستی که به زشتی —
ها و فساد گذشته تسلیم شده و به آن خو گرفته اند،

آبا میدی به تغیر آندان میتوانست بست؟
چگونه سرتا ربکی درونشان میتوان آفتاب
زیبایی های روحی بشریت زحمتکش و آفتاب
عشق و آگاهی کمونیستی "تا ناند؟ همه موفقیت
وشکست ما کارنگو به اسن باسج بسده است!

کارکمونیستی برای آفرینش انسان طراز نوین

ما کارنگو در همان اولس سرخورد خودسا
واضعیت سرسخت، درمی یابندکه نسوان وظایف
نوس را به روس کهنه و با نیکه سراصول سوج
"انسان دوسانه" به احجام رساند. کسانی که به
آمورسکا ه آمده اند به نادگی و با "ساح بدرانه"
حاضر نیستند سب حدایی ارعادات بردال سار
گذشته دهند با بدلوسهای نوس روسی کموسمی
را اردل و انضاط سحراج کرد، بحار بر رسده
ما کارنگو حفا صعی و انضاطی را به سوب می

فیلم "داستان پداگوژیکی" توجه وسیع
توده ها را برانگیخته است، چرا آنان از این
فیلم چنین استقبال عظیمی بعمل آورده اند؟
"داستان پداگوژیکی" مناظری از زندگی نوین
مناظری از مبارزه دور انسا ز طبقه کارگر و کوچکی
تربیت انسان طراز نوین را در کشورشوراها،
تنها سه سال پس از انقلاب سوسیا لیستی اکتبر
تجسم میبخشد، انقلابی که با مارش فاتحانه خود،
رژیم ددمنش سرما پهداری روسیه را منهدم ساخت،
قدرت دولتی ستمگران را با غریبی سهمگین در
— هم شکست و امکان آنرا پدید آورد که زحمتکشان
با آلام و ماسهایی ناگفتنی بنای دنیای نوینی
را آغاز کنند: دنیای رنجبران، دنیای استثمار
شدگان فاتح، دنیایی که بیبرق سرخ دولت
دیکتا توری پرولتاریا، دولتی که تا آزمان در
جهان نظیر نداشت بر فرازش می درخشد
تجدید تربیت انسان زحمتکش، وظیفه ای بود که
آزمان در کنارتوظایف عظیم پیشانگان آگاه
پرولتاریای شوروی اهمیت افزونی یافته بود
آری تحت دیکتا توری پرولتاریا، می با بست
میلیونها و میلیونها انسان ستمدیده به مردمانی
تغییر می یافتند که در قلوبشان ایمان زنده به
نیروی لایزال و دور انسا ز بشریت ایجاد شود و
آتش شوروشوق انقلابی برای برپا کردن نظمی
نوین در درونشان شعله ور گردد و اینا ر وفدا کاری
وانضاط آهنگن، جای عادات کهنه، روحیات
شیره عجز و یاس و بی ایمانی به منافع جمع را
بگیرد و روح تابناک کمونیستی جا بگزین همه
آثار نظام موشوم استخما رگرا نه سرما پهداری شود،
"داستان پداگوژیکی" داستانی واقعی از
کارمشقت بار، اما پرافتخا ر کمونیستی جوان —
آنتوان سیمونوویچ ما کارنگو — است که در
راه این وظیفه مقدس گامی نهاد، ما کارنگو
مسئول یک آموزشگاه تربیتی میشود و با بسد
برای ساختن انسانهایی نوین، کارش را با
تحقیق شده ترین و ستمدیده ترین بخش توده ها که
فساد جامعه سرما پهداری تمام روح و روانشان را
زهر آگین کرده و سپس همچون فله های اصلاح —
نا پذیر، به پستی گرائیده و بدون آینده، طردنسان
نموده بود آغاز کند، چنین است که مسئولیت مظم
جوان، اوارا با سخن نرس سردهای کمونیستی
رودررومی نماید.

یا س بنگرد که چگونه در دیکتاتور پرولتاریا، ستم‌دیدگان آنچنان می‌بالند که سر به‌عروش اعلی می‌سایند، بگذار بنگرد که آینه‌متعلق به بشریت زحمتکش‌ها شده‌ای است که با قهر بر نظم‌فاسد سرمایه‌داری پیروز می‌شود و در عمل به اثبات می‌رساند که تکلیف سرمایه‌داری همیشه نیست.

آیا کسی هست که دل درگرو عشق توده‌ها داشته‌اند و از دیدن این همه زبیا بی‌کده در داستان پداگوژیکی "تصویر میشود، قلبش چون ناقوس پرشکوه به صدا در نیاید" آیا میتوان آنکه که خود را هدایت‌خرین نما و بردستان است - آنجا که افراد آموزشگاه، محصول کار قهرمانان خود را در می‌کنند، از جوش اشک شوق جلوگیری کرد؟ اکنون در آخرین فصل "داستان پداگوژیکی" ما می‌بینیم در دانه‌های طلایی گندم، گویی اشعه - های زربین روح انسان طرا زنبون است که می‌درخشد، نه! این گندم نیست که روئیده این شخصیت بالنده انسان آزاد زحمتکش است که در رویش جوانه‌ها تجلی می‌یابد، این فشرده فداکاری‌های عظیم برای بنانها دن دنیا شکی بنوایندانه‌های حقانیت سوسیالیسم است که به بار نشسته است. این مردم در هم کوفته شده دیروز، کودگان ستم‌دیده، سرکشگان بی‌تصویر جهان سرمایه‌اند - نظامی که از انسانها بسوده ساخته و روح حیوانیت، ذلت‌پرستی را در همه جا میباز کند - که اکنون چونان پرچم‌های سرخ بر فراز قلعه‌های تعالی بشری به اهتزاز درآمده‌اند در دوبرانسان طرا زنبون!

درد بردنیای تازه سوسیالیسم!
درد و به تلاش جانبا زانه بشریت زجر دیده!

بیا شیدا ایما نی که از کنه وجودمان بر می خیزد بر نبردی سهمگین و آشتی‌ناپذیر علیه نظامی که بران سرمایه‌پای بشریم و راه انقلاب را تا به آخر ببیمایم

سندی بر محکومیت رویزیونیسم و

حقانیت سوسیالیسم

"داستان پداگوژیکی" به همان اندازه که حقانیت سوسیالیسم را با زگو میکند، محکومیت رویزیونیسم را فریاد میزند. فیلمی که از روی کتاب، ما کارنگو تهیه شده به سال ۱۹۵۵ بر میگردد سالی که نبرد توفانی و مقاومت‌گرا نه‌دزیرا بر بورژوا - رویزیونیستهای خروشقی جهت نجات دیکتاتور پرولتاریا هنوز در جریان بود - اما اکنون میهن سوسیالیستی تبدیل به میهن بورژوا - رویزیونیستها شده است. بهجای سوسیالیسم، سوسیال امپریالیسم نشسته است، و کسانی که بر پیکر خونین دیکتاتور پرولتاریا پای می‌کوفتند و این تنها فاسد پرورش انسان طرا زنبون را در حرف و در عمل به بنا بودی کشانده - اند و چنین است که شوروی سوسیال امپریا - لیستی امروز دیگر میهن پرورش انسان فاتح و زنبون به شمار نمی‌آید امروز حتی در مجلات و

مطبوعات آن خیر از رشد روز افزون، فحشا، ارشاد و جناسات را میتوان یافت چرا که این همه جز لاینجزای استعمار سرمایه‌دارانه است (۸) آری "داستان پداگوژیکی" سندی بر محکومیت هراربا روسیال امپریالیسم است - دشمنان سوسیالیسم است، جمهوری اسلامی چه می‌خواهد؟

جمهوری اسلامی، چرا "داستان پداگوژیکی" را به نمایش درمی‌آورد. کمونیست‌ها پاسخ این پرسش را میدهند، امروز رژیم جنا پتکا جمهوری اسلامی، این حافظ سرمایه‌داری وابسته و کار - برده‌وار، این نمونه فساد و فساد بورژوازی، این جلاد انقلابیون کمونیست و دشمن کمونیسم، با "داستان پداگوژیکی" هم‌میهن معا مله را میکند ۱ - در تمام فیلم‌های شری نیست نشان دهنده داستان، مربوط به دوران دیکتاتور پرولتاریا - لنتاریا، سوسیالیسم است و حقانیت کار کمونیستی را در شرایطی که سرمایه‌داری در هم کوفته شده نشان میدهد.

۲ - رژیم میکوشد با چنین فیلم تحریف‌شده‌ای، عشق به کار را که تنها در شرایط حاکمیت طبقات زحمتکش بسودان است در شرایط کنونی تبلیغ کند، در شرایطی که کار برده‌وار را فزونی‌تر جزئی نیست جز استعمار بیشتر

۳ - رژیم جمهوری اسلامی با چنین نمایشی می‌کوشد توده‌ها را تحمیق کرده و از خود چهره آراشی شده‌ای بنمایاند ما رویزیونیستها و هیات حاکمه و همه بورژوازی کور خوانده‌اند، توده‌ها در واقعیت داستان آن را می‌بینند که به خون زحمتکشان آغشته است، آیا دشمنان زحمتکشان میتوان نندماندی کار کمونیستی و تربیت انسان طرا زنبون باشند؟ نه و هزار بار نه!

۴ - رجوع به جزوه "فاسد، انحطاط و از هم - گسیختگی در کشورهای تحت حاکمیت رویزیونیستها" از انتشارات دانشجویان و دانش‌آموزان - هوا دار زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

**کمبود نفت و بیکاری ۲۰۰۰ زحمتکش
سفال سازان در میان جنگ است**

لالحین: در این شهرک قریب به ۹۰۰ کارگاه سفال سازی وجود دارد که ۴۰۰ کارگاه در خانه‌های مردم قرار دارند، کشاورزان نیز هنگام فراغت از کار زحمت به سفال سازی مشغول میشوند و روی هم رفته حدود ۲۰۰۰ نفر از زحمتکشان لالحین از طریق سفال سازی هزینه زندگی خود را در خانه خودشان را تامین میکنند. کوره‌های سفال سازان نفت سوز میبازند و با کمبود جیره بندی نفت که یکی از "ره آورده‌های" این جنگ غیرعادلانه است به بیکاری شدید در بین آنان دامن زده است، ناراضی‌هایی در بین آنان بطور چشمگیری بچشم می‌خورد ولی نبود آگاهی و تشکل مانع از شکل گیری طبقاتی مبارزه آنها نیست، پس از اقدامات فراوان، استناداری قول

بقیه از صفحه ۲۰ گزارشی ...

گیرد و همین "ارزش خلق" بعنوان آلترنا تیوی در مقابل ارتش منظم‌عادی باشد. همانطور که میدانیم حوادث نجف (۶) در اوایل سال جاری، رشدنا رضایتی - مردم و ورشکستگی با زرفرصت تسویه حساب بین جناح - های رژیم را ایجاد کردند. صدام حسین کوشید بعضی از مخالفین خود را بی‌آبرو کند. و این کار را از طریق دادگاه‌هایی که متهمین وقایع نجف را محاکمه میکرد انجام داد. هدف صدام این بود که آن دسته از مخالفین را از قدرت دور سازد. از سوی دیگر جناح‌های مذکور صدام را بعنوان مسئول آن کشتارها می‌نشانند، سرانجام این سرگیری این شد: عزت معظنی و اباجاسم (رئیس دادگاه خلق) از کلیه مسئولیت‌های خود چه در دولت و چه در حزب بعث برکنار گردیدند.

این حوادث، اختلاف و تضادهای موجود بین جناح‌ها را آشکارا زهر وقت دیگر نمایان ساخت و سرانجام آن ضبط دارا شیهای گروه‌های قبیل‌های و حادث شدن تضادهای درونی رژیم گشت.

علیرغم آنکه به رقبای صدام در تمام پندگنان جناح انگلی، ضرباتی وارد آمد، رهبری حاکم و نیز خود صدام، همان سیاست‌هایی را که بوسیله جناح دیگر ترسیم شده بود، ادامه دادند. ادامه این سیاست‌ها در واقع بدین منظور بود که به فشارهای وارد از طرف جناح دیگر پاسخ داده شود و موقعیت رهبری چنان تحکیم گردد که بتواند تمام طبقه کارگر را در کنترل خود بگیرد. اما حادث گرفتن این اختلافات با افزایش ناپامانی - های اقتصادی و سیاسی همراه است و به همین دلیل است که رژیم فاشیستی بمنظور پیشگیری و مقابله با بحران، تدارک لازم را میببیند تجزیه و تحلیل سمکریبیای جدید رژیم از اینروا همیت دارد که تحولات آینده را یکمک آن میتوان محاسبه کرد.

(۶) - حادثه نجف: در آغاز سال ۱۹۷۷، تظاهرات کنندگان شیعه بر علیه سیاست حکومت اعتراض کردند. دولت به نظامیان دستور شلیک - تظاهرات کنندگان را داد که صد نفر در نتیجه آن کشته شدند. از آن زمان ۱۲۰۰ نفر دستگیر شده‌اند، عدم توافق بین صدام و "رئیس دادگاه" باعث شد که وی بیش از ۱۵ نفر را به اعدام محکوم نکرد (۷) و نیز از محکوم یا اعدام کردن متهمینی که در زیر شکنجه در زندان کشته شده بودند خودداری کرد. صدام و راب‌زنبون بودن متهم کرد و گفت که "او از محکوم کردن مرده‌ها خودداری کرد."

داده که ۳۰۰۰ لیتر نفت بی‌آنچه تحویل دهنده‌ای این زحمتکشان میگفتند با ۳۰۰ لیتر مگرمی - شود سوخت کوره‌ها را تامین کرد!

"دود" تشا این جنگ ارتجاعی بیش از همه به چشم زحمتکشان میهن ما می‌رود ولی رنج امروز آنان، کینه طبقاتی را در دل پر دردشان باورتر کرده و طوفانها بپا خواهد کرد.

فعالیت انقلابی سازمان در مورد آوارگان

از زوری که جنگ ارجحی پس دور رسیده - خلفی ابران و عراقی آغاز شد، سازمان ما با حرکت از یک موضعگیری کمپسی و انقلابی با حرکت از منافع کارگران و رجمکنان جنگ ارجحی و غیره عادلانه داشته با فضای جنگ افروزان و تبلیغ عدم شرکت در آن پرداخت، سازمان ما نسبت به فلاکت ناشی از جنگ که قبیل از هر کس دیگری ما را کارگران و رجمکنان را میگرد - همداردا دور فقای ما در شهرستانهای جنوب کشور فعالانه در تبلیغ نظرات سازمان و آگاه کردن توده ها و کمک بداناتان کوشیدند و خند سپید دادند رفقای ما در شیراز فعا لانه بین آوارگان و جنگ ر دگان فعالیت کرده و توطئه های شرم آور رژیم را علیه آوارگان و دشناموتوهین رژیم بداناتان را در حد امکان افشا و خنثی نمودند، تا سراب سن فعالیت بعدی بود که آیت الله دستغیب با م جمع و نمایندها ما در شیراز که فتوای حرمت معامله کردن با آوارگان را داده و توصیه کرده بود به آتان مسکن و غذا داده نشود و نیرسبانه پاسداران و دیگر کارگانهای رژیم محسور شده عقب نشینی شدند، حرفهاشان را طاهرا پس گرفتند و حالا چپ و راست به دلجوئی از آوارگان میگردانند اما بیش از یک میلیون ارموطنان آواره ما در استان خود، بیاران صدیق خوین یعنی کمونیستها و انقلابیون راستین را می شناسند و چهره مزورانه دشمنان خود را نیز تشخیص میدهند در زیر به جنبه هائی از وضع فلاکت بار آوارگان این قریب انیان جدید رژیم جمهوری اسلامی از زبان نمایندگان مجلس و مقامات مسئول سمبل از روزنا مه های پیرا رژیم و گوشه های ارفعالیست سازمان را که موجب وحشت رژیم از فعا لیت انقلابی ما بین آوارگان شده میآوریم.

انقلابی بسند، مردم سرا هم همه انقلابی بسند هم جدا بخت پس آوارگان حکمی هست و هم پس مردم سرا رمنل همدسهرهای دیگر ابران، انبها آمده اند و ما هم که کرده اند و ما ارجحی است - هائی با حبره سیم که سکا ریبها طرا حین بودند

انتشارات سازمان در مورد آوارگان و جنگ فریاد آوارگان (خوزستان) ندای آواره (اصفهان) خبرنامه جنگ (خوزستان)

انقلاب اسلامی ۲۷ آذر جوانان مسلمان بروجرده توطئه های دشمن را محکوم کردند

بروجرده - حبرنگار انقلاب اسلامی - طی دو روز گذشته عده ای از خوزستانهای مضمیم بروجرد در مقابل فرمانداری این شهر اجتماع کرده و با دادن شعارهایی چون "صفحه مداری، توطئه ارجح - سزار آواره، نان، مسکن، آزادی" قصد ایجاد آسوب و مسنج کردن اوضاع شهر بروجرد را داشتند. این عده که از سوی گروهیهای چپ آمریکائی حرکت و حمایت میسوند و مدعی هستند از آوارگان جنگی میباشند، اعلام کرده اند که به جیرمت نخواهند رفت. لازم به توضیح است عده ای ارموطنان خورسانی ما که در

هم که به من حبر رسیده به همین سوال است وی ضمن سکارا رملی مسئولین و بنها دها در کمک رسانی به آوارگان جنگ کتب: اس نهادها سیانه روزنا هم کارمکنند و ملی مناسا نه حوس مسحم نسند و اپیک مرجع رسمی اطاعت نمی - کنند و خود سرا نه کارمکنند نسحه نهایی بدست ما نرسیده است.

در سا دگان حدود ۵۵۰۰۰ جا در رده بودند و مردمی در این جا درها اسکان داده شده اند که در زمان پیش از جنگ و بعد از انقلاب به آنها بسه عنوان مستصفا کمک مشده اسن مردم اتمناس مسکردند که ما را اراشا دگان حاشی دیگر بنبرند، در آنجا نسرمثل بروجردا ختلاف و خود سرا نه کار کردن مسئولین را عننادیدیم.

در سربندر در کمپ "ب" حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزار نفر جمعیت ساکن بودند. ۱۰ روز به آنها غذا نداده بودند و اکثر آنها گداشی کشیده شده بودند. این مسئله را من قبول نمیگردم و با ورم نمیشد تا اینکه رسم خدمت آما ی فرماندار ما هشر ایسان عنن مطلب راتا نشد کردند، به "صرف استکه انبها را می خواهم جا بجا بکنیم به اینها غدا نداده ایم".

معرفی زاده افروود: واقعا اصلا نیا بدقا بیل قبول ما ندا این فلسفه که فردی آواره شده، خانه اس از بسین رفته، سه د داده، زخمی داده، ۱۰ روز ما سه و غذا ندهیم، رای ونظر ۱۵ هزار شرار سربانگدا بیم و یگوئیم "میخوا هم ما را اجا بکنیم". با مسئولن صحت کردیم قبول کردند که کار خلاق شده و گفتند از مردا میدهم ولی طبق گزارشای که به من میرسد تا حالا عین همان وضع پابرجا ست.

"میر سلیم افروود: وقتی اولین دست از مردم خونین سهر و آسان به سا سر نفا ط آمدند ما چه سدنا عدم استقبال سا بر مردم و عدم پذیرا نسی ارا ننها به اسن دلیل که درست نسجم نشده بود.

بیشرفت امور جنگ منجر به این شده که تعدادی جنگ رده در کشور ما بوجود بیاید، اما مردم خود استان خوزستان و بعد سا یرا ستانها توقع ندا شتند بیهیئتد عده ای شهر خودشان را ترک میکنند بعدا این واقعیت را بطور ملموس دریا فتند که چاره ای نیست که شهرها با بدترک کرد و به ایسن سرنیب مسا له آواره جنگ زده بیدیم می ماید و مناسا نه یک بر خورد بننده ای هم در شهر شیراز پیش آمده که عواقب نسبتا ناگوار ای از نظر روانی و انسانی در برداشت ...

... برنا معاصی به این عنوان که ما اگر عده ای نزدیک به یک میلیون تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر آواره جنگی داشته باشیم با آنها چه بکنیم، ندا شتیم"

رفقا! در تحکیم هر چه بیشتر بیوند خود با کارگران و رجمکنان و مستمدیدگان بکوشیم و عامل اساسی فلاکت توده ها یعنی رژیم جمهوری اسلامی را به توده ها بشتنا سیم.

اعترافات رژیم در مورد آوارگان

از مذاکرات مجلس کیهان (دیهه) "سوال از وزیر کشور"

ساران نوسب به طرح سئوال معرفی راده ما بنده مردم خونین شهر رسید: وی ضمن توضیحی به وضع آوارگان جنگ در سهرهای سروجرد، شادگان سندرما هشر، شیراز و صفهان اشاره کرد و گفت: در سروجرد شادگان و بندرما هسرو مع ارحال خترناک و دردناک حیلی بالاتر است و سه وضع فاحه آسزی رسیده است.

در بروجرد ۲۰۰۰۰ نفر در یک مدرسه و در هر اتاق ۲۰ نفرالی ۳۰ نفر زندگی میکنند، در میان آنها دجنر جوان، بسرجوان ارشهرهای مختلف زساد موجود دارد، به هر خا نواده ده تا ۱۳ نفری ۲ کیلو برنج یک کیلو سبزمبنی، نیم کیلو خرما، و سعی اوقاف روغنی با جای وقت میدادند و الا ن

مذاکرات مجلس کیهان اول دیماه

حاشی شیرازی طی یادداشتی که برای رئیس جلسه فرستاده بود در مورد درگیری که در شیراز در راه بطنه با جنگ زدگان پیش آمده بود، جنبه توضیح داد:

دراوان و ورود جنگ زدگان به شیراز سزادرا ن جنگ زده برای روشن شدن وضعان در اطراف استاننداری جمع شدند و اعتراض و سروصدا کردند استاندار ر عجله نموده و برای پراکنده کردن آنها دستور تیراندازی هوائی داد عمل اساندار را نیا بیدیه حساب مردم شیراز گذاشت و آنها را ار همگاری دل سرت نمود.

سپس مهاجرانی نماینده دیگر شیراز در اسن مورد گفت:

مساله این هست که بسن آوارگان جنگی همه

مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

کارکنان کارخانه پرسپولیس: متحد علیه انجمن اسلامی

در کارخانه پرسپولیس کارگران یک شورای واقعی داشتند، اما با نزدیک شدن زمان انتخابات مجدد شورا، انجمن اسلامی کارخانه با کمک کارکنان شوراها، اقدامی شیراز (که دو رگسان ارتجاعی و وابسته به سپاه پاسداران هستند)، در صدد جایگزین کردن شورای فرمایشی بجای شورای واقعی موجود، برآمدند. آنها روز ۹/۱۲ طی مجمعیه که ترتیب دادند به سپاسی بر علیه شورا پرداخته و مسئله را یگیری مجدد را مطرح میکنند. این جلسه بر اثر اعتراض یکی از اعضای شورا و یکی از کارکنان به شیوه انتخابات، بهم میخورد.

روزشنبه ۹/۱۵ که زمان تشکیل مجمع عمومی بود و همه جلوی ساختمان اداری اجتماع کرده بودند، یکی از سرکرده‌های انجمن اسلامی شروع به سخن پرکنی بر علیه کمونیست‌ها و دیگر نیروهای انقلابی میکند، سپس به همراه رودستان الهه کبرگوییان خواهان اخراج افراد انقلابی از کارخانه میشوند. مدخله یکی از اعضای شورا که کارکنان را به محل مجمع دعوت کرد، بهانه‌ای بدست او باش داد تا این عنصر مبارز را کتک زده و طبق برنامه حساب شده‌شان بزور ۱۲ نفر دیگر از کارکنان انقلابی را به تنهایی کارخانه میفرستند. آننگاه بعد از ایجاد جو رعب و وحشت از کارکنان برای اخراج عناصر به اصطلاح "چپ‌نما" منحرف را مضا میگیرند.

فردای آنروز زور و زور ۱۳ نفر مذکور به کارخانه جلوگیری میکنند و در جلسه‌ای اختناق آمیز پنج نماینده فرمایشی را که سه تن از آنها عضو انجمن اسلامی بودند، به کارکنان تحمیل میکنند که تا تشکیل شورا با آنها مورکارخانه رسیدگی کنند اما بعد از این اقدامات سرکوبگران و ارتجاعی کارکنان متوجه شد که کارگری بودن این اعمال گردیده و خواهان پس گرفتن امضاهاشان میشوند همچنین در اشراف کاری کارکنان اخراجی در بیرون و عناصر آگاه در درون کارخانه، کارکنان به حمایت از اخراجیان و بر علیه انجمن اسلامی برمی خیزند فشا کارکنان عوامل رژیم را وادار میکنند که جلسه‌ای با حضور اخراج شدگان برگزار کنند که طی آن انجمن اسلامی مجبور به عقب نشینی شده و میگوید که گویا در لیست اخراجیان اشتباه شده و بجای ۱۳ نفر میبایست ۵ نفر اخراج شوند! اما ۱۳ کارکن مبارز با فشار می‌کنند که اولاً با بیست و یک نفر دیگر با زگردند و تا نیا در جلسه عمومی با یاد آنها بتوانند اعلامین این توطئه را نذره کارکنان افشا کنند. نتیجه قطعی تا تشکیل شورا معوق میماند و کارکنان مبارز با حمایت سایر کارکنان برخواستهای بحق خود همچنان پای میفشارند.

سراخام آتای سبسی مکتوبه: جناب اس است که ما ندانیم سبب سرکوب که در راه طبعی ساه مکل بکرم. به شرط اینکه ساه هم اسن سواناسی را ما سرعت کت کند!

آری، حزب جمهوری اسلامی منظور قبضه قدرت دولتی در دست خود و سازمانی است که سرمانده‌های وابسته را به سرکوب انقلاب و در درجه نخست سرکوب انقلابی سبب طبقه معنی طبقه کارگر دارد. به همین دلیل هم سبب روی ربابی جهت به احزاب گشادند و سرکوب مبارزات کارکنان بکار گرفته است. "هسته‌های مقاومت" حزب در کارخانه‌هاست، در واقع به همان منظور ی ایجاد میگردند که سواک نیروهای نظری آنرا ایجاد میکند. سنا سراسن و طبقه کارکنان مبارز است که هشیاری خود را در مقابل اینگونه توطئه های ضد کارگری رژیم حفظ نمائند. نهانیست:

۱ - به افشای ماهیت واقعی هسته‌های مقاومت و سنا سببای سرکوبگران حزب جمهوری اسلامی در کارخانه‌ها پرداخته و توده‌های کارکنان را از درافتادن بدام این مداخلان سرمایه داری برحذر دارند.

۲ - از آنجا که رقابت بین دو جناح رژیم، انعکاس خود را در کارخانه‌ها نشان میگذارد و عوامل هر جناح (حزب و لیبرالها) سعی دارند با گوییدن دیگری خود را طرفدار کارکنان بزنند.

۳ - کارکنان انقلابی و آگاه نباید که آن از افشای هر دو جناح بخصوص لیبرالها که با گرفتن طاهر "زادبخواه" نه "عوا مغربسی در میان کارکنان میگرداند، غافل سمانند.

۴ - افشای هر دو جناح رژیم بدون نشان دادن راه حل انقلابی مبارزات کارکنان، کاملاً نخواستهد بود و لذا وظیفه کارکنان آگاه و کمونیست است که به تبلیغ تنها راه حل کاملاً انقلابی بپردازند. باید به توده کارکنان نشان داد که طبقه کارگر میبایست با کسب آگاهی طبقه‌ای خود قدم در راهی بگذارد که با نایبودی استعمار و اختلاف طبقه‌ای، فقر و فلاکت و ظلم و ستم جامعه سرمایه داری را بنا بود کرده و جامعه سراسر کمونیستی را بنا نهد. کارکنان باید بدانند که تنها راه نجاتشان سوسیالیسم است!

پاسداران باز هم جنایت!

اهواز: روز جمعه هفتم آذر ماه در محلی بنام "دروازه" پاسداران جهل و سرمایه با اتومبیل زن و بچه‌ای را زیر میگیرند. در این حادثه زن مزبور بشدت زخمی میشود و پایی کودک میکشد. پاسداران به شرمناقت قصداً را ز محل حادثه راه داشتند که مردم با تجمع و اعتراض مانع شده و آنها را وادار میکنند که آن دورا به بیمارستان ببرند. گروهی از مردم نیز به همراه آنها به بیمارستان میروند. ما در کودک در راه فوت میکند. پاسداران با وقاحت تمام ما دعا میکنند که خمپاره به آندو اما بت کرده و بعد هم علیه ما اعتراض مردم حاضر در محله بیمارستان را با خیال راحت ترک میکنند

هسته‌های...

"تصفیه دولت" سرکوب کنند. آنها همچنان و طبعه دارند کارکنان مبارز و انقلابی را حسب عنا و سبب جوب "فدا انقلاب" ساه سردار، سبب - بنحدم دشمن "و...، تحویل پاسداران سرمایه و رندانهای اسلامی دهند. و طبقه سرکوب کارکنان انقلابی نابدان حداس که "هسته‌های مقاومت" میبایست به سنا سببای و تعقیب کارکنان مبارز در خارج کارخانه نیز بپردازند. آنها همچنین با بدتمای سعی خود را بکارسند و نورا های زرد و کار فرمایشی ایجاد کنند و نورا های واقعی را منحل نمایند.

یکی دیگر از وظایف هسته‌های مقاومت "با لاسردن تولید در کارخانه‌هاست. بدین منظور حزب جمهوری اسلامی شعار میدهد که: "هسته‌های نظامی مقاومت و مقاومت را در کارخانه‌ها درآماده باش که مل‌ترار داده و هر چه بیشتر گسترش دهیم" آری، آنها میخواهند از طریق این هسته‌ها، با فشار آوردن بر کارکنان تولید را به حداکثر خود برسانند. آنها که میداند کارکنان مبارز حاضر نیستند به قیمت فقر و فلاکت روز افزون خود، تولید را برای بردن بیشتر جیب سرمایه داران افزایش دهند، خواهان گسترش و "آماده‌ساز" هسته‌های مقاومت میباشند.

در جلسه‌ای که سه‌شنبه نیز حضور داشت، یکی از اعضای واحد کارخانه‌ها سپاه پاسداران میگوید: "عوامل خارجی بیگانه‌ها بیگانه‌ها هستند. اند، خطر ضد انقلاب داخلی را تهدید میکنند ما باید سعی در بسیج کارکنان تحت یک برنامه منظم و سیستماتیک جهت سرکوب ضد انقلاب داخلی کنیم." اینجاست که خیلی آشکار هدف رژیم از ایجاد این دسته‌های شبه نظامی و سرکوبگران، به وضوح بیان میشود. رژیم که با نعل و آورنده زدن، ما هیست ضد انقلابی خویش را انقلابی حابیزند، معلوم است که منظورشان از "سرکوب ضد انقلاب داخلی"، در واقع چیزی نیست جز سرکوب انقلاب و بسرا ی آنها بیک "برنامه منظم و سیستماتیک" لازم دارند! آتای بهشتی در دادگاه سخنان پاسداران فوق میگوید: "در حقیقت هسته‌های مقاومت هستند که عبدالرزوم (در هنگام لزوم) میتوانستند به هسته‌های حمله هم تبدیل شوند. بخشی از نیروهای حمله به دشمن با یادها نید که در بسیاری از جاها که آدم میبرد، میشوند که گروهکهای کوچک (منظورش نیروهای انقلابی است - پیکار) در برخی از نقاط کشور یک چنین تدارکاتی را فراهم کرده‌اند. دو کار را باید کرد و اولاً باید سربا جلوی آنها را گرفت و ثانیاً باید متقابلاً برای کار خلاقیت که در خط انقلاب (بخوان ضد انقلاب - پیکار) باشد آماده شد." در اینجا بهشتی به ما هیست متجا ز و سرکوب کارکنان این هسته‌ها اعتراف میکند و هدف واقعی‌شان را در دو چیز خلاصه میکند: ۱ - مقابله با کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی ۲ - بسیج نیروهای ناآگاه و دامین زدن به توهماً آنها نسبت به رژیم. ضمناً بدین وسیله بخيال خودشان هم انقلابیون را سرکوب کنند و هم پشتیبان وحامی برای خود بوجود آورند.

بقیه از صفحه ۳ راهپیمایی ...

خرمشهر روز دوشنبه ۱۰/۱ نیز در مقابل وزارت کار اجتماع میکنند. کارگران پلاکاردی داشتند که روی آن نوشته شده بود: "حقوق کارگران پرداخت باید گردد". عوام مل رژیم پویا ساری که به آنجا آمده بودند، ابتدا سعی داشتند طبق معمول با بلند کردن چماق تکفیر و "ضدانقلابی" خواندن نظرات و اجتماعات، کارگران را متفرق کنند اما پس از آنکه با مقاومت کارگران زحمتکش مواجه شدند، سعی کردند جلوی پیوستن مردم به صفوف کارگران را بگیرند و میگفتند که "فرد انقلاب میخواهد در میان شما رخنه کند!" اما کارگران برای مردمی که در آنجا جمع شده بودند و با از آن محل عبور میکردند، خواسته‌های بحق خویش را توضیح داده و ما هیت ضدکارگری رژیم را افشا میکردند.

سرانجام کارگران که نتیجه‌های از اعتراضات خود نمی‌دیدند، تصمیم به راهپیمایی میگرفتند در مسیر خیابانهای آزادی، انقلاب و مصدق راهپیمایی کرده و فریاد اعتراض خود را بگوش داده‌ها میرسانند، مبارزه این کارگران همچنان ادامه دارد.

اعتصاب در دخانیات

اخیرا کارگران کارخانه دخانیات تهران با بستن درب انبارها، اجازت خروج جنس از کارخانه را ندادند. علت این عمل کارگران، اعتراض آنها به کم شدن ۲۵٪ حقوقشان بود. چندی پیش قرار بود که ۲۵٪ به حقوق کارگران اضافه شود ولی آنرا بعنوان پاداش به کارگران پرداختند و زمانیکه بدستور شورای انقلاب "کلیه پاداشها را قطع کردند، این قسمت از حقوق کارگران نیز قطع گردید. در اثر اعتراض کارگران، مسئولین کارخانه جنگ را بهانه کرده و پیرا خت این مبلغ را به بعد از جنگ موکول میکنند ولی کارگران که فشارناشی از گران‌نی و مشکلات زندگی، روز بروز بیشتر کم‌شان را ختم میکنند، خواهان پرداخت فوری بقیه حقوق خود میشوند که مسئولان با زهم به وعده و وعید متوسل گردیده و پرداخت آنرا به شنبه ۹/۲۹ محول میکنند.

نگته قابل توجه اینست که زمانیکه کارگران نمایندگان خود را نزد وزیر صنایع و معادن و رئیس دخانیات میفرستند آنها از پذیرفتن نمایندگان خودداری میکنند. "انجمن اسلامی" کارخانه هم بر علیه خواسته‌های کارگران سمپاشی عمل میکند که موجب افشای هر چه بیشتر آن در نزد کارگران میگردد. کارگران مبارز دخانیات همچنان به مبارزه خود جهت رسیدن به خواست برحقشان ادامه داده و تا رسیدن به حق خود در برابر آنها راه را بسته نگه داشته‌اند.

تهدیدنامه ارتجاعی، شرط بازگشت بکار!

خبرها را نتایج افتاد خود بهترین گواهی ارزشی جان توده‌ها برای رژیم سرمایه‌داری است. کارگران و کارکنان مبارز آبادان برای مقابله با توطئه‌های ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی لازمست که:

- ۱ - کلیه کارکنان نیکه به آبادان برگشته اند از برگردن تعهدنا مه مزبور خودداری کنند
- ۲ - تا مشخص شدن وضعیت آبادان، بعطت عدم تضمین جانی، از رفتن به آنجا خودداری کنند. چرا که رژیم هیچگونه مسئولیتی در قبال خسارات جانی و مالی زحمتکشان قبول نکرده است. تنها با حفظ اتحاد و یکپارچگی است که میتوانیم مبارزه خود را تا رسیدن به خواسته‌های برحقمان ادامه دهیم

بسمه تعالی

ریاست اداره تاریخ:

ریاست اداری

اینجانب کارگر/کارمندی شماره

کارتاریخ

با استفاده از مشخصی اضطراری، بدون اطلاع قبلی از کار رعیت نموده و بمنظور رسیدگی به وضعیت خانواده ام که بعطت جنگ تحمیلی عراق آواره و سرگردان شده اند آبادان را ترک نمودم. در بازگشت مواجه با انسداد جاده ما شهر آبادان شدم که در نتیجه تا قبل از این تاریخ مراجعت بکاربرایم مقدور نبوده است. اینک آما دگی خود را جهت ادامه خدمت اعلام میدارم.

نظربه اینکه غیبت مورد بحث برخلاف میل باطنی اینجانب صورت گرفته و در حقیقت در برابر حادشه غیر منتظره ای قرار گرفتیم لذا بدین وسیله تقاضا دارم دستور فرمائید اینجانب رابه طور موقت بکارگمارند تا تکلیف قطعی وضعیت خدمت همه کارکنان تا پب از جمله بنده از طرف کمیسیون مربوطه روشن شود. بدیهی است هر تصمیمی که کمیسیون مزبور اتخاذ نماید مورد قبول اینجانب خواهد بود.

ضمنا تعهد می‌نمایم بدکه منسعد تحت هیچ عنوان از کار رعیت ننموده و روزانه حضور خود را برای انجام هر نوع خدمتی که شرایط جنگی آبادان ایجاب مینماید اعلام دارم. ستاد برستل بالایسگا ه آبادان و خدمات با توجه به تعهد فوق و با در نظر گرفتن ضرورت حداکثر ارفاق به کارکنان جنگ زده موافقت میشود که تا مسزده بالا از تاریخ جزو کارکنان حاضر بخدمت منظوروسی خواهد شد از خدمات ایشان جهت تامین نیروی انسانی مورد نیاز ستادها ی فعال در منطقه جنگی آبادان استفاده شود.

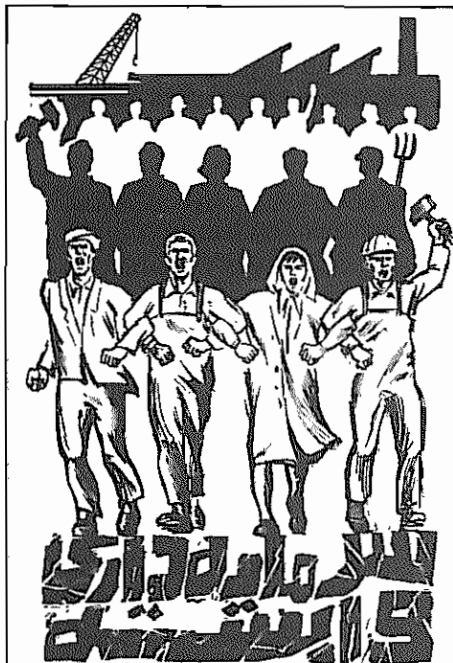
نام و نام خانوادگی سرپرست محاز

سمت

امضاء تاریخ

مسئولین بالایسگا ه آبادان اخیرا تعهدنامه‌ای تهیه کرده اند که هر کارگر و کارکنی که بر اثر جنگ شهر را ترک کرده است، بـسـرـای بازگشت مجدد به سرکار میبایست آنرا امضا کند. در این تعهدنامه کارگران و اولاد از شرکت اجباری شهر (که برای حفظ جانشان بوده است) بسراز پشیمان می‌کنند، تا نیا از شرکت نفت میخواهند که بطور موقت آنها را بسرکار بازگرداند، تا لثا به شرکت نفت این اختیار امیدهند که هر تصمیمی که خواست در موردشان اجرا کند، رابعا کارگران با بدعهد کنند که دیگر آبادان را ترک نکنند و هر کاریکه رژیم تحت شرایط جنگی بدانان محول کرد انجام دهند!

رژیم با گرفتن این تعهدنامه ضدکارگری میخواهد که هم کارکنان در جنگ ارتجاعی عیش بعنوان گوشت دم‌توب استفاده کرده با شوهم اینک به اخراج آنان رسمیت ببخشد. همچنین دست رژیم برای هرگونه تحت فشار قرار دادن کارکنان (اخراج، جریمه و...) که ملا بازمینود رژیم مدعی است که بدینوسیله میخواهد بدین آنها بی که شهر را ترک کرده اند با آنها بی که در شهر مانده اند تا بیزبکذا رددرا لیکه و لا این کارچیزی جز تفرقه اندازی در میان کارکنان نیست و تا نیا کارگران و کارکنان زحمتکشی که شهر را ترک کرده اند تنها از روی ناچاری بوده و برای نجات جانشان چاره‌ای جز این نداشته‌اند تا لثا مگر رژیم چه دفاعی از جان زحمتکشان کرده که از آنها میخواهد در شهر بمانند، شهید شدن دهها کارگر زحمتکش همچون عسکریان "که بر اثر ترکش



فان، مسکن، آزادی

يك خبر از كارخانه پوشاك

نزد سرما بیداران، کارگران هیچگاه از ارزش انسانی برخوردار نبوده و نیستند. آنها فقط برای پرکردن جیب‌هایشان به کارگران نیا زده‌اند، برای سرما بیداران جان بسک کارگرچه ارزشی میتوانند داشته باشد، یک نمونه از عملکرد قوانین بیرحم سرما بیداری را که بطور حتم، مشابه آن هر روز در کارخانه‌های مختلف دیده میشود، در کارخانه پوشاک ببینیم. روزشنبه ۸ آذر، در این کارخانه یکی از کارگران دچار ناراحتی قلبی میشود که اتفاقاً همزمان با آمدن خلخال به کارخانه است. وقتی سرپرست برای گرفتن اجازه جهت بردن کارگر بیمار به بیمارستان به رئیس حسابداری کارخانه مراجعه میکنندوی میگوید: "عقلاً صبر کنید، سرپرست در جواب میگوید: "هر لحظه ممکن است بمیرد، آنوقت شما میگویید صبر کنید؟" خلاصه بعد از کلی سروکله زدن ایشان اجازه می‌دهند که کارگر بیمار را به بیمارستان ببرند. تازه بعد از این همه مکافات هیچ وسیله نقلیه ای برای رساندن مریض به مریضخانه در کارخانه پیدا نمی‌شود! سرپرست از دو نفر از چهاردی‌ها که دم در کارخانه ایستاده بودند می‌خواهد که کارگر بیمار را به شهر برسانند، آنها اول امتناع میکنند ولی بعداً در شرفش را می‌پذیرند. خوب اگر کارگری در حال مرگ هم باشد به مسئولین کارخانه چه مربوط! بنزین نیست کاری نمی‌شود کرد؟! البته این در حالی است که با این وضعیت بی‌بنزینی "جساب آقای خلخال" آن هم با چند ماشینی که وی را اسکورت میکردند بیه کارخانه تشریف فرما شدند. رژیم سرما بیداری بهشت مرتجعین وجهنم کارگران است.

جنگ، فرصتی برای بازنشستگی اجباری!

فوق، فشا ریشتری را برگرداند که رگران وزحمت - کشان واره‌آورد، از جمله اخیراً چند مورد از این گونه اعمال فشا رها بر کارکنان مناطق جنگ - زده و آرد آورده اند که در زیر به ذکر آنها میپردازیم:

۱ - برای گروهی از کارکنان صنعت نفت آبادان فرم‌های بازنشستگی ارسال داشته اند که بر طبق آن اولاً "تصفیه حساب نهایی" کارکنان به فرصت مناسب" (که معلوم نیست اصلاحاتین فرصتی بپیدا شود!) توکول کرده اند و ثانیا بجای پرداخت حقوق کامل کارکنان تنها وجهی را "بطسور علی الحساب" می‌پردازند.

۲ - از حدود ۱۵۰ نفر از اندکان شرکت نفت خواسته اند که تا تاریخ اول بهمن ماه ۵۹ تقاضای بازنشستگی بکنند و گرنه اخراج خواهند شد، و بدین منظور فرم‌هایی را برای این عمده ارسال داشته اند.

۳ - در منطقه میدیه حکم بازنشستگی اجباری را به همه کارکنان ابلاغ کرده اند ولی در اثر مقاومت کارکنان و اعتراضات و افشاگریهای آنان، مقامات مجبور شده اند، اجرای این طرح را بصورت داوطلبانه قبول کنند.

اعتراضات و مبارزات کارگران و کارکنان صنعت نفت جنوب برای خنثی کردن این طرح ضدکاری همچنان ادامه دارد.

رژیم برای تخفیف شدت بحران اقتصادی جامعه، مدتی است که در صد راه‌چاره‌ای است، اما از آنجا که بنا بر ماهیت سرما بیداران نمیتوانند از هزینه‌ها بی‌چون خریدار سلحه برای سرکوب زحمتکشان (مانند ۲۰۰ میلیون تومان که اخیراً رفسنجانی خرج کرده) حیث و میل پولها توسط وابستگان رژیم (با نند پرداخت ۲۲ میلیون تومان به روحانیون سنی و ۲۵ میلیون تومان برای روحانیون شیعه) و خودداری کند، لذا مانند تمام رژیم‌های سرما بیداری فشا را بر کلوی زحمتکشان وارد میسازد، یک نمونه از اینگونه اعمال فشا رها، سیاست بازنشستگی اجباری کارکنان ادارات دولتی است. این برای اعتراضات کارکنان مناطق مختلف بصورت اجباری عملی نگردیده بود و در اغلب سازمانهای دولتی بشکل داوطلبانه عنوان میشد که بسا استقبال کم کارکنان دولتی مواجه گردید، چرا که بسا بدی وضع اقتصادی کشور، کم شدن حقوق کارکنان در اثر بازنشستگی و نبود تضمین برای پرداخت آنها، بیگاری و گرانی سرمایه و موجود در جامعه و...، بازنشستگی کارکنان آنان را بسا وضع بدتری مواجه میگردد.

اما با آغاز جنگ ارتجاعی ایران و عراق، رژیم فرصت یافت تا به بهانه جنگ در بسیاری از زمینه‌ها و از جمله در مورد اجرای طرح اجباری

اتحاد کارگران اخراجی شرکت فلور علیه تفرقه اندازی رژیم

بسرکار فرستادن همین سیمد تفرقه بعد از طریق رادیو - تلویزیون اعلام خواهد شد!

این گفته مسئولین با اعتراض یکپارچه کارگران مواجه گردید آنها میگفتند که: "اولاً با بسد همگی ما را بسرکار بفرستند و ثانیا همین حالا تکلیف ما را روشن کنند چرا وعده سرخرمن میدهند؟ کارگران بدرستی دریا فته بودند که هدف مقامات رژیم از اینگونه اعمال فقط ایجاد تفرقه در صفوف آنهاست، از اینرو قاطعانه این توطئه رژیم را محکوم کردند، کارگران تصمیم گرفتند روز بعد هم در محل اجتماع کنند و در صورت بی توجهی مجدد مسئولان، دست به اقدامات قاطعتری بزنند. مبارزات کارگران اخراجی فلور برای بازگشت بکار همچنان ادامه دارد.

بدنبال اخراج بیش از ۱۲۰۰ نفر از کارگران شرکت فلور و مغان و بکار گرفتن تعداد کمی از این کارگران در قسمت بخش شرکت نفت، بقیه کارگران اخراجی با اجتماعات متعدد، متحد و یکپارچه فریاد اعتراضات را بلند کردند، این امر که موجب وحشت رژیم گشته بود، مسئولان شرکت را بر آن داشت تا با استفاده از شیوه‌های همیشگی سرما بیداران در صد ایجاد تفرقه در میان کارگران بیافزیند. به همین منظور روز ۹/۱۰ که کارگران مبارز فلور برای شنیدن پاسخ نهایی مسئولان در مقابل اداره کار اجتماع کرده بودند روسای شرکت به نمایندگان کارگران گفتند که فعلاً ۳۰۰ نفر را به سرکار خواهند فرستاد و در آینده تکلیف بقیه روشن خواهد شد. علاوه بر این زمان معاون مسئول دیگر دعوت کرده ام که بیایند و راجع به کار شما صحبت کنیم شما بروید و فرستاد بیاید "بهر حال" نمایندگان "بعد از دو روز سرگردانی روز سه شنبه ۹/۱۸ به کارکنان میگویند:

نماینده مجلس فقط سرمایه‌داران را به رسمیت میشناسد

عده ای از کارگران شرکت بازنویسی بندر - خرمن شهر که مدت دو ماه است حقوقشان را دریافت نکرده اند، به نمایندگی از تمامی کارکنان به تهران آمده و بسراغ نمایندگان شهرستان به محل مجلس میروند، اما "محمدی" یکی از نماینده - گان خرمن شهر جواب کارگران میگوید: "ما هیچگاه هستیم یک نامه از وضعیتان بنویسید تا ما مطرح کنیم و بعد به اتفاقاً معرفی زاده" نماینده دیگر خرمن شهر بداخل مجلس میروند و بعد از اینکه از مجلس بیرون می‌آیند معرفی زاده خطاب به کارکنان میگوید "من از وزیر کار و دو

"طبق این قانون ما با شما کاری نداریم و باید شما مدیرعامل داشته باشید تا از طریق اومسایتوانیم حقوق شما را پرداخت کنیم"

بقیه در صفحه ۲۸

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

کمکهای مالی دریافت شده

شماره:	ح	د
الف	۳۰۰۰	۶۲۵۰
ب	۲۸۰۰	۲۹۳۰۰
ج	۷۷۵۰	۱۱۱۵۰
د	۴۳۰۰	۱۰۰۰۰
هـ	۶۰۰۰	۲۰۰۰
و	۶۰۰۰	۴۰۰۰
ز	۲۸۰۰	۸۴۰۰
ح	۲۳۰۰	۱۰۰۰۰
ط	۲۴۵۰	۸۶۰۰
ث	۲۴۵۰	۱۵۰۰۰
ج	۶۳۰۰	۶۴۵۰
د	۴۳۰۰	۹۵۰۰
هـ	۶۳۰۰	۷۹۴۰
و	۵۱۹۰	
ز	۳۲۲۰	
ح	۶۱۰۰	
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		
هـ		
و		
ز		
ح		
ط		
ث		
ج		
د		

تفتیش عقاید در رادیو - تلویزیون ادامه دارد

اخیرا مقامات "مکتبی" رادیو تلویزیون برای شناسایی کارکنان مبارز و متعهد دست به توطئه دیگری زدند که در اشراف و اشراف و وسیع کارکنان با شکست مواجه شد.

مقامات رژیم با پخش پرسشنامه‌ای در میان کارکنان مشخصات دقیق آنها و نزدیکان را خواسته و با طرح سئوالاتی نظیر "بظرف شما در مورد کارمندان اضافی سازمان چه اقداماتی باید کرد؟"، "فکر میکنید چند نفر از همکاران در واحد شما اضافی هستند؟"، "سه نفر از همکاران واحد خود را که بیش از همه معتقد به انقلاب و دارای کارایی و علاقمند به کار هستند نام ببرید و... مذبح جان تلاش نمودند که "حکم" اخراج کارکنان را بدست همکاران نشان "صادر" نمایند کارکنان با خود داری از پاسخ به تفتیش عقاید به روشهای جدید و ادا شدن کارکنان به جاسوسی علیه همکاران نشان شدید اعتراض کردند و مقامات سریعاً پرسشنامه‌ها را جمع آوری کردند.

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ...

شگرف تبلیغی آنچنان بمیان توده‌ها مرفست که غیورانه ترین احساسات را برای عالیه ترین جانبا زیبا در راه انقلاب در توده‌ها برمی انگیزت در دوران موقعیت انقلابی، علاوه بر انواع سخن تبلیغ، میتوان از تبلیغ مسلحانه نیز برای برانگیختن توده‌ها استفاده کرد مثلا اکنسون در کردستان از نوع تبلیغی خاصی بنام جوله (گشت سیاسی - نظامی) استفاده میشود.

تجربه نشان میدهد که بعلاوه وجود موقعیت انقلابی، توده‌های کرد از شعارها و سخنرانیهای سیاسی در "جوله" ها زمانی بیشترین استقبال را میکنند، که پیشمرگه‌ها، بنازگی ازبک عملیات نظامی پیروز مند با زکشته باشند و بسیار در زمان شاه خاثن، پس از ۱۷ شهریور با طر داریم که جنگ کوکتل مولوتف‌های توده‌ها با ارتش مسلح چنان تیر برانگیزاننده تبلیغی میبخشید، دورانهای اعتلا و موقعیت انقلابی، عدم استفاده از این انواع پیشرو تبلیغی، نشان‌دهرکی عقب ماندگانه و کونومستی از مفوله تبلیغ است، بهما تگونه که استفاده از این انواع در دورانهای رکود، چیزی جز آثار سبب نیست. مسی چریکی در زمانی که میبایست تبلیغ را حول افشارگریهای سیاسی - اقتصادی در دوران رکود سازمان دهد، به تبلیغات مسلحانه که هیچ ربطی به سطح جیس توده‌ای نداشت می - پرداخت و از توده‌ها جدایی افتاد. در حالیکه همین تبلیغ مسلحانه و حتی تیورسوخ، در دوران موقعیت انقلابی، نا ثیرات نهیجی سیاری در برانگیختن بیشتر توده‌ها با کمک دارد (برای درک بهتر نسبت به این مسئله میتوان به مپام مسکوا نرلسن رجوع کرد). بدین ترتیب همس فراموس نکردن اسواع دیگر تبلیغ در دوران اعتلا و موقعیت انقلابی و بخصوص سخنرو بیشتر

آقای بهزاد نبوی دودروغ و یک راست! ۱,۴۰۰,۰۰۰ تومان خرج سفر رجائی به نیویورک!



بهزاد نبوی سخنگوی دولت و وزیر مکتبی جمهوری اسلامی طی مصالحه مطبوعاتی خود که در روزنامه جمهوری اسلامی اول دیماه جاری شده در باره رسندی که ما منتشر کردیم در آن از جابجایی "بیت المال" عمومی توسط روحانیون برده سردار استم سخن گفته است. در اینجا آقای نبوی مرتکب دودروغ شده که اگر آنرا "کنانه کسب کرده" پیدا ندیم معلوم نیست با پیدا ورا "حذر عی" زدانه!

اولا در رسندی که افسار کرده ایم از ۲۵ میلیون تومان دیگر "اسم برده شده که بخوسی نشان میدهد قضیه پرداخت پول به آیت الله منتظری منحصر به این ۲۵ میلیون نبوده است.

بناچار در این سندهیج ذکری از علمای سنی نرفته و آنچه مربوط به روحانیون سنی بوده مبلغ دیگری است که خود آیت الله منتظری آنرا در نامه‌ای به سازمان اوقاف متدرج در روزنامه... ذکر کرده است. آیت الله منتظری در این نامه میگوید که برای روحانیون سنی ۸ میلیون از دستا ما ۱۴۰۰ میلیون از اوقاف در دست گرفته یعنی جمعا ۲۲ میلیون! اما آقای بهزاد نبوی که میخواهد به "استمالی" قصه سردار زد موضوع را "قاطی" میکند!

ضمن جلب توجه هموطنان مبارز به اسناد کردن تراکتها و اعلامیه‌ها و حتی انتشار رسوبات روزانه تبلیغی، به اهمیت سکرف حصرانیه و بحثهای توده‌ای و نظامی در شورش‌های سنی بوده - ها با بستن سببترین اهمیتها را فائل شده بی گمان تا نسری که تظاهرات انقلابی توده‌های صیاد در سال گذشته در آنزلی با کذاست با هرازان اعلامیه هم نمیدست آورد.

ادامه دارد.

کمک به برادران اهل تسنن در پاسخ به سؤال معنی خبرنگار - راجع به پرداخت ۲۵ میلیون تومان سوسپله دولت به حضرت ابوالفضل العظمی منتظری آقای سوسی شرح داد: سازمان پیکار در رادار آزادی طبقه کارگر طی اعلامیه با استناد این مورد ادعا کرده است که بیت المال به جیب روحانیون می رود و سنی اصل مآخرا این بود که سنا نه تصویب قسطنتی شورای انقلاب و برای کمک به معارج تبلیغاتی علمای اهل تسنن در پاکستان و سلوچنستان و کوردستان، ترکمن مجرا و بعضی مناطق جنوب کشور باید در اختیار آنها قرار میگرفت سنی تصویب نامه شکلی تنظیم شده بود که بین السنا شه رامیکرد که مادا ناجی باشد که سه عده‌ای داده میشود. ما اگر ادعا میکنیم که معالیمت در جهت تبلیغ و پیشبرد اهداف اسلامی است باید هر کسی که در این زمینه قدمی بر میدارد کمک کنیم. طبیعی است که برادران اهل تسنن برادران ما هستند و امکانات تبلیغی آنها سانه شرایط خاص ارتباطشان با مردم صعب است و بالطبع اگر از این بیشتر هم بخواهند اختیارشان قرار خواهیم داد و این ۲۵ میلیون تومان در اختیار آقای منتظری قرار گرفته تا ناظر ایشان به علمای اهل تسنن داده شود و صرف تبلیغات اهل تسنن گردد البته نظیر این مورد بر پیش آمده بود که امکان داشت مورد استفاده تبلیغاتی گروههای محال قرار گیرد و آن تصویب نامه‌ای بود برای معارج سفر آقای رجائی و همراهان به آمریکا، لیبی، الجزایر که مبلغ یک میلیون و چهار صد هزار تومان قید شده بود در حالیکه مآخی باید سبب آزادی را که از ایران سرتده سوسپله تقریبا برگردانیم. موضوع این تصویب نامه این بود که برای گزایه هواپیمای شرکت هواپیمایی سنی ایران که یک هواپیمای ۷۰۷ بود ما نمیتوانستیم تنها گزایه یازده نفر اعضای هیئت را سدهیم بلکه باید گزایه یک هواپیمای درست را میدادیم و لذا دولت مجبور شد یک میلیون و چهار صد هزار تومان به هواپیمایی ملی بپردازد که این البته آریس - چه به آن جیب رجائی است.

اضا ف می کنیم که آیت الله منتظری چند روز پیش از اعیای سند ۲۵ میلیونی از طرف ما، از مسئولیت در یافت و خرج آن بولها استعفا کرد. آیا تریس از افسای استا بد بیشتر موجب این استعفا بوده است؟ اما حرف راستی که آقای بهزاد نبوی از تریس افساگری کمونیستها و انقلابیون زده است که در سفر "صدا میریاسنی" "صدا سربگاشی" "رجائی" به نیویورک ۱/۴۰۰/۰۰۰ تومان را با بت کرا به یک هواپیمای جام موحت ۲۴۷ سدا خنده اندسا رجائی و چند نفر از همراهان را به امریکاسرا ند آری یک میلیون و چهار صد هزار تومان از در آمدنا جیرکا رگران و زحمتکشان ما می بردارند تا آقای رجائی به نیویورک برود و سگوید امریکا عملا سوبه کرده است و فقط کافی است آنرا روی کاغذیا ورد و اسنگه امریکا با این "سونه" ، نکامل معنوی "می باید! آری خرج سفر رجائی به نیویورک برای سازش با امریکالیسم چنانیکه امریکا کارگران و زحمتکشان خبا نتهای رژیم را نخواهند بخسود، کمونیستها و انقلابیون رژیم را افسا میکنند، برده‌های سوهما را ریش جنم سوده‌ها کنار می زنند، با آنان پیوند سرفراری می کنند، از آنها می آسورند و به آنها با میدهند و انقلاب را بیگیرانه تا برپاشی چم - سوری دمکرا شک خلق به پیش میسرنند.

مجاهدین خلق: پاره‌تن یا تن صدپاره؟!

در حالیکه نیروهای انقلابی هوادار و اعضا، ما را مانع محاذی خلق ایران در کوسه و کنار کورد در معرض نهب و غارت و سرکشی و فرار دارند و دسماها، انتقامها و تبلیغات دروغین در روز- باهها و رسانه‌های گروهی رژیم آنها تراهدف قرار داده است، در حالیکه حزب جمهوری اسلامی و گروههای حرسه حواری آن، چماق قدیمی را به ر - ۳ و نارنجک تبدیل کرده به مراکز تجمع مجاهدین حمله می‌کنند، آنها را می‌زنند و می‌کشند و... آری درست در حالیکه درگیری های خیابان ما زان، از طرف اصطلاح "گروه های نامعلوم" (نوکودا و دسته های حزب جمهوری اسلامی)، محل انجمن کارمندان مسلمان هوادار مجاهدین را به صحنه کار را خونینی بدل کرده بود و حداقل یک کشته و دهها زخمی بجا گذاشته بود آیت الله دکتربهسی رئیس همین حزب معلوم الحال گفت: "ما مجاهدین را با ره‌تن خود مبداء نیسم!" (مما حبه را دنونلو بزیونی ۳ دی ماه) آیا مجاهدین خلق که در نهران و شهرهای مختلف از حملات مداوم حزب آتای بهشتی ساها نشستان باره باره شده است سواره شستن آتای بهشتی هستند؟ هبتکسی ایی دروغ و نیرنگ رانمی بذرند بلکه بدان می‌جندند، حقیقت اس است که بهسی و حزب او و کلیه مرتجعین و ضد انقلابیون از اس وحشت دارند که نیروی انقلابی و بوده ای مجاهدین در کنار رسیگریترین نیروهای انقلابی یعنی کمونیستها قرار بگیرد لذا برای حدا کردن مجاهدین از اس و حذف ساست دانها شدن اریکطرف و کار دتیز کردن ارفرد دیگر را سرکشیده اند، آست الله منتظری در هفته گذشته در مورد مجاهدین گفت که آنها مسلمان اند! ما ههاست که "مرگ بر منا فقیه" را مثل وردن سسخ بر سر بیان سوده های نا - آگاه انداخته آید، مجاهدین را با اصطلاح خودتان "ندترا زکفار" مبداءید ولی حالا حنا لکه گوئی مردم در خواب سوده اند مجاهدین را مسلمان می شمارند! جز سها نسا طرسا س دوکا نسه مجاهدین نه سها ارسردیک شدن آنها نسه کمونیستها و ما بدن در صف انقلاب وحشت دارند بلکه ا ز سردیک بدن ساس رهبری مجاهدین به لسرا لیا و سنی صدر هم می‌رسند، آتای بهشتی و حزب او می‌کوشند مجاهدین را در وسط بکه دانسه نصیف و سرکوب نمایند.

اما مجاهدین با سدا سندانکه لسرا لیا همدستان حزب اندوسرک در حنا سات آسان مجاهدین با سدا سندانکه هسما نسان استرا تریک آنها جز نیروهای انقلابی کمونیست کسی نیست، این حقیقتی است که با رها در عمل تا ب سده و منطبق بر ما هیت انقلابی و سدا امپریالیستی هر دو ماسد.

نضیه از صفحه ۱ آقای رفسنجانی...

برای زحمتکشی که لقمه را از دهان نشان گرفته و آن را صورت بول به حساب می‌آورد که رژیم بار کرده و ابرینموده اند و معلوم نیست کسی مسئول آن بولهاست (روزنامه های اول دی - مذاکرات مجلس)

برای کارگران کارخانه های کشور که بخاطر کمک به جنگزدگان بجای همان ساندویچ معمولی ناهار، ناگزیرند تا نان سبزی میوه شکرمان را سر کنند که رسا ده ای نبود.

توجه قضیه خرید ۲۰۰ میلیون تومان اسلحه ۱۰ روز طول کشید و آقای رفسنجانی در مباحثه ای که در دودم ای ماه در روزنامه ها چاپ شده با اصطلاح بهیاسخ اقدام کرد، او به هیچ وجه نمیتوانست مثل بسیاری از حقایق دیگر، این رسوائی را انکار کند، او به هیچک از نکاتی که در تراکت مبادتها اشاره شده بود یعنی گرانی سرسام آور، فقر شدید روستا ثبات، ۳ میلیون بیکار، سش از بسک ۳ میلیون آوار ه جنگ با سخ نداد، آتای هاشمی سه مصرف این سلاهی که کسار ما مروستا های کردستان و وکشتا را نخلابون و کمونیستها در سراسر کشور است نیز نشیرداخت.

فقط گفت که این بدستور اما م بوده ولی نگفت که اس مبلغ از "بیت المال" و حاصل رنج و زحمت کارگران و زحمتکشان بکدام حقی در اختیار ایشان بوده است؟ آقای رفسنجانی ما را که افشاگر این خیانتها هستیم طبق معمول "ضد انقلابی" نامید ولی سوده های آگاه به خوبی واقفند که ضد انقلابی چه کسانی هستند، آنها مبداء اندکسائی ما نند آتای رفسنجانی که در نقطه مقابل مناقع سوده های زحمتکش ایستاده و انقلاب دمکرا تریک سده امپریالیستی خلق را با نا کاسی (هر چند موقت)

روبرو کرده اند، ضدا انقلابی هستند. آقای رفسنجانی مسئولیت را بگردن بانک مرکزی انداخت و برای کسانی که حنا سندی را تنظیم کرده و سعد آن را به سرور در داده اند خط و نشان کشید، او خواست از این مساله علیه رفسای لسرا ل خود "بیل" بکشد ولی وانمود می‌کند که نمیداند که هدف ما نه تنها افشای جنایتیای حزب جمهوری، بلکه حنا سنیای همالکی هان یعنی لسرا لیا هم هست، سر - انجام ما بعد از این افشاکری نه تنها دامن حرب را گرفت، بلکه به لسرا لیا تیرا ماسد نمود، بانک مرکزی آقای نوری هم علامه داد (۳ دی ماه) و کوشیده سوده ها به بیولانده که مرخلاقسی صورت نگرفته و "کسب احرا را محضرا ما م" را ملاک کار خود قرار داد، اتفاقا برای کارگران و زحمتکشان و آوارگان و کلیه ستمدیدگان میهن ما مبارزه با هرگونه ضدا انقلابی - حنا ل عامل آن هرکس که ما شد - مطرح است، برای این سوده ها که هر روز آگاه و آگاه هنر می‌شوند افشای دشمنان خلق در هر چه ای که با سندان ر سمنداست.

ما کمونیستها تعهد و وظیفه خود در قبال خلق را از با دشمنی بریم و هیچ درنگی در دیدن ما سک - های فریب که دشمنان خلق به چهره می‌زنند روا نخواهیم داشت، حالا برای اینکه گوشه سباز کوچک دیگری از خیانتهای کسانی ما نند هاشمی - رفسنجانی روشن شود و معلوم گردد که حیثیت و میل اموال عمومی از ایشان امر عجبی نیست و او تا جهده "مول سوم و حویس با زی" را بنام انقلاب سگری س مردم قلاب می‌کنند اس سند و افشاکری نوحه کنند:

سندرو برو نشان میدهد که محمد هاشمی رفسنجانی (یکی از برادران حجت الاسلام رفسنجانی) که ۱۲ - ۱۰ سال در آمریکا راحت تحصیل می‌کرده و چنان رفتار با سیوسکوکسی داشته که از کنتراسیون دان تشویب ان اخراج شده بود و جدا کتر جز و دارو دسته دکتربیدی در انجمن اسلامی سوده است، پس از قیا مبهمن، به سغلهائی نظیر "عضو هیات مدیره سازمان مرکزی تعاون روستائی" منصوب شده و مبلغ ۱۳۷۵ تومان حقوقی ما هها نسا بوده است، او حالا هم "زیرکنت" برادر رئیس مجلس بودن و "مکنی بودن" معاون وزارت کشاورزی است، او عضو هات ساسی ایرانی که اخیرا برای سروورت دادن روابط ایران با امپریالیستهای اروپائی به انگلیس فراسده و آلمان سفر کرد نیز بود.

انجمن کارگران ایران روستائی

ماده ۱۰۰ قانون کار و تامین اجتماعی

تاریخ: ...
ضمیمه: ...
شماره: ...
متمم است در پاسخ باین شماره اشاره شود

آقای محمد هاشمی رفسنجانی
مقر هیئت مدیره سازمان مرکزی تعاون روستائی

برو حکم شماره ۲۵۲۱۷ مورخ ۵۸/۲/۲۲
و با استناد اختیارات حاصله از مجمع عمومی سازمان، بموجب این حکم معازرت و مزایای نامذانه شما بر اساس دستورالعمل شماره ۲۳/۱۱۰۰ تحت ۵۳/۱۱/۱ و ۵۴/۱۱/۱ - ش ۵۷/۹/۱ - سازمان امور اداری و استخدامی - مبلغ یکمصد و سی و هفت هزار و پانصد (۱۳۷۵) رسال همین مکرده که از تاریخ انتخاب طبق مقررات قابل پرداخت میباشد.

محمد اردبیلی
رئیس کارکنان، عمران و روستائی

رو نوشت به: اداره کل امور مالی
رو نوشت به: اداره کل کارکنانی

بقیه از صفحه ۳۲ آیت الله

"کسی نگفته ما زمان مجاهدین خلق کافرند برای اینکه اسلام به این اصل، کسی شما دین را، قرآن و پیغمبر اسلام را قبول داشته باشد، این میشود اسلام ولی اشتباهات در عقاید آنها هست... به برادران و خواهران دیگر توصیه میکنیم که آنها را با آغوش باز بپذیرند، چون آنها بچه های خودمانند، جوانان خودمانند، از خراج که نیستند بچه های این کشورند، مجاهدین خلق همه بچه های این کشورند، ما به ایشان علاقه داریم، بچه های مسلمانند..." (کلیان اول دوما، نظرات آیت الله منتظری درباره زمان مجاهدین خلق)

سخنان اخیر آیت الله منتظری بار دیگر هراس زدن انقلاب را از او جگری جنبش انقلابی نشان داد. ضدانقلاب برای مقابله با نیروهای انقلابی دست به کشتار و سرکوب و حشانه آنها میزنند، اما زمانیکه از مقابل انقلاب عاجز شد بیکباره گریه عابد میشود دست نوازش دراز میکند و از این فرصت برای بهسازی کشاندن نیروهای انقلابی و تجدید قوا برای سرکوب مجدد استفاده میکند.

سخنان شاد و غلاظ خمینی و منتظری و قطعنامه راهپیمایی کذاشی را ملاحظه کردید، حال آنرا با سخنان اخیر منتظری مقایسه کنید، بوی تعفن عوام فریبی سردمداران رژیم آشکار میشود، آن هنگام که احساس نیرومندی میکنند، پاسخ نیروهای انقلابی شکنجه و کشتار است و در هنگام ضعف بدون اینکه از سرکوب نیروهای انقلابی صرف نظر کنند برای کشیدن آنها از صفا انقلاب نقش "بدرمهریان" را بازی میکنند، اما مگر همین اکنون حدود هزار نفر از این "جوانان مسلمان" که بقول آیت الله منتظری بچه های این کشورند، در سیاهای رژیم جمهوری اسلامی زندانی نیستند، مگر همین اکنون رهبران مجاهدین تحت تعقیب نیستند و اعلامیه - هایشان نیز حجتی غیر قانونی نیست، آقایی منتظری بعنوان یک تاکتیک موقتی برای جذب مجاهدین، سخنان ملاطفت آمیز بر زبان میآورد (انگار سخنان دیروزیش بیادمان رفته است!) تا شاید آنها را وادار به سازش با هیئت حاکمه بکشاند، ما ضمن افشای دورویی و دغل بازی منتظری اذعان میداریم که این سخنان فریبی بیش نیست و سرکوب مجاهدین از سوی جمهوری اسلامی ادامه خواهد یافت، این سخنان فریب کارانه تنها موضع ضعف رژیم را در مقابل جنبش توده ها آشکار میکند، مضافاً اینکه جناح حزب جمهوری میخواهد در دعوتش با لیبرالها چمکی نبرزه مجاهدین زده باشد (چمکی کم و مو موقتی که هرگز نمیتواند تعارض از سرکوب مجاهدین گردد، توهین به مجاهدین حتی پس از سخنان منتظری نیز کاهش نیافته است، صفحه کثیف "چپ اندر چپ" ارگان مرتجعین جمهوری اسلامی در هفته گذشته نیز همچنان سرلجن پراکنی در مورد مجاهدین و دیگر نیروهای انقلابی ادامه داده و راجاتی نیز در سخنرانی در "سینا" را "جمع" را رد بگردد آنها حمله میکند و خلاصه همه

سردمداران حزب کماکان حملات خویش را بر "منافقین" ادامه میدهند و در حمله با سداران ارتجاع در خیابان مبارزان تهران، حداقل یکی از هواداران مجاهدین خلق را میکشند و چندین نفر را زخمی مینمایند.

بدین ترتیب بی آنکه سرکوب نیروهای انقلابی حتی بطور مقطعی متوقف شده باشد، سخنان منتظری، تنها یک معنی دارد، منزوی شدن بیش از پیش ارتجاع! او جگری جنبش توده ای، کاهش توهم توده ها نسبت به رژیم، آنها را سخت وحشت زده کرده است چنین است که فضای منتظری، برای جلوگیری از منزوی تر شدن بیشتر حزب جمهوری اسلامی به نبرنگ جدیدی چنگ میزند و ندای آشتی با یکی از نیروهای مهم جنبش دموکراتیک ایران سر میدهد.

پاسخ مجاهدین به نبرنگ باری کنونی حامیان و سردمداران حزب جمهوری اسلامی، با بستن افشای واقعی مواضع ضد انقلابی آنان و توضیح اینکه چرا رژیم به چنین عجزی رسیده است باشد، دوستان مجاهد با بدبا نندتنها با موضع انقلابی و تعرضی است که ضد انقلاب هراسناک به عقب وادار میشود، در اوج مماشات مجاهدین و عقب نشینی های آنها در وقایع دانشگاه، عدم فضای جنابات رژیم در کردستان... دیدیم که چگونه آیت الله خمینی و منتظری به آنها یورش آورده اند، در حالیکه اکنون که ضد انقلاب، ادامه انتشار و تشویه مجاهد را علیرغم غیر قانونی شدن آن و برخورد های انقلابی هواداران مجاهدین در آمل و لاهیجان و... را شاد گردیده، دست به عقب نشینی زده است، از سک گر بگریزی، بتوبتوارس میکنند و هجوم میآورد اما اگر به آن حمله کنی ممکنست دم هم تکان دهد! اما اینجا سوالی که از دوستان مجاهد مستوان پرسیدیم نیست که بچه خاطر هر چند گاهی مورد التفات این یا آن نیروی، ضد انقلابی واقع میشوند، چرا زمانی لیبرالهای مرتجع برای کسب مجاهدین بسوی خود میکوشند و زمانی نیز توده ایهای خائن، پدران آنها را نصحت کرده، خواهان ترک آنان از مواضع انقلابی میگردند و اکنون نیز آقایی منتظری به نفعی سخنان پیشینش برای جذب آنها می پردازد، آیا این التفات به مجاهدین، بخاطر این نیست که امید - هائی این نیروهای ضد انقلابی برای منصرف کردن مجاهدین از انقلاب در سر می پروراند؟ آیا این امیدها بخاطر تزلزلات متعدد مجاهدین در مقابل انقلاب نیست؟ یا اگر مجاهدین در مبارزه طبقه ای، تزلزلات وسیعی را که تا امروز شاهد آن بودیم از خود نشان میدادند، باز هم ارتجاع میتواند نسبت به آنان امیدوار باشد و از لیبرالها و توده ایهای مزدور تا حربه های فالانژ و سرسخت برایشان دندان تیز کنند؟ بر مجاهدین خلق است که با قاطعیت بخشیدن به مواضع انقلابی، تمامی ضد انقلاب را دلسرد و دل افسرده سازد.

بقیه از صفحه ۳۲ سمینار

ثانیا: ائمه جمعه زیر چتر بوروکراسی!

پس از دادن قدرت و اختیارات وسیع به ائمه جمعه "مسئله اساسی دیگری که برای حزب مطرح میشود کنترل و هدایت این "ائمه" در یک بوروکراسی منظم و هدایت شده است. خامنه ای بوضوح به لزوم این سیستم اداری اعتراف میکند: "اگر این نمازهای جمعه عبادا دو بیست نوع خط در سراسر کشور برگزار رسونده تنها مفید نخواهد بود بلکه زمان آورنزمینا شد و بسیاری رفع این مسئله احتیاج به تکرار اینگونه سمینارها میسازد." (جمهوری اسلامی، ۳ دی) و آیت الله مشکینی نیز ضرورت تشکیل این سمینار را از جمله درهما هنگ کردن "ائمه جمعه" میداند، اما "حزب" تمسخواهد تنها از طریق سمینارها، ایجا دهها هنگی کند بلکه میخواهد تسکلات اداری منظمی بهمین منظور ایجاد نماید، بهمین خاطر "دفتر مرکزی نماز جمعه در شهر قم"، بمناسبت ارگان اداری "ائمه جمعه" تاسیس میگردد (ماده ۱۱ قطعنامه، جمهوری اسلامی، ۳۰ دی) البته "ائمه جمعه را استان لاقل هر یکما ده یکبار جلسه ها هنگی خواهند داد، و سمینار سراسری "ائمه"، هر شش ماه یکبار برگزار خواهد شد و حتی برای این بوروکراسی "ائمه جمعه" ایجا دیک با زرسی ویژه نیز پیشنهاد میشود: "بهنراست ریر نظر ما مراکز برای رسیدگی به شکایاتی که از ائمه جمعه میرسد، رسدگی کند." (سخنان آیت الله منتظری در سمینار، جمهوری اسلامی، ۲ دی) بدین ترتیب "ائمه جمعه"، در یک سازمان بوروکراتیک تحت رهبری و کنترل حزبها متشکل میشوند و بمناسبت یک ارگان قدرت حزب عمل خواهند کرد، بعنوان اولین قدرت نمایی میتوان به سخنان خامنه ای اشاره کرد، که در خط دادن به ائمه جمعه، گوید: "لیبرالها و مجاهدین (خط نفاق) را در راس کار - های آنها قرار داد (همانجا ۳ دی) و بدین ترتیب نعلان مشخص کرد که "ائمه جمعه" مبلغ منافع کدام جناح ارشد هستند و حتی بطور مشخص به "بنی - مدریعتوان" یک جریبان ضعیف که مخالف نماز جمعه است" (حرا که بنی مدرکته بودند نماز جمعه با یکا ه صرفه امکانی شده و منظور این بود که به آلت دست حربیها تبدیل شده است.) جمله کرد (هماجا ۲۰ دی) و لیبرالها نیز که با شطبقاتی - سان در با فته بودند، متشکل شدن ائمه جمعه در یک تشکیلات بوروکراتیک بسود حزب عمل میکند نصیحت نامه را التماسی در انقلاب اسلامی، ۳ دی چاپ کردند (نوسنه سلامان) که در آن خواسته بود "ائمه جمعه" زهج گروهی دفاع نکنند، ما سخن آخر ما، است که حسرب نوا هدتوان نسبت با استعاده از هرا هرم قدرتی ایجا دتنسکلات اداری برای ائمه جمعه... به نسبت حویس ببرد ادوا و جگری انقلاب چنان عرصه را بر آنها تنگ خواهد کرد، که با بستن "ائمه جمعه" اثرش انقلاب نمار وحشت بریادارند!



